

صنعت و کارآفرینی

نشریه خبری آموزشی و تحلیلی

۸۴ دی، بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۴



سال ۹۵، تحول درون سازمانی

فرصتی تازه

فصل جدیدی در انتظار طلای سرخ ایران است

لزوم هدایت نقدینگی به سمت تولید

چرا زور تورم به سود بانکی نمی‌رسد؟

تأثیرات سبک زندگی ایرانیان در تصمیمات بازاریابی

O₂

0,2 Nm³/h – 2.000 Nm³/h

UP TO 99,5% O₂-PURITY

N₂

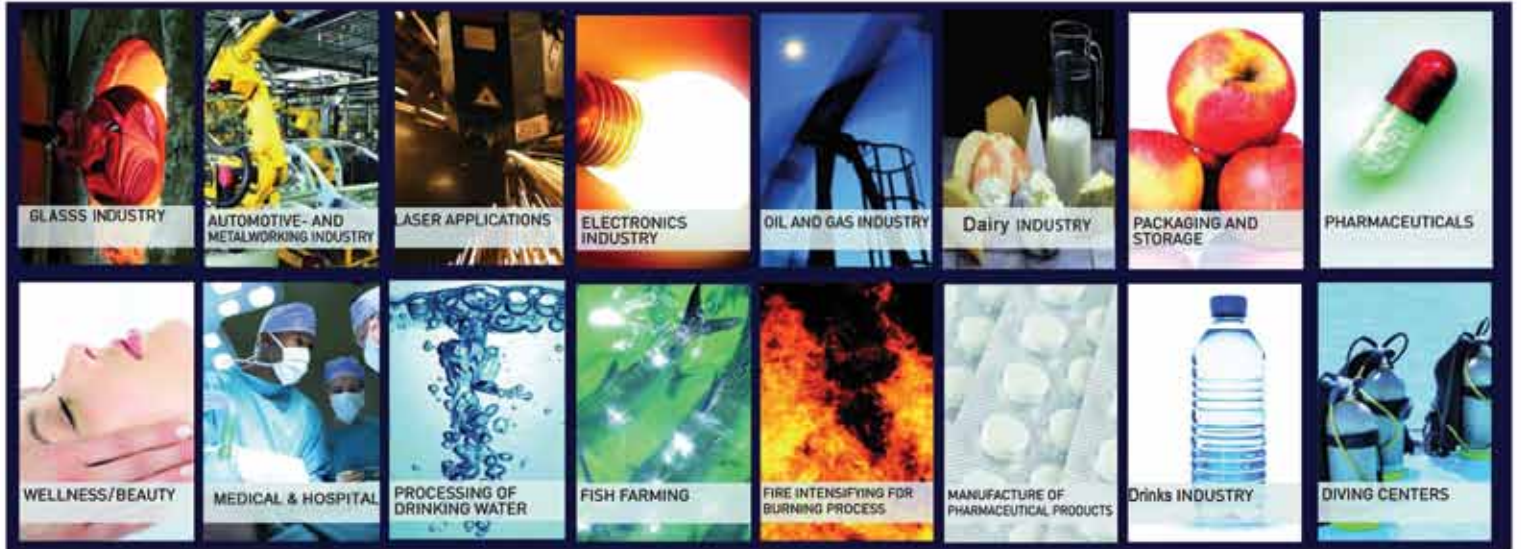
0,2 Nm³/h – 10.000 Nm³/h

UP TO 99,9999% N₂-PURITY
{6.0} / 1.0 ppm

**IN
MA
TEC**
GAS TECHNOLOGY



> ONSITE IS OUR WORLD



FARAZ
COMPRESSOR
توسعه صنایع
فراز کمپرسور

تهران، پارک فن آوری پردیس، نوآوری هشتم، پلاک ۸۸

تلفن: ۰۲۱-۷۶۲۵۰۸۵۰ (خط ۱۰)

۰۹۱۲۸۴۹۹۹۰۱-۴

www.faraz-compressor.com

www.inmatec.de

**made
in
Germany**



TIMA
TILE INDUSTRIES
صنایع کاشی تیما



- ▲ گواهینامه تعالی خدمات مشتری از سوی دانشگاه A.L.U در امریکا American Liberty University
- ▲ گواهینامه برترین سازمان در حوزه Customer Delight از سوی موسسه جهانی فروش و بازاریابی در انگلستان ISMM
- ▲ گواهینامه دستاورد Customer Delight با امضای اساتید و مدیران عامل مطرح جهان
- ▲ دارای تندیس ویژه Customer Delight در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا MCD AWARD
- ▲ دارای تندیس زرین جشنواره قهرمانان صنعت کشور
- ▲ برند شایسته ملی در سال ۸۹
- ▲ واحد نمونه کیفیت و استاندارد در سالهای ۸۶ - ۸۹ - ۹۱
- ▲ کسب لوح افتخار عالی در تحقیق و توسعه
- ▲ کارفرمای نمونه سال ۸۸
- ▲ واحد نمونه صنعتی در سالهای ۸۸ - ۸۹ - ۹۲
- ▲ کارآفرین برتر سالهای ۸۹ - ۹۱
- ▲ دارای گواهینامه CE اروپا
- ▲ دارای گواهینامه استاندارد ملی ایران
- ▲ دارای گواهینامه ISO ۹۰۰۱:۲۰۰۸ توف نورد المان
- ▲ واحد برتر در زمینه سلامت کار
- ▲ دارای گواهینامه رعایت حقوق مصرف کنندگان
- ▲ کسب گواهینامه انطباق معیار مصرف انرژی در سالهای ۹۳ - ۹۴

نشانی: مشهد، شهرک صنعتی طوس، فاز ۲
تلفن: ۰۵۱ ۳۵۴۱۳۹۹۰ خط ۱۶ | شماره: ۰۵۱ ۳۵۴۱۳۱۱۰

Factory: Phase 2, Toos Industrial Estate Mashhad - Iran
Tel: +98(51) 35 41 3990 Fax: +98(51) 35 41 3110
www.timatile.com info@timatile.com



بیمه رازی

از رازی بودن شما، طلایی هستیم...

بیمه رازی، اولین دارنده تندیس طلایی حمایت از حقوق مصرف کنندگان در صنعت بیمه، برای دومین سال متوالی موفق به دریافت این تندیس شد.

www.razi24.ir

آدرس: مشهد، بلوار شهید قرنی، نبش بلوار شهید موسوی قوچانی

سرپرستی شرق کشور

تلفن: ۰۵۱-۳۷۱۲۸۶۰۱-۵

به نام خداوند سبحان



نفس به سینه گرفته و چشم می بندیم و سرشار می شویم از شمیم بهار

هر آنچه کاشته ایم با صداقت و عشق به حول طبیعت کنون نشسته به بهار

خداوند سبحان را سپاس می گوئیم که در کنار شما شاهد بهار دیگری هستیم و سال یک هزار و سیصد و نود و پنج را با توکل بر ایزد منان در کنارتان خواهیم بود تا برایتان نور، آفتاب، برکت، رحمت، امید و امنیت از حضرت دوست آرزو کنیم...

در این رهگذر شورانگیز از این که با دعایی بر لب، چتری باشیم بر وجود نازنینتان و قدمهایمان را با صدای گامهایتان در هر فراز و فرودی هماهنگ کنیم، بر خود شادمانه می بالیم... چرا که شما لایق آرامش هستید و شایسته آنکه در سایه ساران حق، نغمه شادی و مهربانی را زندگی کنید.

"همواره در فراز باشید و افتخار"

"مبارک باد بر شما این سال و این بهار"

واللا فرخ وارسته

مدیر عامل و رئیس هیات مدیره

بلاغ



انجمن مدیران صنایع
شعبه خراسان

ماهنامه صنعت و کار آفرینی
نشریه خبری و آموزشی و تحلیلی
شماره ۸۴-دی، بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۴
قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

هیات تحریریه:

فرامرز عسکری - امیر مهدی مرادی - اشرف بهنام پور

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

احمد اثنی عشری

شورای سیاستگزاری:

رضا حمیدی - حمید طیبی - حسین متین راد
عبدالله یزدانبخش - فرامرز مرادی - جلیل افشار نژاد
محمد علی چمنیان - مهدی نعیمی پور

طراح و صفحه آرا:

محمد حسن پنجه بند

مدیر روابط عمومی:

فرامرز عسکری

عکس:

وحید محبی فرد

ناشر:

انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان

نشر:

چاپ زمره

نشانی دفتر ماهنامه:

مشهد- بلوار شهید منتظری (تلویزیون) - نبش شهید منتظری ۷
مجتمع ساپکو و قطعه سازان - طبقه ۲ - انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان
تلفن: ۱۴-۳۸۴۴۲۱۱ (۰۵۱)
فاکس: ۳۸۴۴۲۱۷ (۰۵۱)

وب سایت انجمن مدیران صنایع خراسان:

www.imakh.ir

Email: info@imakh.ir

نشریه صنعت و کار آفرینی آماده دریافت مقالات، ترجمه و گزارش‌های متخصصین و همکاران گرامی می‌باشد.

* مسئولیت مطالب بر عهده نویسندگان است.

* هیات تحریریه در انتخاب و ویرایش مقالات آزاد است.

* استفاده از مطالب نشریه با ذکر ماخذ بلامانع است.

فهرست:

سال ۹۵، تحول درون سازمانی / ۲

فصل جدیدی در انتظار طلای سرخ ایران است / ۴

لزوم هدایت نقدینگی به سمت تولید / ۶
کاهش ریسک صنایع کوچک با مدیریت خسارت / ۷

قرارداد شفاهی و جاهت قانونی ندارد / ۸
ثروت آفرینی از صادرات فناوری / ۹

سریع القلم: واژه استقلال را باید مورد بازبینی جدی قرار داد! / ۱۰
نقش فرهنگ سازی در ارزیابی عملکرد کارکنان / ۱۲

شناسایی پایه‌های جدید مالیاتی / ۱۴
راه کارهای تامین نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی / مسیر خروج بنگاه‌ها از

ورشکستگی / ۱۶

چرا زور تورم به سود بانکی نمی‌رسد؟ / ۱۸

تبعات بخش غیر رسمی اقتصاد / ۲۰

بهبود اقتصاد با ابزار بودجه / ۲۲

اهرم ارزی رونق صادرات / ۲۴

اقتصاد چینی ایران؛ اقتصاد ایران در دولت روحانی چینی تر شد / ۲۶

آثار کاهش قیمت نفت بر اقتصاد / فرصت‌های اقتصادی نفت ارزان / ۲۸
۶ روشی که شاید به شغل برسید / جزئیات سونامی ۶/۲ میلیون تقاضای

کار / ۳۰

۸ شهر مورد علاقه مهاجران؛ جذاب‌ترین شهر برای بیکاران
کجاست؟ / ۳۲

۵ شغل پرطرفدار آینده چیست؟ / ۳۳

وال استریت ژورنال گزارش داد / شرکت‌هایی که هرگز ایران را ترک
نکردند / ۳۴

بررسی شرایط جذب سرمایه خارجی / مدیریت ریسک سرمایه گذار
خارجی / ۳۵

تأثیرات سبک زندگی ایرانیان در تصمیمات بازاریابی / ۳۶

شرکت‌های نوپای پرسروصدای این روزها / موفق‌ترین استراتژی
آپ‌های ۲۰۱۵ / ۳۸

۵۰۰ هزار استخدام در دولت قبل محل شک و شبهه است / دولت یازدهم
میراث‌دار استخدام بی ضابطه / ۴۰

نقست؟ رفت! / ۴۲



بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه نگذرد

بهار، زایش دوباره طبیعت و تجلی جمال الهی از راه رسید. بزم زیبایی نوشدن و تجدید حیات دوباره ی طبیعت در مطلع بهار که دست توانمند صنعتگر فرزانه، آفرینش زیبا ترین تحول را در طبیعت رقم می زند و شمیم روح بخش گل های نوروزی را در جان هستی می پراکند، بهترین الهام بخش ما می باشد که با عزمی راسخ و پر توان و با امید به نیک اندیشی های دولت تدبیر و امید، بار دیگر بتوانیم پاییز صنعت را تبدیل به بهاری شکوهمند نماییم که وطن عزیزمان در این زمان سخت بدان نیازمند است. خرسندم که در این ایام فرخنده، تبریکات خود را همراه با آرزوی بهترین تدابیر و نکوترین تحول در احوال روزگارتان تقدیم حضور شما همسنگران خود در جبهه تولید نمایم.

امید که در راه اهداف مشترکمان که همانا تعالی اقتصاد میهن عزیز و رفاه بیشتر هموطنان است، همواره سربلند و پر افتخار بدرخشیم.



رضا حمیدی
رئیس هیئت رئیسه انجمن مدیران صنایع خراسان



سخن نخست:

سال ۹۵، تحول درون سازمانی

سال‌هایی که پشت سر گذرانیم پر از فراز و نشیب برای کشور و سراسر رکود برای تولید و اقتصاد بود. بعد از سال‌ها مذاکرات فرسایشی و طولانی بالاخره مذاکرات هسته‌ای به فرجام رسید و برجام با موافقت کشورهای ۱+۵ و ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. همزمان کاهش شدید قیمت نفت را مواجه بودیم که به یکباره با سقوط آزاد به قیمت غیر قابل پیش بینی کمتر از ۳۰ دلار در هر بشکه کاهش یافت.

انتخابات مجلس شورای اسلامی را در دوره اول پشت سر گذاشتیم و هنوز نمی‌توان در مورد گرایش غالب مجلس سخن گفت. این انتخابات و نظایر آن همواره یک دوره فترت ۳-۴ ماهه و حتی بیشتر را در اقتصاد ایجاد می‌کند و ترس از تغییر، چه مثبت و چه منفی همواره دغدغه فعالان اقتصادی بوده و آنان را از تصمیم‌گیری‌های درازمدت باز می‌دارد. مجموعه این اتفاقات و ابهام در سیاست‌های اقتصادی دولت بویژه در ارتباط با نرخ ارز هنوز افق روشنی را از شرایط باطمینان مناسب به دست نمی‌دهد. اما دشواری این است که این ناپایداری‌ها و عدم اطمینان‌ها امری متداول و مستمر شده و صنعت و مدیران آن باید خود را با این شرایط تطبیق دهند و از ملزومات آن توسعه مهارت‌های مدیریتی است. در شرایط بحرانی که سال‌های اخیر داشته‌ایم تولد واحدهای جدید را که به جمع تولیدکنندگان پیوسته‌اند شاهد بوده‌ایم که در مدت کوتاه از رونق مناسب برخوردار شده‌اند. رمز و راز توفیق آنها چیست؟ چرا گروهی پیش‌تازند و گروهی از قطار توسعه پیاده می‌شوند. شناخت آن دشوار نیست، مهم‌ترین اصل توسعه مدیریت است.

مدیران باید از یک سو شهادت تغییر و تحول در کسب و کار را داشته باشند و از سوی دیگر شیوه مدیریت خود را بازنگری نمایند. امروز شرکت سامسونگ کره جنوبی حدود ۳۰ برابر درآمد نفتی کشور را درآمد دارد. سامسونگ شرکتی است که در سال ۱۹۳۸ کسب و کار خود را در صنعت غذا و خرده‌فروشی آغاز کرد اما در طول زمان آن را تغییر داد و امروز از بزرگترین‌ها در صنعت الکترونیک و دیجیتال، کشتی‌سازی، تلفن همراه، خودرو و... گردیده است و به تنهایی ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی کره جنوبی را با رقمی حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار در سال در اختیار دارد.

مدیران بنگاه‌های تولیدی با دو نگاه می‌توانند توفیق داشته باشند یا کسب و کار خود را متحول سازند و یا این که در بازارهای صادراتی حضور یابند و این هر دو علاوه بر جسارت نیاز به توسعه توانمندی‌های مدیریتی دارد. مهم‌ترین ابزارهای توسعه مدیریت، اطلاعات و دانش هستند. تجربه و دانش گذشته و دانسته‌های قبلی، دیگر برای توسعه و توفیق در مدیریت کارساز نیستند و باید طرحی نو در انداخت زیرا اگر کارآمد بودند، توفیق پایداری را نصیب ما می‌کردند.

لذا بدون تعصب و غرور بپذیریم که باید تغییر کنیم و این تغییر ابتدا از دیدگاه ما به آینده و چشم‌اندازی که ترسیم می‌کنیم آغاز می‌شود.

به گفته آقای زنگنه وزیر محترم نفت «بیتریدید موتور توسعه به کمک انسان‌های فرهیخته شکل می‌گیرد، پس نمود خارجی آن در بنگاه‌ها و ساختارهای اقتصادی کشور ظاهر می‌شود. توسعه از طریق اندیشه ورزی و رشد عقلانیت حاصل می‌شود و این‌ها مقدمه توسعه بنگاه‌ها و در کل توسعه جامعه است.»

بیتریدید مرور تجربه چند سال گذشته این واقعیت را نمایان می‌سازد که حاکمیت علیرغم تمامی شعارهای مطرح شده به تدریج حمایت خود را از فعالان اقتصادی کمتر نموده و حتی از پرداخت باران‌های که مقرر بوده به این بخش بپردازد خودداری نموده است.

سال آتی هم اوضاع بهتر از این نخواهد بود. لذا واحدهای صنعتی باید دست به زانوی خویش گرفته، به پا خیزند و در آغاز سال همسو با دعای تحویل سال که می‌گوئیم یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال، تحولی جدی در خود ایجاد کرده و به گذشته کسب و کار خود و دام‌های کمک‌های دولتی و انتظار بی‌حاصل گرفتار نشده و تا این تحول در ما رخ ندهد و آن را باور نکنیم توفیقی نخواهیم داشت.

سال نو مبارک

پیروز باشید



فرصتی تازه

فعالیت‌ها به مردم حوزه انتخابی خود متصور نیستند، ارتباط ایشان با اجتماع، محدود به دوره انتخابات است و اغلب انتظارات را برآورده نمی‌سازد. لذا انتظار دارد در سطح استان، مجمع نمایندگان با توجه ویژه به این مهم، با برگزاری جلسات مستمر با نمایندگان حوزه‌های مختلف از جمله اتاق‌های بازرگانی، اصناف و تعاون ارتباط پویا با حوزه اقتصاد برقرار نمایند.

در شرایطی که کشور برای بقا نیازمند رشد سریع اقتصادی می‌باشد، اصلاحات اقتصادی برای رشدی پایدار، افزایش اشتغال و ارتقای سطح زندگی جامعه، تنها با تعاطی افکار از جناح‌ها، سنین، اقوام، ادیان و جنسیت‌های مختلف و مدیریت خردمندانه این افکار میسر



می‌گردد و این مهم نقش ریاست و هیئت‌رییسه مجلس را بیش از پیش پررنگ می‌نماید. در صورتی که هیئت‌رییسه آتی مجلس بتواند از تضارب آرا به نحو احسن و در جهت پیشرفت برنامه‌های توسعه‌ای بهره‌برداری نماید، فرصتی ویژه پیش روی دولت و کشور خواهد بود و در مقابل عدم مدیریت افکار متضاد می‌تواند تهدیدی جدی برای آینده کشور باشد و مجلس را به محل کشمکش‌های سیاسی و جناحی تبدیل نماید.

امیدواریم انتخاب خردمندانه هیئت‌رییسه مجلس توسط منتخبین مردم، شرایط را برای تحقق انتظارات ملی بیش از گذشته فراهم آورد و در سال جدید شاهد تحول در نگرش توسعه ملی باشیم.

امیر مهدی مرادی

دبیر اجرایی انجمن مدیران صنایع خراسان

انتخابات مجلس شورای اسلامی پس از فراز و نشیب‌های فراوان به اتمام رسید و آرای مردم ترکیبی همگن از مجموعه سلابیق را وارد مجلس نمود. تناسب تقابل آرا در مجلس اخیر، در صورت تعقل‌گرایی می‌تواند فرصتی کم‌نظیر در جهت پیشرفت کشور فراهم آورد.

اگر چه مردم برای گزینش کاندیدای مورد وثوق خود به شاخص‌های متعددی توجه می‌کنند، لکن در غالب انتخابات موضوع اقتصاد و وعده‌های اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در جلب مشارکت‌کنندگان دارد. چنانکه هرم‌ماز لو نیز تایید می‌کند نامزدهای نمایندگی در مناطق کمتر توسعه یافته با وعده‌های ارزانی نان، گوشت، میوه، مسکن، یارانه و... و کاندیداهای نمایندگی در مناطق توسعه یافته با وعده‌های آزادی اجتماعی و... در عرصه رقابت پیروز بوده‌اند. در شهرهایی همچون مشهد که دارای جمعیت قابل توجه‌ای حاشیه‌نشین می‌باشند نیز این مهم کاملاً مشهود است.

نکته قابل تامل، مشارکت نسل جوان در انتخابات با هدف نقش‌آفرینی در تعیین مسیر و سرنوشت کشور است. رای قاطع در کلان‌شهر تهران، مهر تاییدی بر سیاست اجرای برجام و نه بزرگ‌به‌مخالفین آن بود. مردم تلویحاً سیاست‌های ریاست جمهوری و حرکت به سوی اقتصاد باز و تعامل با دنیا را تایید نمودند. مشارکت جوانان در سراسر کشور حماسه‌ای سیاسی خلق نمود و نکات کلیدی و مهم انتظارات ایشان از حکومت را آشکار ساخت. حضور جوانان نخبه در کنار بزرگان صاحب تجربه، حضور بانوان در کنار مردان، حضور فعالان کارگری در کنار فعالان کارفرمایی، همه و همه شور حضور و مشارکت در انتخابات را افزایش داد و ترکیب جمعیتی فهرست امید در تهران نظر آحاد مردم را تامین نمود.

به طور کلی آرامش و ثبات حاکم بر اجرای فرایند انتخابات و سعه صدر اغلب کاندیدها، نشان از فرایند رو به رشد بلوغ اجتماعی دارد و فارغ از اینکه چه کسی رای آورده است و چه کسی رای نیاورده است بیانگر تمرین بزرگ دموکراسی در کشور بود.

پس از انتخابات کاندیداهای برگزیده، منتخب همه مردم می‌باشند و وظیفه دارند در جهت تحقق انتظارات کل جامعه گام بردارند.

از آنجا که اغلب نمایندگان وظیفه‌ای برای ارائه گزارش عملکرد



نیویورک تایمز:

فصل جدیدی در انتظار طلای سرخ ایران است



از قبیل پشمک زعفرانی، نبات زعفرانی (برای شیرین کردن چای)، سوهان زعفرانی و تافی ترد زعفرانی پیدا کردم. اغلب گفته می شود، زعفران قیمت طلار دارد، زیرا زحمت کشت و عمل آوری آن زیاد است و به نیروی کار زیادی نیاز دارد. هر پاییز به مدت چند هفته، گیاه زعفران گل می دهد. آن وقت، تولیدکنندگان زعفران شروع به برداشت می کنند. سپیده دم، گل ها را می چینند و از هر گل سه رشته کلاله که همان روز به آرامی شروع به قرمز شدن می کنند را جدا کرده و خشک می کنند.

از هر ۱۵۰ هزار گل، تقریباً یک کیلوگرم (۲،۲ پوند) زعفران به دست می آید.

عجیب نیست که پودر گران بهای زعفران سبب ایجاد یک تجارت بد شده است. تجارتی که با تقلب و تحریف هایی شامل عرضه جایگزین های ارزان تر، محصول ناخالص و بر چسب های تقلبی که در قاچاق سنگ های قیمتی یا مواد مخدر نیز مرسوم هستند، ایجاد کرده است.

چند دانشمند و کارشناس زعفران با یکدیگر همکاری کرده اند تا برای بهبود تولید و بازار یابی زعفران، تعیین درجه خلوص و محل تولید آن و نظم دهی به بازار زعفران، اقدامی موسوم به سفرانومیکس (Saffronomics) را راه بیانند. در کنفرانس جهانی سفرانومیکس در آلمان و اسپانیا در سپتامبر (شهریور) گذشته، محور بحث، حجم بالای زعفران تقلبی در گردش بود.

«چی اس هسلاپ-هریسون» فوق تخصص ژنتیک دانشگاه لستر در مصاحبه با نیویورک تایمز می گوید: مساله تقلب مشکل بزرگی است. استفاده از زعفران تقلبی به این معنی است که مردم مزه و عطر زعفران اصل را نمی دانند. از نگاه کارشناسان، زعفران تقلبی، سلامت مردم را چندان به خطر

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی به قلم «ایلین سایولینو» لغو تحریم های ایران در آینده نزدیک را شروع فصل تازه ای برای زعفران (Saffron) دانست. روزنامه یاد شده نوشت؛ زعفران، یک گیاه دارویی قدیمی و گرانترین نوع آن است که همواره یک قدرت جادویی اعتیاد آور داشته است.

کلتو پاترا آخرین فرعون مصر باستان، حمام زعفران می گرفت تا دلر با تر شود. اسکندر مقدونی از زعفران برای درمان زخم هایی که در جنگ برداشته بود، استفاده می کرد.

بسیاری از ایرانیان بر این باورند که زعفران خالص، یک آنتی اکسیدان، ضد استرس و سلاح خوراکی در برابر آلزایمر، سرطان و بیماری چشم است.

در ایران، که همه ساله بیش از ۸۰ درصد عرضه جهانی ۲۵۰ تنی زعفران را تولید می کند، این گیاه جادویی همه جا حضور دارد؛ در خورش ها، کباب ها و روی ظرف پلو.

در دیدار اخیر تازه از یک سوپرمارکت در تهران، دستکم چندین محصول زعفرانی





نزدیکی بیر جند، زعفران تولید می کند. همه ساله غفت شبیانی، مادر خانواده فرهی، یک تادو کیلو زعفران از مزرعه برداشت می کند. وی از وزنه های بسیار کوچکی برای وزن کردن زعفران استفاده کرده و سپس آن را در بسته های پلاستیکی بسیار ساده ای بسته بندی می کند.

این خانواده تا زمانی که بتوانند، سنت برش مادگی گیاه برای حفظ ساقه زرد کم رنگی که دشت نامیده می شود را حفظ می کنند.

به گفته خانواده فرهی، بخش زرد رنگ ساقه زعفران، به عطر غذا می افزاید در حالی که بخش قرمز رنگ به آن رنگ می دهد. بسته بندی رشته های قرمز-زرد زعفران یک روش سنتی برای اطمینان دادن به مشتری از طبیعی بودن آن است. فریده، دختر دیگر خانواده می گوید: فروشندگان به شما می گویند هرگز ساقه زعفرانی که دارای بخش زرد رنگ نیز هست را نخرید زیرا جز افزایش وزن زعفران خریداری شده، چیز دیگری ندارد. اما کسی که من اطمینان زیادی به سخنان وی دارم معتقد است، بخش زرد رنگ ساقه زعفران به عطر و بوی آن می افزاید.

خانواده فرهی در مورد بهترین روش آسیاب کردن زعفران با یکدیگر اختلاف نظر دارند. فریده اصرار دارد که باید این کار را باهاون کوچک انجام داد اما فرشته خواهر وی که یک میکرو بیولوژیست است، قهوه خردکن برقی کوچک را توصیه می کند.

آسیاب کردن زعفران یک آیین است. یک ورق کاغذ تمیز روی میز می گذارند تا اطمینان حاصل شود که ذره ای از زعفران هدر نخواهد رفت. سپس رشته های زعفران همراه با چند حبه قند داخل آسیاب برقی گذاشته می شود تا زعفران بهتر آسیاب شود. پودر به دست آمده می تواند در بسته های مهر و موم شده برای سال ها سالم بماند.

خانواده فرهی در مورد زعفران قوانین خود را دارد: هرگز آن را در فریزر نگذارید. آن را در ظروف دربسته و دور از نور نگهداری کنید. از ریخته شدن آن جلوگیری کنید، زیرا رنگ قوی دارد و پاک کردن آن سخت است. از استفاده مقادیر زیاد زعفران خودداری کنید، زیرا ارزشمندتر از آن است که بتوان آن را هدر داد. علاوه بر این، ایرانی ها معتقدند اگر زیاد زعفران بخورید، از خنده می میرید.

در پاریس، «ژان ترسلین» که خانواده اش از سال ۱۸۰۹ در کار تولید، خرید، بسته بندی و فروش زعفران هستند، در مغازه خود واقع در منطقه مریس، محصولاتی که پایه آنها زعفران است از قبیل سرکه، خردل، شربت و کارامل عرضه می کند.

ژان یک گرم زعفرانی عالی ایران شامل سه مادگی که هنوز از هم جدا نشده اند را در شیشه های کوچک به قیمت ۱۳,۹۰ یورو (۱۵ دلار) می فروشد.

همسروی گفت: زعفران نسبت به سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) که سه مرد با تفنگ های اتوماتیک به مزرعه آنها در کامبس - لاویل حمله کردند تا ذخایر زعفران را بدزدند، اما نتوانستند، گرانتر شده است.

ژان در تائید گفته همسرش گفت: زعفران بسیار گرانتر از کوکائین است.



نمی اندازد. آنچه کارشناسان رانگران می کند، مبالغه در مورد اعتبار و خلوص این محصولات تقلبی است.

در کنفرانس جهانی سفرا نومیگس، کارشناسان در مورد بهبود روش های تشخیص تقلب از طریق یک سری آزمایش ها، از اسپکتروسکوپی ساده تا بررسی های پیچیده دی.ان.ای صحبت کردند. آنها می خواهند بدانند آیا رنگ زعفران عرضه شده طبیعی است؟ آیا به ترکیبات گیاهی چیزی اضافه شده است؟

آنها در حال توسعه یک پایگاه اطلاعاتی پیچیده در زمینه تقلب و ارقام منطقه ای زعفران هستند.

نوسان در بازار زعفران شدیدتر شده است. لغو تحریم های بین المللی علیه ایران، همزمان منجر به افزایش تقاضای سفته بازی زعفران (تقاضای زعفران برای معامله نه برای مصرف) در داخل ایران شده است.

زعفران در ایران چند برابر از رانتر از اروپاست. در اروپا قیمت خرده فروشی زعفران می تواند تا ۲۰ هزار یورو در هر کیلوگرم افزایش یابد.

در مغازه «کبر فرامرز» که ۲۰ سال است در بازار ادویه فروشان اصفهان کار می کند و میوه خشک، گیاهان دارویی و ادویه از قبیل نعنای خشک، گل بنفشه، بهار نارنج و زعفران می فروشد، قیمت یک بسته ۴,۶ گرمی زعفران ۱۱ دلار است.

فرامرز گفت: از بهار گذشته، قیمت زعفران ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. آنها که پول دارند در بازار مداخله می کنند و مقادیر زیادی زعفران خریده و احتکار می کنند.

در اسپانیا که صادر کننده بزرگ زعفران است، بازار دچار اختلال شده است. این کشور روزی تولید کننده بزرگ زعفران بود اما مدت ها است که عمده زعفران خود را از ایران وارد و آن را به نام زعفران اسپانیا صادر می کند. اما در اواخر سال ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا شروع به سختگیری در

مورد برچسب زدن های غیرقانونی به کالاها از جمله زعفران کرده است. در سال های اخیر، افغانستان نیز شروع به تولید زعفران کرده است.

ایران در تلاش برای تشویق کشاورزان افغانی برای دست کشیدن از تولید خشخاش، با سازمان های غیردولتی برای پرورش زعفران همکاری می کند.

کشور هایی مانند فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، یونان، مقدونیه، کوزوو و اتریش نیز مقادیر ناچیزی زعفران تولید می کنند.

برای ایرانی ها، زعفران فقط زعفرانی ایرانی است. آنها بر این باورند که ترکیب خاک، ویژگی های توپوگرافی، اقلیمی و آب استان خراسان واقع در شمال شرق ایران که منطقه بومی پرورش زعفران در این کشور است، زعفران ایران را خاص می کند.

در تهران، فرشته فرهی و برادرش فرهاد، آیین سالیانه بسته بندی و توزیع زعفران برای دوستان و فامیل را زنده نگه داشته اند.

خانواده طرف مادری آنها به نام شبیانی، در مزرعه خود واقع در





تقویم هدایت

دینگی

به سمت تولید

بر اساس آخرین آمارهای اعلامی از سوی مقامات بانک مرکزی، حجم کل نقدینگی بارش در ۱۶ درصدی در ۸ ماهه ابتدای امسال به رقم ۹۰۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. میزان نقدینگی در پایان شهریور امسال ۸۷۳ هزار میلیارد تومان بود.

طبق آمارهای بانک مرکزی میزان نقدینگی در شهریور ماه سال ۹۲ معادل ۵۰۶ هزار میلیارد تومان بود که این رقم در شهریور ماه امسال به ۸۷۳ هزار میلیارد تومان رسید. رشد نقدینگی در دو سال گذشته بر اساس آمارهای بانک مرکزی حدود ۲۷۰ هزار میلیارد تومان و بر اساس آمارهای غیر رسمی ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. حال با نزدیک شدن به ایام پایانی سال و اجرای طرح‌های جدید برای تسریع رونق تولید و تزریق منابع از طریق آنها که به اعتقاد کارشناسان بدون بررسی‌های لازم اقتصادی صورت گرفته است، احتمال رشد نقدینگی بار دیگر قوت گرفته و اقتصاددانان نسبت به این موج جدید نقدینگی هشدار می‌دهند. باید دید این مقدار نقدینگی در کجا هزینه شده است که با وجود نقدینگی ۹۰۷ هزار میلیاردی هنوز بخش تولید و اقتصاد با رکود روبه‌روست و همچنان از کمبود نقدینگی رنج می‌برند؟ چرا این حجم نقدینگی نقشی در اقتصاد نداشته یا به چشم نیامده است؟ چرا با وجود این مقدار نقدینگی مردم، اصناف و تولیدکنندگان هنوز هم تأکید دارند که پولی در بازار نیست؟ پرسش‌هایی از این قبیل همچنان ذهن‌ها را درگیر ساخته است. به طوری که برخی کارشناسان معتقدند، رقم ۹۰۷ هزار میلیاردی یک رقم واقعی نیست و تنها یک عدد در حسابداری است. فارغ از این موضوع، گویا بخش عمده نقدینگی، در قالب تسهیلات بانکی گرفتار مسکن و برج‌هایی شده است که به دلیل فروش نرفتنشان، فعلاً قابل نقد شدن نیستند. به گفته برخی دیگر از کارشناسان آمارها حاکی از آن است که اقتصاد کشور فقط با ۴۵۰ هزار میلیارد تومان از این ۹۰۷ هزار میلیارد تومان نقدینگی می‌چرخد. نقدینگی در اقتصاد به مجموع پول و شبه پولی گفته می‌شود که با افزایش تورم ارتباط مستقیم دارد، چرا که هر چه میزان نقدینگی افزایش پیدا کند به همان میزان ارائه کالا و خدمات در جامعه نیز باید افزایش یابد و چون حجم کالا و خدمات محدود است پس باید میزان نقدینگی به گونه‌ای باشد که با کالا و خدمات برابر باشد. اگر این توازن ایجاد نشود و میزان نقدینگی بیش از حد افزایش یابد کالا و خدمات در جامعه کم شده و در نتیجه تورم افزایش می‌یابد. در علم اقتصاد رشد نقدینگی بستر و شاخصی برای افزایش تورم محسوب می‌شود؛ این در حالی است که بسیاری از کشورها با رشد نقدینگی مواجه هستند، اما این رشد نقدینگی فی‌نفسه بد نیست و در اصل مثبت تلقی می‌شود، به شرط اینکه در جهت تزریق به بخش تولید باشد و به این مسیر هدایت شود.

سال ۹۵؛ بحران بانک‌ها

حیدر مستخدمین حسینی، رئیس اسبق بانک مرکزی درباره میزان نقدینگی اعلام شده از سوی بانک مرکزی می‌گوید: مهم‌ترین مساله در باره اعلام حجم نقدینگی ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی به شرایط اقتصادی فعلی و رکود موجود برمی‌گردد. به این مفهوم که ۵۰ درصد این نقدینگی در حال حاضر قفل شده و بازپرداختی آن هم صورت نگرفته و از اینرو عملاً ۵۰ درصد از این میزان نقدینگی - یعنی رقمی حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان - در حال جریان است. وی اشاره‌ای هم به عدم روشنی و شفافیت آمارهایی که تحت عنوان اعطای تسهیلات مطرح می‌شود داشت و افزود: بانک مرکزی هفته گذشته میزان ارائه تسهیلات و وام‌های ارائه شده طی ۸ ماهه ابتدای سال ۹۴ را رقمی حدود ۲۳۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. این تسهیلات ارائه شده جدید نیستند و بسیاری از آنها در سال‌های گذشته به بنگاه‌های اقتصادی داده شده‌اند. در حالی که بانک مرکزی باید این موضوع را به صورت شفاف و تصویر روشنی از این تسهیلات و وام‌های ارائه شده بیان کند. همچنین بخشی از این میزان نقدینگی قفل شده، بدهی دولت به نظام بانکی در قالب اوراق مشارکت و خرید تضمینی است و بخش دیگر مربوط به کالاهایی است که در انبارها باقیمانده و به فروش نرفته است، نظیر ۲۵۰ میلیون تن سیمان یا ۴۰ میلیون مترمربع کاشی و سرامیک و ۳ میلیون تن فولاد در کارخانجات نورد و فولاد که به فروش نرفته است. در نتیجه این میزان نقدینگی در دست مردم و بنگاه‌های اقتصادی نیست که در بازار احساس شود. وی سال ۹۵ را سال بحران بانک‌ها خواند و افزود: تسهیلاتی که بانک‌ها ارائه داده‌اند، قفل شده و متقاضیان نمی‌توانند پولی که در یافت کرده‌اند را برگردانند زیرا این تسهیلات تبدیل به مسکن یا ساختمان و برج شده و به دلیل رکود بازار به فروش نرفته‌اند. به هر حال این بنگاه‌ها تسهیلاتی گرفته‌اند که کالاهایشان هم به فروش نرفته است و از اینرو نمی‌توانند اصل مبلغ را برگردانند و در انبارهای شرکت‌های تولیدی حبس شده‌اند و عمدتاً بانک‌ها نیز به جای

وثیقه ملک در یافت کرده‌اند و خود بانک‌ها هم نمی‌توانند این ملک‌ها را به فروش برسانند. مجموع این عوامل باعث این حجم از نقدینگی در بازار و نیز کاهش نرخ تورم شده است که در شرایط رکود کاهش تورم نه تنها مثبت نیست بلکه فاجعه به شمار می‌رود.

مطالبات معوق بانک‌ها

عباس هشی، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی در پاسخ به این سوال که چرا با وجود این حجم زیاد نقدینگی هنوز رشد چشمگیری در بخش تولید و بازار سرمایه دیده نمی‌شود می‌گوید: از یک طرف مشخص نیست که چند درصد از تسهیلات مبادله‌ای که بانک‌های دولتی و شبه دولتی در دولت قبل داده‌اند به تولید بوده و چند درصد آن به غیر تولید (ساخت و ساز و...) و از طرف دیگر هم بانک‌ها با مشکلی مهم به نام مطالبات معوق روبه‌رو هستند یعنی عده‌ای که از بانک پول گرفته‌اند و توان بازپرداخت ندارند. حال بخشی از این عده که بخش واقعی تولید هستند، در واقع توان مالی ندارند که اقساطشان را بدهند و بخش دیگر این عده که تعدادشان هم کم نیست، با پولی که گرفته‌اند دلار و ملک خریده یا وارد بازارهای غیرمجاز، ساختمان‌سازی در دوی، ترکیه و... شده‌اند یا کالا به صورت اعتبار اسنادی بدون انتقال ارز وارد کرده‌اند، و... پس اینها هم پول بانک‌ها را گرفته‌اند و خورده‌اند و پس نداده و نمی‌دهند. حال اگر بانک‌ها بخواهند با زور و اجبار مطالباتشان را از این گروه دریافت کنند، تنها کاری که می‌توانند کنند این است که املاکشان را توقیف یا جایگزین کنند. در حالی که خود بانک هم با مازاد اداری ملکی روبه‌روست. نتیجه‌اش می‌شود سوار کردن ملک روی ملک. پس عامل اصلی عقب افتادگی تولید و رشد همین مشکل نقدینگی است که متأسفانه در شرایط فعلی روز به روز هم بدتر می‌شود. تا جایی که بانک‌های ما به مقامات قضایی و وزارتخانه‌ها متوسل شده‌اند که به فریادشان برسند. نامی توانیم با این نسبت‌های مغایر با استانداردهای پیش برویم. بنابراین همه امیدها به پساتحریم است، اگر از دولتی یا شبه دولتی دل بکنند و امور اقتصادی را به مردم و تولیدکنندگان واقعی و درستکار بسپارند، قطعاً اقتصاد مردمی می‌تواند جایگاهش را در خدمت‌رسانی به اقتصاد کشور و کف سودی که حشش است نشان بدهد و تداوم داشته باشد. بعد از تحریم هم اگر اعتماد به محیط اقتصادی و تداوم در رشد اقتصادی کشور و بهتر شدن بازار سرمایه ایجاد شود، برجام تأثیرگذار خواهد بود. البته وقایعی در کشور اتفاق می‌افتد که ناخودآگاه برای اموری که نظام برنامه‌ریزی کرده است، مانع است. برجام یک دستور کار نظام جمهوری اسلامی است، هر کس کاری کند که به تحقق این برنامه لطمه بزند، این در مقابل نظام است.

متأسفانه واقعه اخیر در سفارت عربستان می‌تواند تأثیر بسیار منفی در کاهش اطمینان سرمایه‌گذار خارجی و حتی سرمایه‌گذار داخلی به وجود آورد که خوشبختانه بر خورد با این موضوع و روشن شدن ریشه‌ها و عواملش در دستور کار دولت قرار دارد.





کاهش ریسک صنایع کوچک با مدیریت خسارت

جلوگیری از به خطر افتادن اعتبار آنها، همچنین مساعدت به بانک‌ها در بازگشت تسهیلات پرداختی و حفظ منابع صندوق است. بخش دوم مطالعه و بررسی و پیگیری مستمر و دقیق پروژه‌های خسارتی و ضمانتنامه‌های مربوطه در مواردی که صنعتگر به تعهدات خود نسبت به اعتبار دهنده عمل نمی‌کند، است. حوزه مدیریت خسارت توانسته در طول یک سال اخیر تعداد ۴۲ فقره از ۲۳۵ طرح خسارتی را با سقف تعهد ۹۶۸/۲۰۳ میلیون ریال منجر به استمهال کند تا اینگونه در حمایت از تولید و حفظ منابع صندوق و بانک نقش بسزایی ایفا کند. بخش سوم تعیین خسارت قابل پرداخت در حدود اختیارات تعیین شده و ارائه گزارش مربوطه به مقام مافوق جهت پرداخت خسارت در موعد مقرر است. مدیریت خسارت

توانسته ریسک اعتباری بانک‌ها به تبع ضمانت آن دسته از طرح‌های تولیدی که اکثر در پرداخت تسهیلات خود استنفاف کرده‌اند، به ارزش ۴۰۰/۰۰۰ میلیون ریال با ایفای تعهدات خود پوشش داده و نقش مستقیمی در بازگشت منابع بانک‌ها و ارتقای جایگاه صندوق ضمانت در پوشش ریسک اعتباری تسهیلات پرداخت شده و همچنین حمایت از تولید به تبع بازپرداخت بخش عمده‌ای از بدهی‌های آنها داشته باشد. بخش چهارم تهیه و تنظیم و ثبت گزارش‌های قابل استناد از سوی کارشناسان پیگیری خسارت پس از بازدید از طرح‌های خسارتی در راستای مساعدت و تأمین به اصطلاح خوراک امور حقوقی در حوزه وصول مطالبات است.

■ سوء مدیریت رانمی توان با تزیق نقدینگی جبران کرد

دلایل عدیده‌ای در خسارتی شدن طرح‌ها وجود دارد ولی در بررسی‌های میدانی و نتایج حاصل از بازدید طرح‌های خسارتی چنین استنباط می‌شود که سوءمدیریت یکی از مهم‌ترین عوامل شکست این دسته از واحدهای تولیدی زیرمجموعه صنایع کوچک باشد. به طوری که در بنگاه‌های بزرگ، سرمایه را با مدیریت تفکیک کرده‌اند یعنی سرمایه‌گذار مجبور نیست که حتما مدیر مجموعه باشد ولی در صنایع کوچک شخصی که سرمایه‌گذار است مدیریت نیز انجام می‌دهد و به زعم خود توانایی مدیریت مجموعه تولیدی را دارد در حالی که می‌بایست تخصص‌های لازم را در حوزه مدیریت یک واحد تولیدی و تسلط به امور مالی و بازاریابی و فروش داشته باشد. لذا صرفاً تزیق نقدینگی برای اینگونه واحدهای تولیدی که اکثر از کمبود سرمایه در گردش شاکتی هستند، نمی‌تواند تأثیرگذار باشد.

موضوع ریسک و چگونگی کاهش آن همواره یکی از دغدغه‌های جدی فعالان امور صنعت، تجارت و بانکداری بوده است. در یک تقسیم‌بندی اولیه از نظر زمانی دو نگرش به ریسک قابل تصور است؛ پیشگیری از ریسک و پوشش ریسک. در نگرش نخست اقداماتی به انجام می‌رسد تا احتمال وقوع ریسک به حداقل برسد اما نگرش دوم بر این مبنا استوار شده که در صورت تحقق ریسک محتمل با وجود اتخاذ تمامی تدابیر احتمالی، چگونه می‌توان تبعات مالی ناشی از آن را جبران کرد؟ به عنوان مثال بانک‌ها در ارائه تسهیلات مالی به مشتری بان خود با ریسک عدم بازپرداخت آنها مواجه هستند و از وثائق برای کاهش این ریسک استفاده می‌کنند. از جمله یکی از مهم‌ترین وثائق علاوه بر وثائق غیرمنقول و سهل‌البیع، استفاده از ضمانتنامه‌هاست که صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک به عنوان یک نهاد مالی - اعتباری دولتی با ماهیت حمایتی می‌تواند این ریسک اعتباری را با صدور ضمانتنامه اعتباری (تعهد پرداخت) پوشش دهد.

■ ابزارهای متنوع صندوق ضمانت برای حمایت از صنعتگران

فرهاد محمدخواه، مدیر واحد خسارت صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، با بیان اینکه صندوق ضمانت در چارچوب خرد و کلان بر سیستم اقتصادی کشور تأثیر گذار است، می‌گوید: این صندوق در راستای موضوع فعالیت خود از بنگاه‌هایی که از یکسو به دلیل ضعف تکنولوژی، توان تولیدشان پایین بوده، یا امکان تغییر تکنولوژی، خرید و تعویض ماشین‌آلات جدید را نداشته و نیازمند دریافت تسهیلات برای سرمایه‌گذاری جدید هستند، حمایت می‌کند و از سوی دیگر برای بنگاه‌هایی که اخذ تسهیلات از بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری به دلیل نداشتن وثائق کافی برای شان امکان پذیر نبوده را از طریق ضمانت تسهیلات آنها، توانمند می‌کند. همچنین در زمانی که یک بنگاه به دلیل نداشتن منابع کافی توان خرید مواد اولیه برای ادامه فعالیت تولیدی خود را ندارد، صندوق ضمانت پس از اعتبارسنجی و احراز اهلیت متقاضی با تسهیل مقررات و روش‌ها باعث می‌شوند که بنگاه‌های با امکانات کم، توان خرید اقساطی مواد اولیه را برای حداکثر کردن تولید، دارا شوند. از طرف دیگر صندوق ضمانت با تضمین معاملات یا تعهدات آنان، موجب افزایش فروش محصولات و خدمات بنگاه‌ها در بازارهای داخلی و خارجی را از طریق صدور ضمانتنامه برای خریدار یا صاحبان کار، فراهم می‌کند. به گفته وی، صندوق ضمانت علاوه بر فراهم کردن شرایط لازم جهت آسان‌سازی در دریافت تسهیلات برای سرمایه‌گذاران، دارای مزایای فراوانی برای بانک‌ها و موسسات اعتباری نیز هست. از جمله این مزایا، می‌توان کاهش ریسک اعتباری و کاهش زمان وصول مطالبات را نام برد.

■ نقش مدیریت خسارت در تحقق اهداف صندوق ضمانت

در این میان نقش حوزه خسارت در ایفای تعهدات صندوق زمانی بروز پیدا می‌کند که ریسک محتمل تحقق یافته و تبعات مالی ناشی از آن در قالب ضرر و زیان یا همان خسارت وارده به ذینفع می‌بایست جبران شود. محمدخواه در این باره می‌گوید: مدیریت خسارت صندوق، با توجه به شرح وظایف تعریف شده نقشی اساسی در بازگشت منابع بانک‌ها، حفظ اعتبار صندوق به تبع ایفای تعهدات طبق مفاد ضمانتنامه‌های صادره، همچنین حمایت از تولید و کسب و کار دارد که این نقش اساسی را می‌توان در ۴ بخش عمده تشریح کرد: بخش اول پیشگیری از خسارتی شدن طرح‌ها با پیگیری منظم و مستمر جهت ترغیب صنعتگران به ایفای تعهدات قبل از سررسید ضمانتنامه‌ها و قبل از خسارتی شدن طرح‌ها. حوزه مدیریت خسارت توانسته از خسارتی شدن حدود ۲۶ طرح بدهکار از ۲۲۴ طرح غیر خسارتی (ثبت شده تا آخر سال ۹۳) با سقف تعهد ۹۹۶/۱۰۴ میلیون ریال جلوگیری کند. نتیجه این پیشگیری‌های احیای دوباره طرح‌ها و





قرارداد شفاهی و جاهت قانونی ندارد

در حالی ماده ۱۰ قانون کار تأکید بر انعقاد قرارداد در ۴ نسخه دارد که در حال حاضر علاوه بر اینکه ۹۳ درصد کارگران قرارداد موقت دارند، شاهد رواج قرارداد شفاهی و موقت در بازار کار هستیم.

نداشتن نسخه قرارداد در دست کارگری یکی از معضلات امروز جامعه کار و تولید است. چرا که تعداد زیادی از کارگران هنگام اشتغال به کار بر اساس اعتمادی که به کارفرما می کنند تقاضای نسخه قرارداد نمی کنند، اما در طول کار که دچار مشکل می شوند نمی دانند باید بر چه اساسی بدون داشتن نسخه ای از قرارداد در هیئت های تشخیص و حل اختلاف مطالبات خود را طلب کنند.

ماده ۱۰ قانون کار درباره قراردادهای کار بیان می کند، قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین، باید حاوی موارد ذیل باشد:

الف - نوع کار یا حرفه یا وظیفه ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد.

ب - حقوق یا مزد مینا و لواحق آن.

ج - ساعات کار، تعطیلات و مرخصی ها، د - محل انجام کار. ه - تاریخ انعقاد قرارداد، و - مدت قرارداد، چنانچه کار برای مدت معین باشد.

ز - موارد دیگری که عرف و عادت شغل یا محل، ایجاب نماید. تبصره - در مواردی که قرارداد کار کتبی باشد قرارداد در چهار نسخه تنظیم می گردد که یک نسخه از آن به اداره کار محل و یک نسخه نزد کارگر و یک نسخه نزد کارفرما و نسخه دیگر در اختیار شورای اسلامی کار و در کارگاه های فاقد شورا در اختیار نماینده کارگر قرار می گیرد.

این در حالی است که تبصره ماده ۱۰ اجرا نمی شود. یعنی کمتر دیده می شود که کارگری نسخه قرارداد داشته باشد. یا بهتر بگوییم کمتر دیده می شود که قراردادی در ۴ نسخه تنظیم شود و یک نسخه آن در اختیار کارگر قرار گیرد.

قراردادها در ۴ نسخه تنظیم نمی شود

هادی ابوی درباره قراردادهای کار بیان می کند: هم اکنون یکی از مهم ترین مباحثی که در زمینه قراردادها مطرح است و در شوراهای حل اختلاف پرونده های فراوانی در مورد آن تشکیل می شود، ارائه قراردادهایی با امضای کارگران از سوی کارفرمایان است؛ در صورتی که ممکن است نیروی کار بدون اطلاع آن را امضاء کرده باشد.

اگر وزارت کار تلاش کند که ماده ۷ و ۱۰ قانون کار درباره قراردادها به مرحله اجرا گذاشته شود، سفیدامضاء و مسائل مربوط به اختلافات کارگری و کارفرمایی بر سر قراردادهای کاری، به خودی خود حل خواهد شد و دولت اگر به وظیفه خود در زمینه اجرای قانون کار عمل کند، دیگر مسائل اختلافی بین نیروی کار و کارفرما به حداقل ممکن خود خواهد رسید. وقتی قراردادها مکتوب و مشخص باشد و در ۴ نسخه تنظیم شود، دیگر نیازی به تشکیل بسیاری از پرونده های شکایت در مراجع حل اختلاف نخواهد بود؛

اما مشکل این است که در حال حاضر تعداد بسیار زیادی قرارداد یکطرفه معمولاً از سوی کارفرمایان ارائه می شود. ■ **تخلفات درباره قرارداد از ضعف نظارت و بازرسی است**

حمید حاج اسماعیلی فعال کارگری هم با بیان اینکه ماده ۷ قانون کار و دادن اختیار به کارفرما برای عقد قراردادهای شفاهی راهی برای سوء استفاده از خلاءهای قانونی است، می افزاید: در قراردادهای کتبی می توان تقدم و تاخر را در دادگاه مورد بررسی قرار داد، اما در قراردادهای شفاهی نمی توان چنین استنادی را داشت و قرارداد شفاهی و جاهت قانونی برای رسیدگی در محاکم قضایی نخواهد داشت، بر اساس قوانین کار، قرارداد باید در ۴ نسخه تنظیم شود، اما این امر نه تنها در عمل اتفاق نمی افتد بلکه متن قرارداد مبتنی بر ماده ۱۰ قانون کار در یک نسخه تنظیم و پیش از امضای کارفرما به امضای کارگر می رسد. این نسخه پس از امضای کارگر در دست کارفرما مانده و در زمان برهم خوردن روابط کاری دو طرف، با اضافه شدن برخی موارد و تبصره ها در دادگاه علیه کارگر مورد استفاده قرار می گیرد. البته تمامی این تخلفات صورت گرفته در قراردادهای کاری از سوی کارفرما به ضعف نظارت و بازرسی متولیان بازار کار بازمی گردد.

در حوزه کار متولسی بازرسی وزارت کار است، چرا که بازرسان کار را این وزارتخانه تربیت می کند و بر اساس قانون این بازرسان از اختیارات کافی در این زمینه برخوردار بوده و احکام آنها حکم ضابط دادگستری را دارد.

در حالی که طی سال های اخیر بارها وزارت کار نسبت به بحث قراردادها توجه کرده است و طی بخشنامه هایی منع قراردادهای سفیدامضاء و شفاهی منع شده است اما همچنان موضوع مربوط به قراردادهای کار، نحوه همکاری، فسخ قرارداد، اخراج و مسائل مرتبط با آن از چالش برانگیزترین مباحث در روابط کار و در عین حال دارای پرونده های بسیاری در هیئت های حل اختلاف کارفرمایان و کارگران است



تجارت خدمات طی چند دهه اخیر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه روند رو به رشدی داشته است. صادرات خدمات علاوه بر توسعه بخش کالایی، باعث اشتغالزایی، بهبود تراز تجاری و رشد اقتصادی کشورها می شود. این بخش به مثابه بخش های دیگر چون صنعت و کشاورزی برای بسیاری از کشورها اهمیت زیادی دارد. بانگاهی به آمار این نوع صادرات در جهان اهمیت آنها روشن می شود به عنوان مثال صادرات خدمات در جهان بر اساس آمار و اطلاعات آنگناتاز ۳۹۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۳۷۶۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. که در طی دوره یاد شده نه تنها صادرات خدمات بیش از ۹/۵ برابر شده، بلکه سهم آن از کل صادرات جهان نیز از ۱۶/۲ درصد به ۱۹/۸ درصد افزایش یافته است. همچنین با استناد به آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ سهم ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی جهان برابر با ۷۱ درصد بوده است. بنابراین صادرات خدمات یا صادرات فناوریانه و دانش بنیان بخش مهمی از صادرات است که در راستای تقویت صادرات غیر نفتی مورد توجه است. در همین رابطه سوال مهم این است که چگونه و از چه طریق می توان سهم این نوع صادرات را برای رهایی هر چه بیشتر از صادرات نفتی، و حرکت به سمت صادرات غیر نفتی افزایش داد؟ پاسخ این سوال را از کارشناسان می پرسیم.

ثروت آفرینی از صادرات فناوری

راهکارهای توسعه صادرات خدمات

■ ابراهیم رزقی، استاد بازنشسته دانشگاه:

عرضه فناوری بر پایه رشد تولید

در کل کشورهای دنیا تنها ۵ یا ۶ کشور مانند ما وابسته به درآمدهای نفتی و فروش مواد خام برای تامین درآمدهایشان هستند و مابقی کشورها اکثرا بوده خود را از طریق درآمدهای مالیاتی تنظیم می کنند. در حالی که در کشور ما ۲۵ درصد از درآمدها از طریق مالیات تامین می شود که از این مقدار ۱۵ درصد مربوط به مالیات بر واردات است. برای خلاصی از این وضعیت لازم است از ثروتمندان و قشر مرفه مالیات گرفته شود. حتی آمریکا هم از این طریق مالیات کسب می کند. نگرفتن مالیات از دلان کار آنها را گسترش داده و رغبت تولیدکنندگان را کم می کند. به همین دلیل در کشور



مادالایی و واسطه گری که سود بیشتری دارد خواهان بیشتری هم دارد. صادرات خدمات و فناوری نیز فکر شایسته ای برای الگو برداری از کشورهای غیر وابسته به درآمدهای نفتی است به شرطی که بدانیم خدمات و فناوری در کشور چگونه شکل می گیرد و رشد می کند و این سازمان ها و خدمات بیشتر از چه بخش هایی هستند و اینکه آیا اصلا تقاضایی برای تولیدات خدمات فناوری آنها هست یا خیر؟ در کشور ما خدمات فناوری واقعی در دو بخش هسته ای و دفاعی رشد یافته اند. با توجه به رشد همین دو بخش در فناوری باید سایر صنایع نیز همگام با این دو قدم بردارند. در شرایط کنونی تولید برای صنایع هزینه بر است چرا که سودآوری پایین است. اگر ما در بخش صنعت و کشاورزی به عنوان دو بخش اساسی به توسعه برسیم و عمده توجه ما در این دو بخش باشد بارشدا این دو بخش سود آنها بالا رفته و به مرور در پی کسب فناوری بر می آیند. چرا که بعد از رشد خود در رقابت با تولیدات دیگر در سطح بین المللی قرار می گیرند. به همین ترتیب به مرور برای تامین نیاز خود به فناوری آن را می خردند و گسترش می دهند. این رویه اگر دنبال شود در هر قسمت و هر بخش، هر بنگاه و سازمانی ملاحظه خواهد شد. آن وقت است که همه هم متقاضی و هم عرضه کننده خدمات فناوری خواهند بود. این نیاز باید فراگیر شود و لازمه آن هم رشد تولید است و گر نه وجود برخی سازمان های ارائه کننده فناوری و دانش زمانی که تولید جامعه بر پایه آن استوار نباشد یا نیاز به آن نداشته باشد با وجود درآمد کم عرضه این محصولات و تقاضای کم برای آن، بیهوده است. بنابراین تبدیل مواد خام به مواد نهادهای همکاری بخش خصوصی، دولت و تعاونی ها باید در راس برنامه ها باشد تا دیگر برای تهیه تکنولوژی دست نیاز به سوی تولیدات دیگران دراز نکنیم و به جای آن تولید را بالا ببریم و برای آن تکنولوژی بخریم.

■ سید سعید زمانیان دهکردی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس:

ارزآوری خدمات فناوری

ما کشوری با ظرفیت های بالا هستیم که می توانیم سطح خدمات و فناوری خود را افزایش داده و با وجود نیاز کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای همسایه در مرزهای غرب و شرق به این خدمات به آنها صادرات داشته باشیم. همین کشورها نیازمندی های زیادی به خدمات فنی مهندسی مادر حوزه راه، تونل، سواحل، فرودگاه و... دارند. اگر دنبال این باشیم که این خدمات را در اختیار این کشورها قرار دهیم ارزآوری بسیاری برای ما به همراه دارد. عراق، افغانستان، ازبکستان، تاجیکستان و کشورهای همسایه می توانند بازار مناسبی برای محصولات فناوری و خدمات ما باشند چرا که نیاز گسترده ای نیز به آن دارند.



لزوم حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان

■ وحید شقاقی، استاد دانشگاه:

اقتصاد صنعتی نمی تواند به سمت صادرات خدمات و فناوریانه برود

ما همچنان در پارادایم اقتصاد صنعتی هستیم در صورتی که نیاز به اقتصاد دانش پایه داریم. اسناد توسعه راهبردی ما مثل برنامه



راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت با نگاه اقتصاد صنعتی تنظیم شده است در حالی که اقتصاد صنعتی نمی تواند به سمت صادرات خدمات و فناوریانه حرکت کند. ما نیاز به تغییر نگرش های اقتصادی کشور داریم چرا که اقتصاد ما صنعت محور بوده و تولید و صادرات کالاها با فناوری بالا بیش از هر چیز وابسته به اقتصاد دانش محور و دانش بنیان است که متناسفانه نظام علمی و فناوری ما در راستای تولید کالای با فناوری بالا و کسب ثروت نبوده است. در یک اقتصاد مثل مالزی در سال های گذشته متوسط ۶۰ میلیارد دلار صادرات کالای فناوری بالا داشته اند که در ایران این شاخص ۶۰۰ میلیون دلار بوده است. این نشان می دهد که ما نتوانسته ایم به سمت تولید کالاها با فناوری بالا حرکت کنیم و از نظام دانش بنیان ثروت کسب کنیم. کشورهای دیگری چون سنگاپور و چین با تکیه بر همین اقتصاد دانش پایه در حوزه های نوین علمی ثروت آفرینی کرده اند. ما باید با حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان که در آن فضای رقابتی مهیاست، محصولات جدیدی به بازار عرضه کنیم.



سریع القلم:

واژه استقلال را باید مورد بازبینی جدی قرار داد!



کرده است؛ به این دلیل که دولت‌ها با مسایل کمی رو به هستند.

وی بر این باور است که دولت‌ها در یافته‌اند، بدون سیاست خارجی پایدار نمی‌توانند به رشد دست پیدا کنند افزود: برای مثال در مورد مفهوم امنیت این پرسش مطرح است که امنیت با افزایش قدرت نظامی محقق می‌شود یا با افزایش درآمد سرانه مردم. این بحثی جدی است و نتیجه آن بیانگر قرار داد اجتماعی خواهد بود.

سریع القلم می‌گوید: اگر تاریخ کشورهای در حال توسعه نظیر شیلی، چین، اندونزی و ترکیه را مورد مطالعه قرار دهید، مشاهده خواهید کرد که حدود ۴۰ یا ۵۰ سال پیش، حاکمیت این کشورها در دست نظامیان بوده است اما زمانی که نظامیان توانسته‌اند، نگرش خود را به حاکمیت تغییر دهند، بخشی از حکمرانی را به بخش خصوصی واگذار کرده‌اند و البته سند بکاها نیز بر مدار رشد قرار گرفته‌اند.

دولت‌ها در یافته‌اند که پیشرفت آنها مستلزم تصاحب سهمی در بازارهای بین‌المللی است. و اینکه ضرورت دارد در خصوص این نوع مسایل در جامعه دیالوگ شکل بگیرد، دانشگاه‌ها نیز وارد این مباحث شوند.

ژان ژاک روسو، متفکر سوییسی به مفهومی با عنوان «پیوند اجتماعی» اشاره می‌کند و به نظر می‌رسد، تا زمانی که تعاریفمان به هم نزدیک نشود، حکمرانی با ثبات ایجاد نخواهد شد.

■ پروسه بین‌المللی شدن را باید در پیش بگیریم

سریع القلم می‌گوید: اگر قرار است که تصمیم‌گیری‌های کلیدی در ایران صورت بگیرد، این اتفاق تنها در حوزه حاکمیت رخ خواهد داد بنابراین باید راه تعامل و بحث و گفت‌وگو میان دولت و حاکمیت را برقرار کرد.

وی در همین زمینه به موضوع حل مناقشه هسته‌ای ایران و دولت‌های غربی اشاره کرد که به گفته وی گفت و گو میان دولت و حاکمیت در شکل‌گیری این اتفاق بزرگ، نقش جدی داشت.

این تعامل و برقراری گفت‌وگو میان دولت و حاکمیت در ایران تا حدود زیادی موثر بود و نباید فراموش کرد اگر ایران که در حال حاضر در میان ۲۵ کشور حوزه خاورمیانه و شرق آسیا، دارای رتبه شانزدهم است، بر سیاست و افکار

محمود سریع القلم: تلوخا استقلال طلبی را مانع رشد و پیشرفت کشور دانست و مدعی شد: ما ایرانی‌ها باید واژه استقلال را مورد بازبینی جدی قرار دهیم و این را بدانیم که امنیت ملی کشور زمانی تامین خواهد شد که درآمد سرانه کشور به بالاتر از ۱۵ هزار دلار برسد!

محمود سریع القلم سخنان خود را با پرسشی که از وزیر خارجه سوییسی پرسیده است آغاز می‌کند؛ او این پرسش را مطرح می‌کند که «وقتی تصدی وزارت خارجه را بر عهده گرفتید، چند نفر را با خود به این وزارتخانه آوردید؟» او پاسخ داد: «دو نفر را با خود به این وزارتخانه آوردم؛ منشی ام‌را که به ۵ زبان اشراف دارد و تایپ آنها را نیز می‌داند و همچنین قائم مقام وزارت خارجه که منتسب حزب ما بود.»

وزیر خارجه سوییسی این را هم عنوان کرد که وزارت خارجه در سوییسی به صورت اتوپالوت فعالیت می‌کند و بسیاری از مسایل در کشور ماحل شده است و چنانچه مسئله‌ای به وجود آید، وارد عمل شده و آن را حل می‌کنیم. بنابراین زمان آن فرارسیده که ما هم کشور خود را با این شیوه مدیریت کنیم. سریع القلم می‌گوید: من در نگارش کتاب اقتدار گرایی ایرانی عمده تمرکز تئوریک خود را بر این موضوع معطوف کردم که چرا ما ایرانی‌ها نمی‌توانیم سیستم ایجاد کرده و قرار داد اجتماعی تنظیم کنیم. اهمیت این موضوع تا آنجاست که اگر نتوانیم به چنین قرارداد یا چارچوب فکری دست پیدا کنیم، بسیاری از این اتفاقات و گشایش‌ها، جنبه وصله‌ای داشته و اصالت چندانی نخواهد داشت.

دولت باید در پایان هر ماه ۲۵۰۰ میلیارد تومان یارانه نقدی توزیع کند. رییس جمهور در کشوری مسند قدرت را بر عهده می‌گرفت که دولتش ۳۵۰ هزار میلیارد تومان به بخش‌های مختلف بدهکار است.

این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: ۹۰ درصد بودجه صرف امور جاری می‌شود. در این کشور، سهم انرژی‌های تجدید پذیر از انرژی مصرفی کمتر از یک درصد است. در حالی که این رقم در سوییسی به ۴۸ درصد رسیده است. اگر رفتار دولت نهم و دهم را طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مورد مقایسه قرار دهیم، در می‌یابیم که این دولت نیز در مبنای مدیریت خود تجدید نظر



گذشته حرکت می کرد و آن را ادامه می داد، تا ۲۰ سال آینده به رده های آخر سقوط می کرد.

سریع القلم اصول توسعه یافتگی را اصول جهانی و مشترک بشری می داند و میگوید: هر کشوری برای دستیابی به توسعه باید اصولی را رعایت کند، اما الگوهای توسعه یافتگی، بومی و ملی هستند. اصول توسعه را نمی توان بومی کرد، صنعتی شدن، شایسته سالاری، توزیع عادلانه امکانات، محوریت تولید و فناوری و تصمیم گیری های اقتصادی غیر سیاسی جزو اصول توسعه هستند. به هر اندازه که سیاست وارد اقتصاد شود، به همان میزان کارآمدی به تاخیر خواهد افتاد، بنابراین اگر به این رویکرد دست یافتیم، متوجه خواهیم شد که بخش خصوصی چه جایگاه کلیدی را در اختیار دارد.

وی همچنین در بخش دیگری از سخنانش، به موضوع ثبات اقتصادی و آثار آن بر اجتماع اشاره می کند و می گوید: مطالعه نرخ تورم در آلمان پس از جنگ جهانی دوم نشان می دهد که این کشور در ۴۷ سال گذشته نرخ تورمی بین ۱/۵ تا ۲ درصد داشته است و مردم و فعالان اقتصادی این کشور به خوبی توانسته اند که ثبات اقتصادی را لمس کنند. این در حالی است که اقتصاد ایران در طول ۲۰ سال گذشته بی ثباتی و ناهنجاری های اجتماعی را تجربه کرده است.

ایران باید به سمت الگوی توسعه یافتگی گام بردارد و در کشور به متدی دست پیدا کرد که به تولید ثروت در کشور کمک کند.

در توصیف متد توسعه یافتگی به طور نمونه می توان به کشور سنگاپور اشاره کرد، سنگاپور کشور کوچکی است که تولید ناخالص داخلی این کشور چندین برابر ایران است و اندیشمندان و صاحب نظران این کشور از حدود ۴۰ سال پیش به توان خودراری سرمایه گذاری در حوزه پالایش نفت متمرکز کردند به جای آنکه به سمت تولید و سرمایه گذاری در صنعت خودرو بپردازند.

در حال حاضر، ۳۰ درصد نفت پالایش شده شرق آسیا را سنگاپور تامین می کند و این کشور جزو پنج کشور نخست جهان در حوزه آی تی است. بنابراین، کشورها باید متد تولید ثروت ملی را برای خود انتخاب کنند و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

محمود سریع القلم در بخش دیگری از سخنانش، با بیان اینکه تا زمانی که بنیان های فکری مورد اجماع نداشته باشیم به بنیان های جهان شمول سیاستگذاری نخواهیم رسید، گفت: بخشی از بنیان های فکری مورد اجماع، قفل شدن به کشورهای دیگر، بین المللی شدن، فعالیت متمرکز و تخصصی و تفکیک قدرت اقتصادی از قدرت سیاسی است. اگر کشوری نتواند به کشورهای دیگر قفل شود، نمی تواند راه پیشرفت را طی کند، ما ایرانی ها باید واژه استقلال را مورد بازبینی جدی قرار دهیم و این را بدانیم که امنیت ملی کشور زمانی تامین خواهد شد که درآمد سرانه کشور به بالاتر از ۱۰ و حتی ۱۵ هزار دلار برسد.

با توجه به اینکه ایران جزو ۱۵ کشور قدرتمند جهان است، بدون ارتباطات جدی بین المللی نمی توانیم مسائل و



بخشی از بنیان های فکری مورد اجماع، قفل شدن به کشورهای دیگر، بین المللی شدن، فعالیت متمرکز و تخصصی و تفکیک قدرت اقتصادی از قدرت سیاسی است. اگر کشوری نتواند به کشورهای دیگر قفل شود، نمی تواند راه پیشرفت را طی کند، ما ایرانی ها باید واژه استقلال را مورد بازبینی جدی قرار دهیم و این را بدانیم که امنیت ملی کشور زمانی تامین خواهد شد که درآمد سرانه کشور به بالاتر از ۱۰ و حتی ۱۵ هزار دلار برسد

مشکلات سیاسی خود را حل کنیم.

اگر توسعه در کشور در اولویت قرار بگیرد، بخش خصوصی در صدر مسائل قرار خواهد گرفت. از این رو باید به گونه ای اقدام به سیاست سازی کنیم که کشور، اولویت نخست باشد و نه احزاب و گروه ها.

اگر متون دوران مشروطه را مورد مطالعه قرار دهید، در می یابید که این متون شبیه مباحثی است که اکنون در جامعه مطرح می شود. و به نظر می رسد، جامعه ایران هنوز درگیر و دار مباحث فلسفی است. در حالی که اگر می خواهیم کشور رشد کند، باید اختلافات فلسفی را کنار بگذارید.



فرهنگ سنگ سازی

در ارزیابی عملکرد کارکنان

محمد اسماعیل اسفندیار - هیلدا شفیقی - یگانه حشمتی



نمونه‌هایی از این نوع شرکت‌ها طبق تحقیق انجام شده IBM و Coca-Cola، GM می‌باشد

۲- سازمان‌های با فرهنگ باشگاهی (Club) در این سازمان‌ها تاکید بر تناسب داشتن روحیه افراد به وفاداری و تعهد نسبت به سازمان است. در فرهنگ باشگاهی، ارشدیت و سن و سنوات خدمت در سازمان، معیار عمده اهمیت و ارزش افراد است. نمونه اینگونه سازمان‌ها: Bell، Dalta Airlines، UPS همچنین ادارات دولتی و سازمان‌های نظامی است.

۳- سازمان‌های با فرهنگ تیمی (Team) در این نوع سازمان‌ها تاکید بر نوآوری، ریسک پذیری و آزادی عمل است. نمونه بارز اینگونه سازمان‌های تبلیغاتی، سازمان‌های تولید نرم افزار و تحقیقات بیولوژیکی است.

۴- سازمان‌های با فرهنگ سنگری (Fortress) بر عکس فرهنگ تیمی که به اختراع، نوآوری و اکتشاف ارجح می‌دهد، فرهنگ سنگری بر حفظ و بقای سازمان تاکید دارد. در فرهنگ سنگری امنیت شغلی حائز اهمیت زیادی دارد. نمونه این گونه سازمان‌ها عمده فروشی‌های بزرگ، هتل‌ها، سازمان‌های اکتشاف نفت و گاز و نظیر اینها می‌باشد فرهنگ سازمانی و ارزیابی عملکرد:

اغلب سازمان‌ها با انجام ارزیابی عملکرد کارکنان مخالف هستند و عمده نگرانی سازمان‌ها نیز این است که مبادا کارکنان در اثر اطلاع از قضاوت کارفرما نسبت به عملکرد خود، رنجیده خاطر شده و این مسأله منجر به کاهش بازدهی، سرخوردگی و نهایتاً افت بازدهی سازمان گردد. لیکن چنانچه ارزیابی عملکرد بجای آنکه بر مبنای احساسات آنی ارزیاب باشد، بر مبنای حقایق انجام گردد، و از سوی دیگر کارکنان نیز بادی مثبت و واقع نگر به آن نگاه کنند و سعی در جبران کاستی‌های گذشته در جهت افزایش عملکرد خود نمایند، این نگرانی بی‌جا و بی‌مورد است. کارکنان چنانچه از هدف اصلی کارفرما از ارزیابی عملکرد خود، در جهت تغییر روش‌های غیر استاندارد به روش‌های مطلوب (که موجب افزایش بازدهی کارکنان نیز می‌گردد) آگاه گردند قاعدتاً نه تنها در مقابل ارزیابی و نتیجه آن جبهه‌گیری نخواهند کرد، بلکه علی‌الاصول کارکنان علاقه دارند که از جایگاه واقعی خود در سازمان مطلع شوند (حتی اگر بر خلاف نظر ایشان باشد). البته این اظهارات بدین معنی نیست که قطعاً جلسه ارزیابی، بدون تنش بر گزار خواهد شد و کارکنان با انتقاد صرف از عملکرد خود براحتی و سادگی برخورد می‌نمایند، اما استفاده از روش‌های علمی ارزیابی و لا‌موجب کاهش تنش جلسات شده و ثانیاً باعث ایجاد نیرویی

اگر باورها در سازمان همسوز شوند، احتمال موفقیت سازمان‌ها بسیار کاهش خواهد یافت

مقدمه:

فرهنگ سازمانی قانون نانوشته حاکم بر هر سازمان است، فرهنگ سازمانی همان تعریفی است که از سازمان غیر رسمی می‌شود. فرهنگ سازمانی در سازمان مثل یک کوه یخ است که بخش عمده آن غیر مرئی است و آنچه زیر آب قرار دارد فرهنگ سازمان است فرهنگ سازمانی به سه بخش جلوه‌های بارز و آشکار، باورهای مشترک و ارزش‌های نهفته تقسیم می‌شود. معمولاً به بخش آشکار فرهنگ سازمانی جو سازمانی گفته می‌شود. جو سازمانی از دو عنصر ذهنی و ارزشی تقسیم می‌شود. برداشتی است که کارکنان از سازمان خود دارند. در واقع پل ارتباطی بین مدیران و قوانین و مقررات و کارکنان است. میزان تعهد، عدالت، اعتماد، اعتبار است. از جمله شاخص‌های عمومی جو سازمانی است. به طور کلی شاخص عملکردی جو سازمانی عبارتند از:

جو سازمانی = خود انگیختگی + سرور سازمانی - لاقیدی
 امروزه سازمان‌ها نگرش مثبتی به ارزیابی عملکرد ندارند و مهمترین دلیل آن فرهنگ سازمانی است. فرهنگ سازمانی از مهمترین عوامل موفقیت سازمان‌ها است و موفقیت سازمانی مرهون ارتباط موثر است. ارتباط موثر فرآیند انتقال معانی و مفاهیم به شرط یک سانی در یافت اطلاعات است. یک انسان موفق کسی نیست که همه چیز را بداند بلکه کسی است که همه را می‌شناسد. یک انسان موفق نیمی کارمند است و نیمی سیاستمدار. او می‌داند که ۷۵ درصد موفقیت او به ۷۰ درصد تلاش او بستگی دارد. بنابراین در مدیریت راهبردی (استراتژیک) و اجرای صحیح آن مهمترین عامل موفقیت یا شکست در این حرکت، فرهنگ سازمان است. به طور کلی فرهنگ سازمانی شامل بخش‌های جلوه‌های ظاهری، باورهای مشترک و ارزش‌های نهفته است.

ارزیابی عملکرد و نقش فرهنگ سازمانی در ارزیابی عملکرد:

■ فرهنگ سازمانی:

فرهنگ سازمان عبارت است از باورهای مشترک در یک سازمان. هر چه باورهای مشترک ژرف تر و منسجم تر باشند، فرهنگ قوی تر است و هر چه باورها متفاوت و وجه اشتراک آنها کمتر باشد. فرهنگ سازمان ضعیف تر خواهد بود.

■ انواع فرهنگ سازمان:

در یک تقسیم بندی سازمان‌ها را از لحاظ فرهنگ به چهار دسته طبقه بندی نموده‌اند. ویژگیهای سازمان‌ها با هر یک از فرهنگ‌های چهارگانه به شرح زیر توصیف شده است:

۱- سازمان‌های با فرهنگ علمی (Academy)

تاکید این نوع سازمان‌ها بر استخدام افراد جوان با تمایل به یادگیری، پرورش دادن آنها و تقویت شخصیت علمی و تخصصی آنهاست.



در کارکنان در جهت تغییر و بهبود روشهای غیر استاندارد گذشته خواهد شد. قاعدتاً کارکنان در ابتدا، در مواجهه با این موضوع تصور خواهند کرد که این روش نیز یکی از ابزارهای کنترلی سازمان است و در مقابل آن جبهه گیری خواهند کرد. به استناد پاره‌ای از تحقیقات، بین نوع فرهنگ و رضایت افراد همبستگی وجود دارد ولی این همبستگی تابع تفاوت‌های فردی است به طور اجمال می‌توان گفت هنگامی که بین نیازهای فردی و فرهنگ سازمان همخوانی وجود داشته باشد، رضایت بالاست. مثلاً در سازمانی که فرهنگ آن بر وظایف فردی تأکید دارد، میزان سرپرستی و کنترل، شدید نیست و به افراد بنا بر موفقیت در کارشان امتیاز داده می‌شود، برای افرادی که در آنها درجه نیاز به موفقیت بیشتر است و به استقلال در کار بیشتر اهمیت می‌دهند، راضی کننده تر می‌باشد. بنابراین رضایت تابعی است از برداشت افراد از فرهنگ سازمان.

■ مدیریت فرهنگ سازمان:

مدیریت فرهنگ سازمان را می‌توان به صورت شناخت و استفاده بهینه از فرهنگ موجود، تغییر یا تضعیف باورها و هنجارهای ناخواسته، تقویت باورها، ارزش و هنجارهای خواسته و تثبیت فرهنگ مطلوب خلاصه نمود. در چارچوب این تعریف، اولین و ساده ترین راه برای ثمر رساندن ماموریت شناخت و استفاده بهینه از فرهنگ موجود سازمان است. اگر باورهای راهنما را استراتژی و باورهای روزمره افراد سازمان را فرهنگ تلقی کنیم،

استانالی دیویس نحوه اعمال استراتژی را در مقابل فرهنگ موجود، به صورت زیر توضیح می‌دهد:

۱- فرهنگ موجود و استراتژی باورهای راهنما، مفاهیمی هستند که استراتژی‌ها را شکل می‌دهند، در حالی که باورهای روزمره جاری در اجرای موفق استراتژی موثرند. زمانی جو فرهنگی یک سازمان سالم است که باورهای روزمره جاری با باورهای راهبردی هم جهت و باورهای افراد سازمان مظهر واقعی باورهای راهبردی باشند. هر چه همسویی باورهای افراد با باورهای راهبردی سازمان کمتر باشد، سازمان ناسالم تر، و اثر بخشی و کارایی آن کمتر است. به طور خلاصه در یک مفهوم فلسفی می‌توان گفت که باورهای راهبردی در این راستا هستند که «چه باید باشد» و باورهای روزمره در این راستا قرار دارند که «چه هستند».

۲- تغییر باورهای ناسازگار

ضرورت تغییر فرهنگ سازمانی، هنگامی مطرح می‌شود که باورهای راهبردی (استراتژیک) و باورهای عملیاتی (باورهای روزمره افرادی که بدنه اصلی سازمان را تشکیل می‌دهند) یا هم تعارض و برخوردی چشمگیر دارند و این تعارض و ناهماهنگی در حدی است که اجرای استراتژی را کند یا به کلی متوقف می‌نماید (و به تعبیر آنچه که در نمودارها آمده، ریسک آن غیر قابل قبول است). علت اصلی مخالفت فرهنگ جاری سازمان با باورهای راهنما، عمدتاً غیر قابل توجه بودن استراتژی پیشنهادی از دید باورهای جاری است. بنابراین استراتژیست‌های یک سازمان (یا یک جامعه) باید سعی کنند باورها و تصمیمات راهبردی را حتی المقدور خیلی جدا از فرهنگ بدنه جامعه، وضع نمایند و فقط در صورت اطمینان از صحت تصمیم، در تغییر فرهنگ بدنه جامعه، وضع نمایند و فقط در صورت اطمینان از صحت تصمیم، در تغییر فرهنگ انفرادی و اجتماعی تلاش لازم را به عمل آورند.

۳- تثبیت فرهنگ سازمان

در مورد تثبیت فرهنگ، نباید تصور شود که باید قابلیت تغییر و تحول را از سازمان سلب کرد. زیرا سازمان مانند یک پدیده زنده متولد می‌شود، دوران طفولیت، نوجوانی، جوانی و بالاخره بلوغ خود را طی می‌کند و اگر به موقع تدابیر مدیریتی مناسب در آن اعمال نشود، به پیری و مرگ دچار می‌گردد. بنابراین سازمان به طور طبیعی یک چرخه زندگی دارد و در هر مقطع از عمر خود دارای فرهنگ و ویژگی‌های مربوط به آن مقطع از زندگی خویش است. کارکنان سازمان‌ها نیز در چرخه عمر خود باورهای مختلف را در ذهن می‌پروراند و باید پذیرفت که محیط بیرونی و درونی سازمانی دینامیک و همواره در حال دگرگونی است. بنابراین منظور از تثبیت فرهنگی، همسو نگاه داشتن باورهای راهبردی (استراتژیک) و باورهای کاربردی (عملیاتی)، برای مدتی است که باورهای استراتژیک ثابت می‌مانند. در غیر این صورت همان گونه که قبلاً گفته شد، سازمان از نظر فرهنگی ضعیف و ناتوان خواهد شد. جامعه پذیری، فرایندی است که طی آن کارمند تازه وارد با فرهنگ و اهداف اصلی سازمان آشنا می‌شود و با آن خو می‌گیرد.

فرهنگ سازی ارزیابی عملکرد:

مرحله فرهنگ سازی اساسی ترین مرحله در طراحی نظام مدیریت عملکرد محسوب می‌شود. در صورت پذیرش آن از سوی سازمان اجرای خوب طراحی‌های انجام شده،

نتایج و دستاوردهای قابل قبولی برای سازمان به دنبال دارد. فرهنگ سازی برای نظام مدیریت عملکرد مشکل و وقت گیر است و لازم است که این کار با حوصله پیگیری شود.

شروع کار نظام مدیریت عملکرد به دلیل تجارب قبلی افراد و ناقص اجرا شدن نظامهای ارزیابی عملکرد در گذشته سازمان، مقاومتها و بعضاً بی تفاوتی‌هایی در سازمان وجود دارد که با فرهنگ سازی می‌توان آن را تبدیل به پذیرش کرد. در فرهنگ سازی اصلاح ذهنیت افراد نسبت به نظام مدیریت عملکرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور کلی، با مکانیسم‌های زیر می‌توان در زمینه نظام ارزیابی عملکرد فرهنگ سازی معقول و مطلوبی انجام داد.

الف - آموزش توجیهی:

در این مرحله لازم است پس از طراحی و آماده شدن طرح در مورد اهداف طرح، چگونگی شکل گیری نظام مدیریت عملکرد، نحوه اجرای آن، کلاسهای عمومی و خاص در سطوح مختلف سازمان برگزار شود، تجربه نگارنده بیانگر این است که با آموزش توجیهی قسمت اعظم فرهنگ سازی تحقق می‌یابد.

ب - تهیه بروشورهای عملی:

با تهیه بروشورهای عملی که خلاصه و ساده تهیه شده با توزیع آن در بین کارکنان می‌توان به فرهنگ سازی کمک کرد.

ج - حمایت و تاکید مدیریت ارشد سازمان:

در صورتی که مجموعه مدیریت ارشد سازمان از نظام مدیریت عملکرد حمایت کند کمک بسیار زیادی به فرهنگ سازی و جدی گرفتن نظام مدیریت عملکرد خواهد شد.

د - اصلاح ساختار شغل:

یکی از راههای موثر فرهنگ سازی جهت اجرای موثر نظام مدیریت عملکرد، اصلاح ساختار شغل کارکنان در تمام سطوح سازمانی است. در این زمینه بایستی در شرح وظایف افراد تغییرات لازم صورت گیرد و انجام ارزیابی عملکرد برای سرپرستان و مدیران و... جزو وظایف سازمان محسوب شود تا بخشی از فعالیت‌های روزانه و ماهانه خود را به این امر (همانند سایر فعالیت‌های اصلی شغل) اختصاص دهند و کارکنانی که قرار است ارزیابی شوند نیز ارزیابی شده و آمادگی جهت ارزیابی در ساختار شغل و وظایف آنان قرار گیرد. با انجام چنین اصلاحاتی ارزیابی عملکرد جزو فرهنگ کاری کارکنان سازمان می‌گردد.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

- ۱- مدیریت فرهنگ سازمان. استانالی دیویس (خلاصه کتاب) ترجمه: دکتر ناصر میر سپاسی - پرچهر محمد - سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران -
- ۲- ماهنامه «پیشرفت‌های حسابداری دوره ۵، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲ - احمد ناصری؛ سید علی جوادی
- ۳- بررسی تاثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد کارکنان (مطالعه موردی شرکت چوفا) - سال انتشار: ۱۳۸۴ - محل انتشار: دومین کنفرانس ملی مدیریت عملکرد - کد COI مقاله: NCPM-۰۴۰

۳- <http://www.tebyan-zn.ir/society.html> - گروه جامعه سایت تبیان زنجان.



شناسایی پایه‌های جدید مالیاتی



■ مهدی پورقاسبی، رئیس کمیسیون صنعت اتاق تهران: تحمل درد جراحی مالیاتی

ما نمی‌توانیم منتظر معجزه از سوی دولت باشیم. با پذیرفتن شرایط فعلی تنها می‌توانیم انتظار یک سری اقدامات از سوی دولت را در تنظیم بودجه داشته باشیم. دولت باید مخارج و هزینه‌های خود را کمتر کرده و از ریخت و پاش‌ها جلوگیری کند. اولویت‌های مهم برای هزینه‌های آینده باید به نحوی مطلوب مشخص شود. تنظیم بودجه امسال تا حدودی مشابه بودجه سال گذشته است و این اصلاحات مطلوبی برای دولت که گرفتار تنگنای مالی است، نیست. گام مهم دولت این است که خود را کوچک کند. دولت تا ۱۰ برابر اندازه فعلی خود جادارد که کوچک شود. می‌تواند این کار را گام به گام و مرحله به مرحله انجام دهد مثلاً هر سال ۲۰ درصد خود را کوچک کند. اقدام مهم دیگر دولت می‌تواند این باشد که به سمت کارهای عمرانی و زیربنایی حرکت کند و هزینه‌های خود را برای آن در نظر بگیرد. پیدا کردن منابع جدید مالیاتی بخش مهم دیگری از سیاست‌های دولت برای تامین منابع مالی خود است. بسیاری بخش‌ها مالیات نمی‌دهند. مثل بخش‌های زیرمجموعه خیریه‌ها، بخش‌های زیرمجموعه نظامی و... که باید منابع تامین مالیات جدید را تعریف کنیم. در حال حاضر بخش زیرزمینی اقتصاد بزرگ شده است. هر چند شاید دردناک باشد اما دولت باید برای پیش‌بینی شفاف آینده در سیستم مالیاتی جراحی کرده و درد آن را تحمل کند.

■ حمیدرضا صالحی، نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران:

دولت مسیر در آمدی خود را تغییر دهد

با توجه به اینکه دولت ماطی سالیان گذشته و تاکنون وابسته به درآمدهای نفتی و عمده مخارج آن مبتنی بر آن بوده است، کاهش قیمت نفت ما را با کسری بودجه مواجه کرده است. مالیات می‌تواند جایگزین مهمی برای این درآمدها باشد. واقعی شدن نرخ ارز، واقعی کردن قیمت حامل‌های انرژی و سوخت، فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی از جمله راه‌حل‌های مهم برای تامین منابع پولی و مالی دولت است. اول باید دید که آیا دولت واقعا می‌خواهد از اقتصاد نفتی فاصله بگیرد و درآمدهای خود را از روش‌های دیگر تامین کند یا نه. برنامه ریزی دولت نباید باعث فشار آوردن به بخش‌های دیگر جامعه و موجب سختی برای مردم باشد. فاصله ما با اقتصاد نفتی زمانی کم می‌شود که دولت مسیر درآمدهای خود را تغییر دهد و از طرف دیگر خود را کوچک و کوچک‌تر سازد. مالیات‌ها باید درست تعریف شوند و عدالت مالیاتی بین همه اقشار جامعه برقرار شود. از آنجایی که دولت خود را شریک بنگاه‌های داند و ۳۰ درصد این بنگاه‌ها متعلق به دولت است، باید این بنگاه‌ها توسط دولت بزرگ شوند تا بر میزان درآمدهای دولت بیفزایند.

استفاده از درآمدهای واقعی‌سازی حامل‌های انرژی راهکار دیگر دولت برای تامین منابع مالی است که البته در برنامه سوم توسعه مطرح شد و در برنامه چهارم به تعلیق درآمد و سپس در برنامه

برنامه ریزی برای تامین بودجه، خط مشی مهم هر کشور برای انجام عملیات اقتصادی، تنظیم روابط آن و تخصیص عمده منابع برای بخش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. هر گونه کوتاهی در تنظیم آن یا دخالت‌های ناروا موجب انحراف مسیر بودجه از توزیع برابر و عادلانه منابع و گسترش فقر و نابرابری در همه بخش‌های سیاسی، اقتصادی می‌شود و روند رشد و توسعه اقتصادی را مختل خواهد کرد. برای مثال چهار عامل مهم وجود دارد که میزان سطح رفاه دو منطقه متفاوت جغرافیایی را از هم تفکیک می‌کند که این چهار عامل عبارتند از: ۱. سطح متفاوت منابع موجود در آن مناطق. ۲. تفاوت در مدیریت منابع. ۳. ذخیره سرمایه اجتماعی آنها. ۴. نهادهای سیاسی و اقتصادی متفاوت آنها. از آنجایی که در اقتصاد کشور ما مدیریت منابع و برنامه ریزی برای آن در اختیار دولت است، زمانی می‌توان از مدیریت منابع که یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر سطح رفاه است، استفاده کرد که دولت در هنگام هدف‌گذاری و تنظیم سیاست‌های بودجه‌ای با آگاهی کامل از زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، مسائل و مشکلات داخلی و خارجی و نیز با برخورداری از منطق و روشی عاقلانه دست به انتخاب بزند. البته دولت هنوز گرفتار برخی مشکلات پیش آمده در تنظیم بودجه سال‌های قبل است که هنوز نتوانسته گره از کار آنها بگشاید، مثل همین بدھکاری‌هایی که به بخش خصوصی و پیمانکاران دارد. با کاهش قیمت نفت حتی اگر دولت هم نخواهد خواه ناخواه مجبور خواهد شد به فکر منابعی غیر از منابع نفتی برای پرداخت هزینه‌های بودجه باشد.





این صورت هم اگر غیر واقعی پیش بینی شود مخاطراتی مثل افزایش تورم و ایجاد مخاطره برای بنگاه‌های اقتصادی به همراه خواهد داشت. دومین بحث درباره منبع درآمدی دولت بحث مالیات‌ها است. بخش قابل توجهی از منابع دولت از محل مالیات‌ها تامین می‌شود. جدا از فرار مالیاتی که عدد قابل توجهی را در بر می‌گیرد، برای برخی مشاغل پرداخت مالیات هنوز تعریف نشده است. باید پایه‌های جدید مالیاتی شناسایی شود تا دولت بتواند از محل درآمدهای مالیاتی نیازهای خود را برطرف سازد. سومین اقدام که به نوعی به تامین منبع درآمد دولت می‌انجامد، امر واگذاری‌هاست که باید به درستی اتفاق بیفتد. دولت بنگاه‌های زیادی دارد که از طریق واگذاری برخی از آنها



پنجم به بخشی از آن پرداخته شد. بدین دلیل که در کشور معمولاً ارزی حامل‌های انرژی چون سوخت، گاز و نئیل و... موجب قاچاق آنها می‌شود. بهتر است دولت با گران کردن یا واقعی کردن قیمت‌های آنها هم از قاچاق آنها جلوگیری کرده و هم بر درآمدهای خود بیفزاید. استفاده از درآمدهای حامل‌های غیر قاچاق مثل برق، آب و... هم از شیوه واقعی کردن قیمت آنها، میسر است. مسیر دیگر دولت برای تامین درآمدهای خود واقعی کردن قیمت ارز است که اگر متناسب با کاهش تورم در کشور باشد، درآمد دولت را بالا خواهد برد. البته اگر در برنامه دولت تلاشی برای بزرگ کردن بخش خصوصی برای بهبود فضای کسب و کار وجود داشته باشد منجر به رشد اقتصادی در کشور شده و بر توان آن می‌افزاید. دولت باید از طریق برنامه‌ریزی‌های دقیق قدرت خرید مردم را بالا ببرد مثل همان کاری که در ترکیه انجام شد و دولت این کشور با آزادسازی قیمت‌ها، دستمزدها و حقوق‌ها را بالا برد و تعادل اقتصادی کشور را برقرار کرد. باین کارها هم فضای آرام اقتصادی حاکم می‌شود و هم امیدواری مردم بالا خواهد رفت.

■ محمد رضا نجف‌منش، رئیس کمیسیون تسهیل کسب و کار اتاق تهران:

لزوم برون‌گرایی اقتصادی

قدم اول این است که دولت حجم خود را کوچک سازد و به جای اینکه به دنبال منابع نفتی باشد، نان خورهای کارمندان خود را کمتر سازد تا از این راه هزینه‌های خود را کاهش دهد. در حال حاضر تعداد زیاد کارمندان دولت هزینه‌های دولت را بالا برده و از درآمدهای آن کاسته است. در حالی که در نقطه مقابل ما کشوری مثل ژاپن با یک چهارم کارمندان داریم می‌شود یا اینکه در کشور دیگری چون انگلستان بسیاری کارها توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. البته تجربه ما در این مورد دفاتر دولت الکترونیک بود که قصد آن تسریع در کارها و کم شدن هزینه دولت بود. راه دوم تنوع منابع درآمدی دولت است. ۴۰ درصد از اقتصاد ما از مالیات معاف هستند یعنی اینکه بسیاری از نهادها و مراکز که باید مالیات بپردازند، از پرداخت آن سر باز می‌زنند که این خود هم درآمدهای دولت را کاهش داده و هم اینکه امکان رقابت‌پذیری میان بخشی که مالیات می‌پردازد با آن که نمی‌پردازد، راز میان برده است. نباید در بخش مالیاتی میان افراد استثنایی قائل شد. سومین راه داشتن نگاه برون‌زا یا نگاه به بیرون است. یعنی اینکه به جای تکیه بر منابع نفتی، درآمدهای خود را از طریق صادرات غیر نفتی را افزایش دهیم و بدین وسیله اشتغال و کار را در جامعه ایجاد کنیم. نگاه ما به نفت باید نگاهی برای حفظ آن به خاطر نسل‌های آینده باشد نه نگاه مصرفی. شفاف‌سازی اقتصادی، رفع موانع کسب و کار و ایجاد انضباط مالی در تنظیم بودجه توسط دولت ضروری است. بدهی‌های دولت به بانک‌ها، تامین اجتماعی و بخش‌های خصوصی توجیه منطقی ندارد و تنها علامت بی‌نظمی مالی در کشور است که در تنظیم بودجه باید از آن پرهیز کرد.

■ محمود دودانگه، کارشناس اقتصادی:

کاهش هزینه‌های دولت

دولت سه منبع مهم برای تامین نیازهای کشور دارد. نخستین منبع نفت است که قسمت عمده آن فروخته می‌شود و در اختیار دولت برای پوشش نیازهای عمرانی و جاری دولت قرار می‌گیرد. دو نکته مهم در رابطه با این موضوع یکی قیمت نفت است و دوم میزان فروش آن. هر چقدر که میزان این دو بیشتر باشد درآمد دولت از این طریق بیشتر می‌شود. نکته قابل طرح دیگر که مهم است این است که درآمد دولت از محل فروش نفت از نظر ریالی چقدر است. میزان نرخ تسعیر ارز در این رابطه خیلی مهم است. هر چقدر قیمت دلار بالاتر باشد به همان اندازه هم درآمد ریالی دولت افزایش پیدا می‌کند. بنابراین به طور کلی باید گفت هر چقدر قیمت ارز در بودجه بالاتر پیش بینی شده باشد، نشان از درآمد ریالی بالاتر برای دولت دارد. در غیر



که ضرورتی برای ننگ داشتن آنها ندارد، می‌تواند درآمدهای مورد نیاز خود را حاصل کند. پایبندی به چارچوب اقتصاد مقاومتی مثل اصلاح الگوی مصرف، کاهش هزینه‌های دولت، استفاده بهینه از بودجه‌های عمرانی در تنظیم بودجه به طور موثری راهگشا هستند.





راه کارهای تامین نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی

مسیر خروج بنگاه‌ها از ورشکستگی



■ رضا حمزه لو، رئیس کمیسیون نفت، گاز و خانه اقتصاد ایران:
خروج از رکود راه حل جلوگیری از ورشکستگی بنگاه‌ها

دو دسته از بنگاه‌های ورشکسته در کشور وجود دارند. اول دسته‌ای که بی‌گناه ورشکسته شده‌اند یعنی اینکه هیچ کم کاری و بی‌برنامگی‌ای نداشته‌اند بلکه تنها به دلیل مشکلات



اقتصادی جامعه مانند کاهش قدرت خرید مردم، افزایش تورم و مسائلی از این دست گرفتار بحران شده‌اند. دسته دوم بنگاه‌هایی هستند که به دلیل یک سری ناکارآمدی‌های مراحل کاری خود دچار مشکل شده و خود عامل وضعیت رکودی خود شده‌اند. بیشتر ورشکستگی‌های کشور مربوط به دسته اول است. به همین دلیل دولت موظف است به کمک این بخش‌ها بیاید مثلاً جوهی را در نظر بگیرد که بتواند به حل و رفع این

هم‌اکنون بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی با ظرفیت ۳۰ درصد کار می‌کنند، شهرک‌های صنعتی وضعیت مناسبی ندارند و به دلیل رکود کشور، بسیاری از واحدهای تولیدی با زیر ۵۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند و برخی از آنها هم تعطیل شده‌اند. از طرف دیگر کیفیت تولیدات کشور ۳۰ درصد از کیفیت محصولات مشابه در سطح دنیا پایین‌تر است و به همین میزان نیز قیمت بالاتری نسبت به کالاهای دیگر در سایر کشورها دارند. همین موضوع قدرت رقابت کالاهای داخلی را نسبت به سایر کالاهای در سطح بین‌الملل پایین آورده است. چالش‌های بنگاه‌های تولیدی بر سر مسائلی چون تامین سرمایه، کمبود تقاضا در نتیجه کاهش قدرت خرید مردم، پایین بودن قدرت رقابت آنها با واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، ناتوانایی در تامین تجهیزات داخلی و... بسیاری از این بنگاه‌ها را بار رکود و ورشکستگی مواجه کرده است و افزایش نرخ بیکاری، از بین رفتن روحیه اعتماد به نفس اقتصادی در میان مردم، بالارفتن قیمت‌ها و کاهش رشد اقتصادی از عواقب این ورشکستگی هاست. کارشناسان معتقدند یکی از علل این ورشکستگی‌ها و رکود، مدیریت نادرست و سیاست‌های اقتصادی دولت هاست. عدم برنامه‌ریزی برای تامین سرمایه از محل درآمدهای غیرنفتی یکی از مشکلاتی است که در هنگام نوسانات قیمت نفت، باعث برهم خوردن تعادل بخش‌های اقتصادی می‌شود. بدهی‌های زیاد دولت به بانک‌ها و بخش خصوصی و بروز تنگناهای مالی در کشور بخش دیگری از این مشکلات است. برای ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی علل دیگری نیز می‌توان برشمرد که در ادامه به نظرات کارشناسان درباره علل و راه‌حل‌های برون‌رفت از آن می‌پردازیم.



اول رفتار خود بنگاه‌ها و سوءمدیریت‌های آنها یا همان عدم توانایی‌های آنها در اداره بنگاه که باعث می‌شود بنگاه به دلیل ناکارآمدی خود ورشکسته شده و دیگر قادر به ادامه حیات نباشد. در این شرایط نباید تصور کرد که کمک به احیای دوباره این بنگاه کار مناسبی است چرا که اثرات موفق نبودن آن و عدم کارایی آن بر اقتصاد سنگین خواهد بود و از طرف دیگر با این کار فرصت اینکه این بنگاه برای مشغول شدن در کار دیگری که ممکن است موفق‌تر از قبل باشد را از او خواهیم گرفت. البته اثرات ورشکستگی بنگاه‌ها بسته به اینکه آن بنگاه کوچک یا بزرگ باشد متفاوت است. طبیعی است که هر چقدر بنگاه نقش کلیدی و سیستمی در جامعه داشته باشد یعنی حلقه‌ار تباطی گسترده‌تری داشته باشد، به همان میزان ورشکستگی آن برای اقتصاد مخرب‌تر است. به همین دلیل لازم است هم و غم دولت برای حل مشکل ورشکستگی بنگاه‌هایی باشد که نقش مهم‌تری دارند و ورشکستگی آنها ورشکستگی بنگاه‌های دیگر را موجب خواهد شد. مثل خودروسازان و بانک‌های بزرگ. در این شرایط دولت‌ها وارد عمل شده و کمک می‌کنند تا این بنگاه‌ها را از ر کود خارج کنند. البته شیوه‌های کمک به بنگاه‌ها هم فرق دارد. در بعضی موارد دولت با استفاده از منابع به آنها کمک می‌کند و گاهی هم بانک‌ها مستقل از دولت به رفع نقدینگی این بنگاه‌ها می‌پردازند.

معوقات با زمانبندی، دسته‌بندی و مشخص کردن اولویت‌های این بسته‌بندی بپردازد. بنگاه‌های اقتصادی در چنین شرایطی باید هماهنگ با ظرفیت‌های اسمی خود تولید داشته باشند و با تامین نقدینگی لازم به تولید بپردازند. عمده‌ترین کمک دولت به آنها رو به راه کردن اقتصاد و کمک به آن برای خروج از ر کود است چرا که در نتیجه معوقات این بنگاه‌ها به بانک‌ها، توان مالی بانک‌ها پایین آمده و از طرفی هم بازار مصرف در کشور عملاً وجود ندارد و بیشتر محصولات فروش کافی را ندارد که با این وجود ورشکستگی بنگاه‌ها طبیعی است.

■ کاظم دوست حسینی، استاد دانشگاه:

مشوق‌های پولی و مالیاتی تنها برای بخش مولد باشد

یک بحثی در اقتصاد به نام بازده و سودآوری متعارف مطرح است که می‌تواند مبنای بسیاری از تصمیمات اقتصادی باشد. ورشکستگی از یک دیدگاه یعنی اینکه بنگاه‌های اقتصادی از پس کسب سود متعارف در فعالیت‌های خود بر نیایند که این موضوع هم علل مختلفی دارد که اهم آنها



عبارتند از: ۱. پایین بودن یا کاهش بهره‌وری این بنگاه‌ها ۲. ر کود در اقتصاد ۳. بازدهی بالا در بخش‌های دیگر اقتصادی بخصوص بخش‌های غیر مولد و بعضاً مضر اقتصادی ۴. کسب سود بالاتر از بازده متعارف سرمایه‌گذاری از طریق سپرده بانکی و بالتبع هزینه بالای تامین مالی. بنابراین برای خروج از ر کود و بازگشت این بنگاه‌ها به فعالیت باید مجموعه‌ای از اقدامات توسط دولت، بنگاه‌ها و بازار پول و سرمایه صورت گیرد. دولت باید مشوق‌های مالیاتی، بانکی، گمرکی و نظایر آن را صرفاً برای بخش تولید در نظر بگیرد. از طرفی هم باید نظارت دقیق بر بخش‌های غیرمولد مثل تجارت و غیرمجاز مثل قاچاق صورت گیرد. برای مقابله با بخش‌های مضر برای اقتصاد باید متقابلاً جریمه سنگین در نظر گرفته شود.

همچنین سود سپرده بانکی بالاتر از بازده متعارف می‌تواند مشمول مالیات شود. مبلغ پذیرش هزینه‌های بانکی و تامین مالی در محاسبه مالیات نیز می‌تواند تا میزان بازده متعارف محدود شود. در بخش تولید، شرکت‌ها هم می‌توانند با افزایش بهره‌وری و بالا بردن تولید تا سطح ظرفیت کامل از مزیت حجم تولید و کاهش قیمت تمام شده بهره‌مند شوند که به خروج از ورشکستگی کمک می‌کند.

■ کامران ندری، استاد دانشگاه:

احیای ورشکستگی بنگاه‌های بزرگ در اولویت باشد

در حال حاضر ما آماری رسمی از اینکه بنگاه‌های کشور ورشکسته شده‌اند را در دست نداریم و در آنچه که مشاهدات ما از پیرامون به ما می‌گوید نیز نشانی از ورشکستگی این بنگاه‌ها در کشور مشاهده نمی‌شود. اما در هر صورت ورشکستگی بنگاه‌ها دو علت دارد.





چرا زود تورم به سود بانکی نمی‌رسد؟

رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید که "سود بانکی افراطی مثبت است"، وزرای اقتصادی، کارشناسان و مدیران عامل بانکها هم تقریباً چنین نظری دارند. شورای پول و اعتبار نیز جلسات متعددی برگزار کرده تا بتواند فاصله بین پنج تا ۱۰ درصدی تورم و سود را کاهش دهد؛ اما با این وجود هنوز سود بانکی در مقابل تورم کوتاه نیامده است.

عدم تناسب نرخ سود بانکی با شرایط اقتصادی کشور و به ویژه تورم به عنوان متغیر اصلی، موضوع تازه‌ای برای اقتصاد و نظام بانکی نیست و نرخ سود در دوره‌های متفاوت از سالهای اخیر دچار نوسان بوده است. اما در مجموع آنچه که بیش از هر چیز دیگری در این بین خودنمایی می‌کند کاهش دستوری نرخ‌های سود بانکی بوده علی‌رغم اینکه گاه‌نگاه‌ها با تابلوی توافق بانکها و تایید شورای پول و اعتبار تعیین شده و یا کاهش پیدا کرده است.

این در حالی است که در چند سال اخیر با توجه به روندی که تورم طی کرد، نرخ سود بانکی نیز بیش از گذشته متزلزل شد، به طوری که با صعود تورم تا مرز ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۲، سودهای بانکی نیز به طور افسار گسیخته‌ای در رقابت مخربی که بین بانکها شکل گرفت حتی از مرز ۳۰ درصد هم عبور کرد. نرخ‌هایی که با شرایط موجود در تولید و اقتصاد و نیاز به منابع بانکی تناسبی نداشت و در نهایت به سمتی پیش رفت که شورای پول و اعتبار با توجه به معکوس شدن روند تورم و ریزش آن نسبت به کاهش نرخ سود اقدام کرد.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳ بود که ظاهراً بعد از توافق بانکها برای کاهش نرخ سود روز شمار به ۱۰ درصد و سود سالانه به ۲۲ درصد، این مصوبه در شبکه بانکی به اجرا درآمد؛ اما مدت‌ها طول کشید تا بانکها تا حدودی خود را با آن تطبیق داده و برای کاهش نرخ سود اقدام کنند. هر چند که هیچ‌گاه شبکه بانکی اجرای کامل و یکپارچه نرخ‌های مصوب را به خود ندید و شرایط حاکم بر بازار پول موجب دور زدن این مصوبه در بین آنها شد.

به هر حال با ادامه کاهش تورم در سال گذشته و امسال، بازم بحث کاهش مجدد سود مطرح و نرخ‌ها در فاصله یکساله از تغییر قبلی مورد بازنگری قرار گرفت. در اردیبهشت امسال با کاهش تورم به کمتر از ۱۵ درصد و در شرایطی که نرخ سود سپرده ۲۲ و تسهیلات تا مرز ۳۰ درصد و حتی بیشتر هم می‌رسید، با مصوبه شورای پول و اعتبار نرخ سود سپرده به ۲۰ و تسهیلات به ۲۴ درصد کاهش پیدا کرد. اما در مدتی که از ابلاغ و اجرای این مصوبه گذشت باز هم به گونه‌ای نبود که کلیه بانکها و موسسات اعتباری تمایل چندانی به اجرای آن نشان دهند و اغلب در قالب طرح‌ها و شرایط ویژه نرخ سود را بالاتر تعیین کردند. با این حال طولی نکشید که به فاصله کمتر از شش ماه از این بازنگری مدیران ارشد دولتی، تصمیم برای کاهش مجدد نرخ سود بانکی و تناسب سازی آن با تورم موجود و فضای اقتصادی را مطرح و بر کاهش فوری آن تاکید کردند، گرچه مدتی است که با وجود برگزاری جلسات متعدد شورای پول و اعتبار و اختصاص آن به بررسی سود بانکی هنوز مصوبه‌ای در این رابطه صادر نشده و بعید هم به نظر می‌رسد که تا پایان سال نرخ سود بانکی کاهش پیدا کند. این در حالی است که اخیراً رییس کل بانک مرکزی به شدت از بالا بودن نرخ

سود و ناهماهنگی آن با تورم انتقاد کرده و نرخ سود بانکی را فراتر از حد منطقی، مثبت دانسته است.

وی با اعتقاد به اینکه باید فاصله نرخ سود و تورم حدود دو درصد باشد گفته که وقتی که تورم به ۱۳،۷ درصد رسیده چگونه می‌توان نرخ سود ۲۴،۲۰ و حتی در دوره‌ای تا ۲۸ درصد را پرداخت. پس در شرایطی که در طول سالهای گذشته همواره نرخ تورم بالاتر از سود بانکی بود و به عبارتی نرخ سود منفی می‌شد، اکنون با توجه به تورم موجود نرخ سود بانکی افراطی مثبت است.

اظهارات سیف، در حالی مطرح می‌شود که منفی و مثبت شدن نرخ سود بانکی در سالهای گذشته با توجه به تغییرات تورم همواره مورد توجه بوده است. به طوری که برای سالهایی نرخ سود بانکی پایین‌تر میزان تورم قرار داشت و به گفته کارشناسان این سپرده‌گذاران بودند که جریمه این فاصله را پرداخته‌اند.

در همین رابطه قوامی - عضو ناظر شورای پول و اعتبار - با اشاره به اینکه در چندین سال گذشته به ویژه دولت گذشته بین سود بانکی و تورم واگرایی وجود داشته است بر این باور است که تا قبل از دولت یازدهم نرخ تورم همیشه بر فراز نرخ سود بانکی بود و سپرده‌گذاران همواره جریمه شده‌اند. وی با بیان اینکه به دلیل عدم تناسب نرخ سود بانکی و تورم، سپرده‌گذاران در سه مقطع به طور قابل توجهی جریمه شده‌اند، یادآور شد: مقطع اول سال ۱۳۶۷ است که نرخ سود بانکی ۸،۵ درصد اما نرخ تورم ۲۸،۹ درصد است و جریمه ۲۰ درصدی سپرده‌گذار را به همراه دارد. سال ۱۳۷۴ در طول سه دهه اخیر اوج جریمه سپرده‌گذاران است به طوری که اختلاف به ۳۵ درصد می‌رسد و ارزش سپرده به طور قابل توجهی کم می‌شود. این روند تا سال ۱۳۹۲ و ایجاد فاصله ۱۸ درصدی پیش می‌رود، تا اینکه تورم در مسیر کاهشی قرار گرفته و فاصله کم می‌شود. اما در حال حاضر شرایط معکوس شده به طوری که سود بانکی حدود پنج تا هفت بالاتر از تورم قرار گرفته در حالی که نباید چنین فاصله‌ای وجود داشته باشد.

اما بررسی تغییران نرخ سود و تورم از سال ۱۳۶۳ تاکنون نشان می‌دهد که از این سال به بعد و تا سالهای دهه ۷۰ تورم بالاتر از نرخ سود بانکی بوده و به نوعی اختلاف موجود به نوعی جریمه سپرده‌گذاران محسوب می‌شود. به طوری که در اوج آن در سال ۱۳۷۴ تورم ۴۹ درصدی اما سود بانکی حدود ۱۴ درصد شده و جریمه سنگینی به سپرده‌گذاران تحمیل می‌شود. در فاصله سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ تا حدودی شکاف بین تورم و نرخ سود بانکی کمتر بوده است؛ اما باز هم سپرده‌گذاران هر چند باشند کمتر جریمه شده‌اند.

اختلافات مثبت و منفی در سود و تا سال ۱۳۸۵ و به بعد نیز تکرار شده تا اینکه جریمه سپرده‌گذاران با اختلاف زیادی دوباره در سال ۱۳۹۲ که تورم به طور قابل توجهی بالا بوده و تا مرز ۳۵ درصد هم پیش می‌رود به اوج می‌رسد، به گونه‌ای که وقتی دولت دهم جای خود را به دولت یازدهم می‌دهد اختلافی تا بیش از ۱۵ درصد بین تورم و سود بانکی وجود دارد.

اما از میانه سال ۱۳۹۲ نرخ تورم در مسیر معکوس قرار گرفته و رو به کاهش پیش می‌رود که در این میان و تا اردیبهشت ماه امسال شورای پول و اعتبار دوبار نرخ سود بانکی را کاهش داد، ولی اکنون نرخ سود ۲۰ درصدی مصوب هم حدود هفت درصد با تورم حدود ۱۳،۵ درصدی اعلامی در دی ماه فاصله دارد. این همان اختلافی است که





می شود را دیگر عامل مهم مانع از کاهش نرخ سود بانکی با وجود کاهش نرخ تورم معرفی میکنند و می گویند: مشکل، تمرکز اقتصاد ما بر تامین مالی از بازار پول است. این در حالی است که بازار سرمایه در دو سال گذشته شوک شدیدی داشته و شاخص سهام از ۹۲ به ۶۲ هزار واحد کاهش یافته و افراد صاحب دارایی در این بازار از جمله متضرران بزرگ بوده اند.

مسئله دیگر در این رابطه، رکود بازار املاک و مستغلات است. به هر حال نقدشوندگی پایین دارایی ها و عدم کفایت وثایق بانکیها موجب شده نتوانند طلب خود را دریافت کنند.

وی اشاره ای هم به عدم ایفای تعهد دولت به پیمانکاران در مقابل بدهی ها به این بخش به عنوان دیگر مشکل فرابخشی در نظام بانکی می کند و می افزاید: ۴۵۰ هزار میلیارد تومان پروژه نیمه تمام داریم که اگر تورم در سطح فعلی باقی بماند و صفر شود و هیچ پروژه جدیدی انجام نشود بیش از ۱۰ سال طول می کشد تا در صورت تحقق کامل بودجه عمرانی، تکمیل شود.

مشکل دیگری که به گفته قوامی مورد اهمیت است عدم توجه به آمایش سرزمینی در سرمایه گذاری ها است. چون این موضوع مورد توجه قرار نمی گیرد، بسیاری از پروژه ها به دلیل مکان گزینی غلط، اقتصادی نیست و بیشتر جنبه سیاسی دارد. در این حالت درآمد، هزینه و سود با مشکل مواجه شده و موتور محرکه این طرح ها از کار افتاده است و بازده ندارد. در نتیجه سود به زیان تبدیل شده که اوراق مشارکت و به تبع آن بازپرداخت تسهیلات بانکیها را با چالش همراه می کند.

وی در ادامه مسایل درون بخشی در ساختار نظام بانکی را مورد توجه قرار می دهد و با تاکید به فعالیت موسسات غیرمجاز و بی انضباطی آنها در بازار پول که مانع از کاهش نرخ سود بانکی می شود، می گوید: موسساتی که غیرمجازند هیچ سپرده ای نزد بانک مرکزی ندارند و کنترل نشده هستند، سودهای بالاتر از عرف سیستم بانکی پرداخت کرده و موجب می شوند تا مردم با ترجیح سود آنها، پول خود را از بانکها خارج کرده و به موسسات ببرند.

قوامی به پایین بودن سرمایه بانکیها اشاره می کند و می گوید: پایین بودن نسبت کفایت سرمایه و به تبع آن کاهش توان تسهیلات دهی بانکیها موجب شده تا سیستم بانکی نتواند به خوبی در این زمینه عمل کرده و گرفتار شده است. عامل دیگر درون بخشی که قوامی به آن اشاره دارد، حجم بدهی بخش

رییس کل بانک مرکزی از آن به عنوان سود افراطی مثبت یاد می کند. سیف، با وجود تاکیدیدی که بر اهتمام بانک مرکزی برای کاهش نرخ سود دارد، از پرداخت سودهای علی الحساب بالا، انجماد ۴۵ درصد از منابع بانکی و پایین بودن کفایت سرمایه بانکیها به عنوان برخی عوامل موثر در عدم توانایی برای کاهش نرخ سود یاد کرده است. وی در عین حال با وجود برخی تاکیدات مبنی بر الزام ورود برای کاهش دستوری نرخ سود معتقد است که در شرایط فعلی تا زمانی که زمینه های لازم فراهم نشده نمی توان نرخ سود بانکی را به طور دستوری کاهش داد چرا که تبعات منفی آن بسیار بالا خواهد بود.

نرخ سود علی الحساب سپرده های سرمایه گذاری مدت دار

سال	کوتاه مدت	کوتاه مدت (بیش از ۶ ماهه)	یک ساله	دو ساله	سه ساله	چهار ساله	پنج ساله
۱۳۶۳	۷/۲	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۶۴	۶	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۶۵	۶	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۶۶	۶	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۶۷	۶	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۶۸	۶	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۶۹	۶/۵	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۰	۶/۵	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۱	۷/۵	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۲	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۳	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۴	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۵	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۶	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۷	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۸	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۷۹	۸	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۰	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۱	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۲	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۳	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۴	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۵	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۶	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۷	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۸	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۸۹	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۰	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۱	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۲	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۳	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۴	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۵	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۶	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۷	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۸	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۳۹۹	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۰	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۱	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۲	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۳	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۴	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۵	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۶	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۷	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۸	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۰۹	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۱۰	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۱۱	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۱۲	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-
۱۴۱۳	۷	-	۹	۱۰	۱۱	-	-

سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
تورم	۱۰,۴	۶,۹	۲۳,۷	۲۷,۷	۲۸,۹	۱۷,۴	۹	۲۰,۷	۲۴,۴	۲۲,۹	۳۵,۲	۴۹,۴	۲۳,۲	۱۷,۳	۱۸,۱	۲۰,۱
سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
تورم	۱۲,۶	۱۱,۴	۱۵,۸	۱۵,۶	۱۵,۲	۱۰,۴	۱۱,۹	۱۸,۴	۲۵,۴	۱۰,۸	۱۲,۴	۲۱,۵	۳۰,۵	۳۴,۷	۱۵,۶	؟

چالش های پیش روی کاهش نرخ سود بانکی

این در حالی است که عضو ناظر شورای پول و اعتبار با اعلام اینکه کاهش نرخ سود بانکی نیاز به انجام بررسی ها و دقت بیشتری داشته و سیاستهای دستوری غلط است، درباره شرایطی نامطلوبی که موجبات افزایش نرخ سود و به دنبال آن کاهش موفق آن را فراهم آورده است و همچنین اینکه چرا با وجود کاهش نرخ تورم، واگرایی بین دو نرخ سود و تورم کاهش پیدا نکرده است؟ توضیحاتی ارائه می کند و می گوید که باید ریشه این مسایل را در دو عامل بازدهی فعالیت های اقتصادی و همچنین مشکلات ساختاری بانکیها جست و جو کرد.

وی با اشاره به بازدهی فعالیت های بخش واقعی اقتصاد به عنوان عامل اول توضیح می دهد: در تعادل، نرخ سود واقعی معادل بازده نهایی سرمایه است، که در این حالت در عمل نرخ سود اسمی و نرخ تورم هماهنگ حرکت می کنند؛ اما در شرایط فعلی شاهدیم که نرخ سود بانکی روندی واگرا از تورم در پیش گرفته که با اقتضانات کلان اقتصادی کشور هماهنگی ندارد و عملاً بانکیها با ریسک بالا مبادرت به اعطای تسهیلات گران قیمت می کنند. به گفته وی بالا بودن تقاضا برای تسهیلات بانکی و تلاش متقاضیان به اخذ تسهیلات بدون توجه به هزینه استفاده از آن باعث افزایش ریسک و مطالبات غیر جاری شده و مطالبات غیر جاری به شدت افزایش یافته است. عضو شورای پول و اعتبار مشکلات ساختاری که البته مشکلات فرا بخشی را شامل

دولتی شامل دولت و شرکتهای دولتی به بانکهاست که فراتر از ۱۱۰ هزار میلیارد تومان است. رقمی که بخش بیش از ۱۱ درصد دارایی بانکها را تشکیل می دهد. وی این را هم گفت که باید مطالبات بانکها بابت انتشار اوراق مشارکت را هم مورد توجه قرار داد؛ به طوری که مانده مطالبات آنها در این حالت برای طرح عمرانی در پایان سال گذشته به ۱۹۸ هزار میلیارد تومان رسیده که بیش از دو درصد دارایی بانکها را تشکیل می دهد.

در عین حال که قوامی معتقد است وجود حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان معوقات بانکی، کاهش توان نقدشوندگی طلب بانکها و همچنین ساختار ضعیف حاکمیت شرکتی از دیگر مواردی است که به همراه سایر دلایل عنوان شده برای کاهش نرخ سود بانکی سنگ اندازی می کند.

عضو شورای پول و اعتبار، با اشاره به روند واگرایی بین نرخ سود بانکی و تورم به عنوان بیماری مزمن اقتصاد تاکید می کند که با توجه به مشکلات موجود در حوزه های درون بخشی و فرابخشی، کاهش دستوری نرخ سود مخاطرات خود را به همراه خواهد داشت به طوری که فضا به نفع موسسات اعتباری غیرمجاز تمام شده و در شرایط رقابت ناسالم آنها، واسطه گری بانکیها نیز تحت تاثیر قرار می گیرد و به تبع آن تامین نقدینگی بنگاههای تولیدی و رشد اقتصادی بیش از گذشته تحت الشعاع خواهد بود.



اقتضیات بخش غیر رسمی رستاد

اقتصاد به دو بخش رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شود. بخش رسمی اقتصاد به بخشی گفته می‌شود که میزان و نوع فعالیت آن در کشور کاملاً مشخص است از اینرو در محاسبات اقتصاد حساب می‌آید و به دولت هم مالیات می‌پردازد. اما برعکس آن، بخش غیر رسمی اقتصادی که از اوایل دهه ۱۹۷۰، توسط کیت هارت انسان‌شناس بریتانیایی، وارد ادبیات اقتصادی و برنامه‌ریزی دنیا شد و به آن اقتصاد سایه‌ای، پنهانی و زیرزمینی گفته می‌شود، اطلاعات مشخصی از میزان و مقدار فعالیتی که انجام می‌دهد و همچنین سود و سرمایه که به دست می‌آورد، به دست نمی‌دهد. به همین دلیل از پرداخت مالیات به دولت هم فرار می‌کند. از جمله ویژگی‌هایی که می‌توان برای این بخش برشمرد احتیاج به هزینه کم، اتکای بیشتر به نیروی کار، قابلیت ورود آسان، داشتن نیاز کم به مهارت و تخصص، درآمد نامنظم، ساعات کار نامشخص و محدود و نداشتن پوشش بیمه‌ای است. حضور این بخش چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود. علت عمده گرایش به این بخش در بسیاری از افراد فرار از محدودیت‌های قانونی و شغلی در کشور است مثلاً برخی به علت شانه خالی کردن از پرداخت مالیات و برخی به علت غیر قانونی بودن کاری که انجام می‌دهند مثل قاچاق در مجموعه بخش غیر رسمی اقتصاد قرار می‌گیرند. گاهی وقت‌ها نیز برخی مشاغل با اینکه غیر قانونی نیستند اما به این دلیل که از حجم کاری کمی برخوردارند در فهرست مشاغل رسمی کشور ثبت نمی‌شوند و به بخش غیر رسمی می‌پیوندند. بر اساس آمارها در کشور ما بخش غیر رسمی حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده و اشتغال غیر رسمی نزدیک به ۳۰ درصد اشتغال کل کشور است. این بخش به طور مستقیم یا غیر مستقیم روی شاخص‌های اقتصادی کشور چون تولید ناخالص ملی، رفاه اجتماعی، توزیع درآمد، مالیات دریافتی و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کشور تأثیر می‌گذارد از اینرو لازم است به طور تخصصی راهکار مقابله با آن را که در سال‌های اخیر نیز افزایش پیدا کرده از کارشناسان پرسید تا در دوران پساتحریم شاهد حضور کم‌رنگ‌تری از آن در کشور باشیم.

■ مهدی پورقاضی، عضو اتاق بازرگانی تهران: تک‌نرخ‌گرایی ارزش و اصلاح ساختارها



من به این موضوع که گفته می‌شود قاچاق افزایش پیدا کرده معتقد نیستم بلکه اعتقاد دارم با تغییر نرخ ارز و گران شدن آن نه تنها افزایش نیافته بلکه کمتر هم شده است. در اغلب کشورها کاهش قاچاق و کم‌رنگ کردن بخش غیر رسمی از اقتصاد با دو راهکار عمده گره خورده

است. اول آزادسازی اقتصادی و دوم شفافیت در اقتصاد. اصلاح ساختاری اقتصاد در این دو بخش عمده‌ترین کاری است که در این راه باید انجام داد. از اینرو مساله به قبل و بعد از تحریم‌ها مربوط نمی‌شود بلکه اصلاح ساختاری کشور است که باید مورد توجه باشد. کاهش قیمت جهانی نفت نیز عامل دیگری شده که قاچاق کاهش پیدا کند چرا که پیش از این عمده قاچاق از حامل‌های انرژی بود که اکنون تفاوت قیمت آن در داخل و خارج کمتر شده و در نتیجه لزومی به قاچاق آن نیست. نرخ ارز آزاد افزایش یافته و انگیزه واردات خصوصاً قاچاق را کمتر کرده است اما با این وجود آمارهای قاچاق رقم ۱۵ و ۱۶ میلیاردی





سالانه را نشان می‌دهد که به نظر نمی‌آید دولت برای آن برنامه مشخصی داشته باشد. برای آزادسازی اقتصاد و اصلاح ساختار نخستین کار این است که ارزش تک‌نرخ شود اما با وجود وعده‌ای که بانک مرکزی در پساتحریم برای این کار داده بود، هنوز کاری انجام نشده است.

■ کاظم دوست حسینی، استاد دانشگاه:

ضعف نظام برنامه‌ریزی در کنترل قاچاق

بخش بزرگی از اقتصاد ما را اقتصاد غیر رسمی تشکیل می‌دهد که توسط دستگاه‌های دولتی رصد نشده و اگر هم رصد شده اقدامی برای آن صورت نگرفته است. با توجه به اینکه در



دوران تحریم‌ها بحران اقتصادی بر کشور حاکم است در این فضا زمینه فساد اقتصادی و فعالیت بخش غیر رسمی و غیر مجاز بیشتر می‌شود که مسلماً در دوران پساتحریم این بحران کمتر شده و قاچاق و فساد در نظام اقتصادی هم کمتر بروز پیدا می‌کند. در شرایط کنونی هنوز آمار دقیقی از مفاسد و فعالیت‌های غیر رسمی اقتصاد در دست نیست. معیارها و استانداردهایی وجود دارد که می‌تواند رابطه متغیرهایی مانند عوارض شناسایی شده، مقدار مالیات، صادرات و واردات، مقدار تعرفه‌ها و تولید ناخالص ملی می‌تواند در شناسایی این بخش از اقتصاد کمک‌بخش باشد. در واقع از طریق موارد گفته شده می‌توان علل ایجاد حفره‌های اقتصادی کشور را بررسی کرد. استفاده از یک سری تکنولوژی‌های قوی و نرم‌افزارهای مدرن هم به رصد اطلاعاتی این بخش کمک خواهد کرد. اما تاکنون معاونت برنامه‌ریزی کشور استانداردهای لازم برای شناسایی این حفره‌ها را مشخص نکرده است. ضعف برنامه‌ریزی‌ها بر مشکلات این حوزه افزوده است. ما حتی آمار دقیقی از افراد واجد شرایط برای دریافت یارانه را نداریم و حتی از میزان واقعی جمعیت کشور و ترکیب جمعیتی آن اطلاعاتی که بتوان بر آن تکیه کرد را در اختیار نداریم. وظیفه معاونت برنامه‌ریزی رئیس‌جمهوری است که معیارها و استانداردهای لازم برای شناسایی عوامل فساد در جامعه را معرفی کرده و از طریق آن اقدام کند. اقتصاد مانند یک سیستم در جریان یا یک شبکه است مانند شبکه برق که اگر جریان خروج یا ورود آن به دقت کنترل نشود به صاحب و تولیدکننده خود سودی نخواهد رساند. بنابراین از آنجایی که در اقتصاد هم مجموعه‌هایی هستند که با دستگاه‌های دولتی خود را مرتبط ساخته و از آن جدا شده‌اند، در آنچه که به دست می‌آورند یا انجام می‌دهند هیچ سودی به کشور نمی‌رسانند. از طرف دیگر نظام بانکی بنا بر دستور بانک مرکزی اطلاعات لازم برای حساب مشتریان را در اختیار دستگاه‌های دولتی قرار نمی‌دهد که این امر

منجر به فرار مالیاتی می‌شود. بنابراین در کل مجموعه دولتی باید سعی بیشتر در نظارت بر این بخش اعمال کند.

■ حسن مرادی، استاد دانشگاه:

جرایم سنگین برای متخلفان از قانون

با یک مثال کوچک بحث را آغاز می‌کنم. اگر شما به دستفروشان نگاه کنید متوجه می‌شوید که آنها به راحتی بساط خود را در خیابان و نقطه‌ای که در نظر گرفته‌اند پهن کرده و خیلی سریع‌تر از مغازه‌داری که زحمت خرید زمین برای مغازه، گرفتن جواز و رعایت موارد قانونی فروش را کشیده، به عرضه و فروش کالا می‌پردازد و بر عکس آن مغازه‌دار مالیات به دولت پرداخت نمی‌کند و حتی شاید سود بیشتری به دست آورد. این نمونه‌ای بود از دست و پاگیر بودن بخش غیر رسمی و ضرر آن به اقتصاد کشور. شرایطی که در آن قرار داریم شرایط بحرانی تحریم است. واضح است که اگر این شرایط جای خود را با دوران پساتحریم عوض کند بحران برداشته شده و مفهوم بخش غیر رسمی بیشتر نشان داده می‌شود و مضموم بودن بین همه جا می‌افتد. در بسیاری از کشورها به علت وجود همین دوره‌گردها به کشور عنوان عقب افتاده داده می‌شود. بنابراین لازم است که در فضای پساتحریم ارگان‌های کشور استانداردها شوند و برای این قبیل کارها محیط کسب و کار مساعدی فراهم سازیم که زیر نظر بخش‌های دولتی باشد. نمونه قاچاق در دوران تحریم‌ها قشم است که گرچه می‌توانست مانند دوبی برای کشور درآمدزایی داشته باشد اما تبدیل شده به مرکزی برای خروج و ورود کالای قاچاق و به نوعی به صورت مبداء و ماخذ قاچاق درآمده است. بنابراین اگر کشور به ثبات اقتصادی برسد دولت باید این بخش‌ها را تعطیل کرده و برای آن چارچوب قانونی و حقوقی تعیین کند. کسانی هم هستند که از افراد مالیات می‌گیرند اما آن را به دولت نمی‌دهند که باید با مجازات‌های سنگین جلوی آنها را گرفت بنابراین باید مانع هر گونه فعالیت غیر قانونی در مناقصات و اقدامات پیمانکاران در بخش‌های مختلف کشور شد و تمام شئون و جوانب آن را پیگیری کرد. لازم است دولت در فضای پساتحریم این چارچوب‌ها را رعایت کند.





بهبود اقتصاد با ابزار بودجه

ایجاد اشتغال و رفع مشکل بیکاری باشد چرا که در حال حاضر اصلی ترین معضل جامعه است. نه تنها سیاست های مالی مانند بودجه بلکه همه سیاست ها باید در جهت کمک به حل این معضل باشند. به فرض مثال اگر دولت پیش بینی کند که در سال آینده یک میلیون شغل ایجاد خواهد کرد بر این اساس بودجه باید در راستای این موضوع و کمک به آن تبصره و برنامه باشد.

ایجاد اشتغال پیش از هر چیز نیاز به رونق تولید دارد و تولید هم به سرمایه گذاری های جدید. دولت می تواند به چند شکل در بودجه برای اشتغال زایی برنامه ریزی کند: ۱. سرمایه گذاری های زیربنایی شامل طرح های عمرانی که البته منظور از آن طرح های نیمه تمام عمرانی است. ۲. سرمایه گذاری های بخش خصوصی. ۳. شرکت های دولتی که از محل منابع خود به سرمایه گذاری بپردازد. این موضوع به بودجه مربوط می شود اما در مجلس چندان به آن توجهی نمی شود. ۴. ایجاد فضای مطلوب برای کسب و کار.

وقتی صحبت از بودجه می شود منظور این است که بودجه متوازن باشد یعنی هزینه ها با منابع برابری داشته باشند. در شرایطی

بودجه ابزار مهمی در تعیین وضعیت اقتصادی کشور است. بودجه ریزی تفکری منسجم از منابع مالی محدود در برابر نیازهای نامحدود است. لایحه بودجه شامل اهدافی است که یکی از آنها مطالعه و بررسی شرایط اقتصادی کشور در یک سال و پیش بینی آن برای تعیین سیاست ها و اولویت های کلی است؛ اینکه این سیاست ها کدام یک از بخش های کشور را در اولویت قرار می دهند تا تاثیر متفاوتی بر شاخص های اقتصادی کشور خواهد داشت. اولویت بندی این سیاست ها هر چه در جهت حل معضلات و مشکلات اصلی کشور باشد، بهبود وضعیت اقتصادی را سریع تر می کند. تعیین اولویت هر یک از برنامه ها و عملیات برای شناخت بهتر توسط دستگاه های اجرایی، مطالعه و بررسی در باره درآمدهای دولت در یک سال و پیش بینی این درآمدها، بر آورد هزینه برنامه ها و عملیات و پیش بینی هزینه برنامه ها و عملیات از دیگر محور های برنامه بودجه است. در حال حاضر سوال این است که چگونه از ابزار بودجه می توان در جهت بهبود وضعیت فعلی اقتصاد استفاده کرد و آیا این امر در لایحه بودجه ۹۵ تحقق یافته است یا خیر؟

■ حمیدرضا برادران شرکا، استاد دانشگاه:

لزوم کاهش تصدی گری دولت

در بحث سیاست های کلان سه سیاست اصلی مالی، پولی و تجاری وجود دارد. ابزار مهم سیاست های مالی، اول بودجه و دوم مالیات هاست. یکی از سیاست های کلانی که برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور می توان از آن کمک گرفت، سیاست های مالی است که مهم ترین آن هم بودجه است. اینکه این سیاست ها در بودجه سال ۹۵ در جهت بهبود اقتصاد جامعه است یا نه، باید منتظر ماند و دید، اما در کل به نظر من مهم ترین اولویت بودجه باید





که دولت کسری بودجه دارد از دوراه می توان آن را جبران کرد: ۱. اوراق مشارکت. ۲. استقرار از بانک مرکزی. به نظر من شیوه استقرار از بانک مرکزی موجب تورم می شود و من آن را توصیه نمی کنم اما حل کسری بودجه از طریق اوراق مشارکت امکان پذیر است به شرطی که دولت چندان بدهکار نشود. بودجه در کل یا صرف امور جاری یا صرف امور عمرانی می شود. طرح عمرانی نسبت به امور جاری اولویت دارد. با این شرایط که مهم ترین قسمت مورد توجه در این طرح ها باید تکمیل پروژه های نیمه تمام باشد. دولت برای کاهش امور و هزینه های جاری شامل حقوق، مزایا، دستمزدها و... باید اول تلاش کند خود را کوچک کند. بسیاری از فعالیت هایی که دولت انجام می دهد مربوط به بخش خصوصی و در واقع وظیفه آن است. در سیاست های کلی اصل ۴۴ نیز به این اشاره شده که دولت به جای تصدی گری به امور حاکمیتی که مهم ترین وظیفه آن است، بپردازد. بنابراین دولت باید تصدی گری را رها کند تا چابک تر شود. خلاصه اینکه توسعه بحث های عمرانی، کوچک شدن دولت برای کاهش هزینه های جاری و افزایش کارایی و چابکی دولت از اولویت های بودجه است.

■ مهدی تقوی، استاد بازنشسته دانشگاه:
تامین مالی سرمایه گذاری ها



بخشی از درآمد بودجه از طریق نفت تامین می شود و یک بخش دیگر آن از طریق مالیات، در بخش درآمدهای نفتی به علت کاهش قیمت نفت با افت مواجه بوده ایم. از طرفی در بخش مالیات ها هم به دلیل رکود حاکم بر کسب و کارها درآمد چندانی کسب نکرده ایم. بنابراین دوراه درآمدی دیگر برای دولت باقی می ماند: یکی فروش اوراق قرضه و دیگری استقرار از بانک مرکزی. از آنجایی که درآمد اصلی دولت بیش از هر چیز وابسته به نرخ دلار است، امید است با برجام قیمت آن پایین آید. آزادی ۲۲/۵۰ میلیارد دلار پول های بلو که شده نیز در گرو اجرای برجام است که مشخصا در تامین منابع مورد نیاز مالی در برنامه های بودجه اثر مطلوبی دارد. در واقع باید بگوییم شوک مثبت اقتصادی در واقع با برجام ایجاد می شود. در اقتصاد هر چقدر سرمایه گذاری مثل جاده سازی، ایجاد کارخانه ها، صنایع، خطوط هوایی و... بیشتر باشد، اشتغال و در نتیجه توسعه بیشتر می شود. یک سری از هزینه های کشور مثل خرید، خانه و ملزومات زندگی هزینه مصرفی نام دارد که توجه ما روی این بخش نیست بلکه بخش اساسی و قابل توجه هزینه های سرمایه ای است که در سرمایه گذاری ها به آن پرداخته می شود. برای سرمایه گذاری در کشور که ضرورتی انکار ناپذیر است نیاز به جایگزینی یک سری کالای سرمایه ای که فرسود شده مثل هواپیماها، ناوگان دریایی و... با کالای جدید با تکنولوژی روز وجود دارد که اگر این جایگزینی صورت گیرد، گام مهمی برای رشد کشور است. بنابراین تامین مالی سرمایه گذاری ها باید گام اساسی بودجه باشد.

اعم از عمرانی و جاری در حد درآمدها و بدون کسر بودجه تعیین و تصویب شود. تامین مالی زیرساخت های کشور در برنامه ریزی های بودجه به حل مشکلات بزرگی خواهد انجامید که مهم ترین آن حل بحران رکود است.

■ جمشید پژویان، استاد دانشگاه:
چرخش از اقتصاد کلان به سمت اقتصاد خرد



به طور کلی بودجه ابزاری برای سیاست گذاری نیست بلکه تراز است که می گوید کشور به چه مقدار هزینه ها و فعالیت ها نیاز دارد و درآمد متناسب با این هزینه ها تا چه اندازه باید باشد. در واقع منابع مالی در بودجه برای وظایف و عمده کارهای دولت نشان داده می شود. البته مشاوران، وزارتخانه ها و سازمان ها هم در این سیاست ها دخیل اند. آنچه در بودجه باید به آن توجه کرد مسائل اساسی کشور از قبیل اصلاح زیرساخت ها است. متأسفانه دولت در یک سری بحث های اقتصاد کلان ورود پیدا کرده در حالی که نیاز اقتصاد به مباحث خرد است. باید سیاست های ناکارآمد گذشته را با سیاست های کارآمد اصلاح کرد و بازارها را به سمت رقابتی شدن برد و اصلاح قیمت های نسبی نیز به صورت واقعی صورت بگیرد و تصمیم گیران اقتصادی و سیاست گذاران این حوزه به مسائل روز و ضروریات کشور تسلط داشته باشند.

■ علی قنبری، استاد دانشگاه:
شناخت مسیر انقباضی یا انبساطی بودجه



بودجه مهم ترین سند مالی و در واقع برنامه یک ساله دولت است که طبق قانون اساسی باید قبل از شروع سال مالی به تصویب مجلس برسد. یکی از مهم ترین مسائل این است که بدانیم بودجه بر اساس چه سیاست های انقباضی یا انبساطی قرار است به تصویب برسد. مسلماً بودجه در این مسیر نیازمند یک حرکت رو به جلو است تا بتواند به توسعه کشور بینجامد. در این مسیر توجه به زیرساخت ها، بحث های عمرانی و کوچک کردن دولت پیش روی بودجه است. در عین حال اصل تقدم درآمدها بر هزینه ها در بودجه خیلی مهم است. این اصل بدین معناست که در فرآیند بودجه ریزی ابتدا باید درآمدهای دولت به صورت مشخص، شفاف و دقیق از منابع مختلف و بر اساس شرایط کشور محاسبه و پیش بینی شود و بر آن اساس هزینه های دستگاه های اجرایی



دوستان صادرات ارز

نرخ ارز یکی از متغیرهای اساسی اقتصاد است که نوسانات آن تاثیر قابل توجهی بر شاخص‌های اقتصادی کشور دارد. این نرخ در واقع قیمت پول خارجی است که برای مبادلات میان کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نرخ ارز بر تمامی متغیرهای اقتصادی از جمله تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تورم تاثیر مستقیم و غیرمستقیمی دارد. هر چند تاثیر اولیه تغییر نرخ ارز را باید بر بخش بازرگانی خارجی و شاخص‌هایی مانند صادرات و واردات رصد کرد ولی این شاخص تاثیر بسزایی در ایجاد تورم در کشور و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها داشته و اتخاذ هر سیاستی درباره نرخ ارز باید با توجه به آثار آن بر افزایش قیمت‌ها با دقت و تامل کافی و همراه با ابزارهای ضد تورمی اتخاذ شود. البته اهداف سیاستگذاران اقتصادی، نقشی تعیین‌کننده در نحوه مدیریت نرخ ارز دارد. برای مثال اگر سیاستگذاران اقتصادی، نرخ ارز را به عنوان یک ابزار کنترل تورم هدف قرار دهند، طبیعی است که کنترل و تثبیت نرخ اسمی ارز و افزایش واردات را در دستور کار قرار خواهند داد. اما در مقابل، اگر سیاستگذاران اقتصادی افزایش تولید و بهبود تراز تجاری و تراز پرداخت‌ها را هدف قرار دهند، بر افزایش نرخ اسمی ارز تاکید خواهند کرد. بنابراین اهداف مورد نظر در سیاستگذاری نرخ ارز، نقش قابل توجهی در مدیریت و تعیین نرخ ارز ایفا می‌کند. یکی از موضوعات مهم در رابطه با این بحث تاثیر افزایش نرخ ارز بر تولید و تورم است. معمولا در شرایطی که اقتصاد کشور وابسته به کالاهای وارداتی چون مواد اولیه، سرمایه‌ای و واسطه‌ای برای تولید است، افزایش نرخ ارز باعث افزایش سطح قیمت‌ها و تشدید پدیده تورم در کشور می‌شود به همین دلیل است که برخی مخالفان افزایش نرخ ارز با توجه به آثار آن، معتقدند که رشد فزاینده ارز موجب انتقال تورم به داخل کشور خواهد شد. آنها معتقدند که در بحث نرخ ارز باید تخصیص ارز در باره کالاهای اساسی و کالاهای مورد نیاز بخش تولید با قیمتی ارزان باشد تا بتوان آثار تورمی ناشی از محدودیت‌های ارزی را کاهش داد. بنابراین به طور کلی با توجه به واقعیت‌های اقتصادی کشور و شرایط کنونی اقتصاد که رکود گریبان‌گیر بخش تولید و بنگاه‌های اقتصادی شده است، مدیریت نرخ ارز باید در جهت بهبود تراز تجاری غیر نفتی، بهبود وضعیت تولید و اشتغال، حفظ ذخایر ارزی، حفظ نظام تک‌نرخ ارز و حفظ ثبات در بازار ارز باشد از اینرو وضع مقررات ارزی برای ساماندهی بازار در راستای حمایت موثر از تولید و اکتفا نکردن به حرکت‌های شعاری امری ضروری است. در ادامه تاثیر افزایش نرخ ارز بر تولید و تورم را در گفتگو با کارشناسان بررسی می‌کنیم.

■ کاظم دوست حسینی، استاد دانشگاه:

در شرایط فعلی افزایش نرخ ارز اثر بخش است

یکی از موضوعاتی که همیشه در بحث‌های اقتصادی مطرح بوده، نرخ ارز و تاثیر آن بر تولید و صادرات است. رابطه نرخ ارز با تولید، صادرات و واردات خیلی وقت است که برای اقتصاددانان ثابت شده است. بر همین اساس بسیاری افزایش نرخ ارز را عامل مهمی برای تشویق صادرات می‌دانند و از آنجا که صادرات خود لکوموتیو اقتصادی است، تولید را نیز به حرکت در خواهد آورد. اینکه نرخ ارز باید کاهش پیدا کند یا افزایش، بیش از هر چیز بستگی به اقتصاد کشورها در وابستگی به واردات و صادرات دارد. معمولا کشورهایی که صادرات محور هستند، یعنی بیش از مصرف داخلی تولید و صادرات دارند، افزایش نرخ ارز به نفع آنها تمام می‌شود اما برعکس در کشورهایی که تمرکز عمده روی واردات است این موضوع نتیجه عکسی دارد و باعث افزایش هزینه‌ها و قیمت کالاهای داخلی می‌شود. در رابطه با کشور ایران باید گفت که ما معمولا دارای تراز مثبت بازرگانی بوده‌ایم و مازاد درآمدم ارزی نسبت به مصرف ارز داشته‌ایم اما





کمتر خواهد بود و دولت می‌تواند از منابع ارزی برای واردات مفید که واردات مواد اولیه و خام و نیز کالاهای سرمایه‌ای مثل ماشین‌آلات و تجهیزات است استفاده کند. افزایش درآمد و منابع مالی داخلی دولت می‌تواند به مصرف سرمایه‌گذاری داخلی کمک کند و در اختیار تولید کشور قرار گیرد تا هم تولید داخلی جایگزین واردات کالاهای مصرفی شود و هم حجم تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. در این شرایط، نیاز به واردات بی‌رویه کالا خصوصاً واردات کالاهایی که در داخل ظرفیت و توانایی تولید آنها وجود دارد، نخواهد بود. به‌طور کلی باید دانست که برای کشور ما که دچار محدودیت در منابع ارزی است، صادرات و واردات را باید به دو نوع خوب و بد تقسیم کرد. صادرات خوب صادرات کالاهای مصرفی است و صادرات بد صادرات مواد خام است. برعکس واردات خوب واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه و خام است. مشخص می‌شود که منظور ما از اتخاذ سیاست‌های تشویقی و تنبیهی توسط دولت، کاهش وابستگی به صادرات و واردات بد است.

■ ابوالحسن خلیلی، عضو هیات‌مدیره و دبیر خانه صنعت و معدن:

جبران نقصان تولید با صادرات

قیمت نرخ ارز به دو شکل بر اقتصاد اثر می‌گذارد. اول بخش صادرات است که هر چقدر نرخ ارز افزایش پیدا کند، رونق آن سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد و اشتیاق صادرکننده برای صادرات بیشتر می‌شود، همچنین توان کالای صادراتی را بالا خواهد برد و دوم تاثیر آن روی قیمت واردات مواد اولیه و خام مورد نیاز صنایع است. در این حالت افزایش نرخ ارز هزینه‌های تولید یک کالا و در نهایت قیمت تمام‌شده واردات را افزایش می‌دهد که این خود عاملی می‌شود برای اینکه روند رکود در جامعه همچنان ادامه داشته باشد. در شرایط کنونی که بنگاه‌های تولیدی در رکود به سر می‌برند، اگر افزایش نرخ ارز هزینه واردات کالای مورد نیاز آنها را بالا ببرد، به ضرر اقتصاد است و لازم است که آن را به دلیل کم کردن هزینه‌های تولید کاهش داد. به‌طور کلی یک راه‌حل اساسی برای این موضوع وجود دارد که صادرکننده بین صادرات و مصرف داخلی تعادلی ایجاد کند بدین معنا که اگر در نتیجه افزایش هزینه‌های تولید از پس مخارج آن بر نمی‌آید، بخشی از این نقصان و کمبود در بخش تولید را از طریق صادرات و بازار آن جبران کند و برعکس. در واقع به نوعی صادرات مکملی شود برای تولید داخل کشور.

برخلاف کشورهای اروپایی که محصولات تولیدی صادر می‌کنند، ما عموماً صادرکننده نفت بوده‌ایم که از ذخایر کشور است و تاکنون ۱۰۰ سال است که بودجه کشور وابسته به فروش آن بوده است. بنابراین افزایش نرخ ارز تاثیر مثبتی برای دولت در به دست آوردن درآمدهای حاصل از صادرات نفت دارد به طوری که درآمد بودجه هم از این طریق تامین می‌شود. مثلاً در سال‌های گذشته که ۴۰ میلیارد دلار درآمد از صادرات غیرنفتی و نیز درآمدهای ۱۰۰ دلاری از فروش هر بشکه نفت داشتیم کل مصارف ارزی ما حداکثر ۸۰ درصد کل درآمد ارزی بود که در این شرایط افزایش نرخ ارز کمک به ثروتمند شدن دولت می‌کرد. این ثروت به نوبه خود می‌توانست کمک بزرگی برای بخش تولید و نیازهای اساسی آن باشد. اکنون که درآمدهای نفتی ما با کاهش قیمت نفت کاهش یافته، باید ببینیم نیاز و مصرف ارزی برای واردات ما بیشتر است یا درآمدهای ارزی. اگر مصرف ارزی ما بیش از درآمد ارزی باشد مشخصاً افزایش نرخ ارز به ضرر اقتصاد کشور خواهد بود. بنابراین در حالی که در گذشته افزایش نرخ ارز به سود کشور بود اما اکنون افزایش یا کاهش آن بستگی به مازاد تراز تجاری خارجی چون صادرات یا واردات دارد. به هر حال به نظر می‌رسد برای اقتصاد کشور در حال حاضر افزایش نرخ ارز کمک بخش است چرا که دولت مقدار زیادی ذخیره ارزی دارد که می‌تواند برای تامین بودجه هزینه‌های ریالی از آن استفاده کند. فاکتور دیگر برای سنجش اثرگذاری افزایش نرخ ارز در اقتصاد، تفاوت نرخ سود سپرده بانکی در داخل و خارج از کشور است که می‌تواند مصرف و خروج ارز را کنترل یا آن را تشویق و تقویت کند. مثلاً اگر در داخل کشور سود بانکی ۲۰ درصد و در خارج ۴ درصد باشد، در صورت تثبیت نرخ ارز، خیلی‌ها به انگیزه سود بیشتر ارز خود را وارد کشور می‌سازند و پس از مدتی آن را دوباره تبدیل و خارج می‌کنند. به این موضوع خروج ارز و سرمایه‌گفته می‌شود که باعث می‌شود در بلندمدت ما مقدار زیادی از ذخایر ارزی خود را از دست بدهیم. به همین دلیل در برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی، برای جلوگیری از خروج ارز سعی شد که به تناسب تفاوت تورم داخل و خارج از کشور، ارز نیز گران شود تا مانع از خروج آن شویم.

باید دانست هر قدر دولت ثروتمندتر شود، توسعه اقتصادی سریع‌تر اتفاق می‌افتد. چند متغیر تولید، درآمد نفتی دولت و مالیات با ثروتمند شدن دولت رابطه مستقیمی دارند. هر چقدر فرار مالیاتی کمتر باشد و درآمدهای داخلی دولت بیشتر شود، نیاز به تبدیل منابع ارزی به ریال



اقتصاد ایران در دولت روحانی چینی تر شد

اشتغالزایی ۲۹ میلیارد دلاری



و عمیق اقتصاد ایران گرفته تا آمارهایی مبنی بر اشتغالزایی. البته این بار جنس آمارهای اشتغالزایی، روایتی از ایجاد شغل برای ایرانی‌ها نبود بلکه صحبت از اعداد و ارقامی به میان می‌آمد که حکایت از شغل‌های ماندگار و سودآور برای چشم بادامی‌های کره‌ای و چینی بود.

آن شب، حسن روحانی وقتی در قامت رئیس‌جمهور تازه کار و دیپلمات کهنه کار، جلوی لنز دوربین‌هایی قرار گرفت که مخاطبانش مردم ایران بودند، این گونه گفت: «دولت قبل شغل ایجاد کرد، اما برای چینی‌ها، در سال‌های اخیر، شغل زیاد درست کردیم، منتها برای چینی‌ها و کره‌ای‌ها مرتب شغل اضافه کردیم.» همین یک جمله کافی بود تا بازار تحلیل‌ها در این رابطه را گرم کند. کم‌کم موضوع داشت به دست فراموشی سپرده می‌شد که این بار، توپ انتقاد از اقتصاد چینی توسط دولت یازدهم، از جانب معاون اول به سمت چینی‌ها پرتاب شود.

این بار اسحاق جهانگیری، معاون اول حسن روحانی بود که کمتر از شش ماه از سخنان جنجال برانگیز رئیس‌کابینه یازدهم در مورد اشتغالزایی برای چینی‌ها، برگ دیگری را بر برای تأیید حرف‌های رئیس‌خود رو کرد. جهانگیری درست ۵ اردیبهشت ماه سال ۹۳، صحبت از اشتغالزایی ۷۰۰ میلیارد دلاری برای چینی‌ها با پول نفت ایران کرد.

جهانگیری گفت: «در دو دوره گذشته، ۷۰۰ میلیارد دلار پول مملکت خرج واردات

بر اساس آمارهای رسمی گمرک، اقتصاد ایران در دولت یازدهم چینی تر شده و اگر تعریف دولتمردان را در این باره ملاک قرار دهیم، تاکنون بالغ بر ۲۹ میلیارد دلار برای چشم بادامی‌ها اشتغالزایی شده است.

«اقتصاد ایران چینی تر شد» این قضاوتی است که آمارهای گمرک را پشتوانه خود دارد. کمتر کسی سخنان حسن روحانی، رئیس‌جمهور در صد روز ابتدای کار دولتش را فراموش کرده است. اولب به انتقاد از همتای خود در دولت دهم گشود و جملاتی را گفت که حداقل بعد از سال‌ها تجارت با چین، ملکه ذهن بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران و حتی مردم کوچه و بازار شد و البته یک گام هم در جهت منفی تر شدن ذهنیت مردم نسبت به کالاهای چینی بود.

■ روایت روحانی از اقتصاد چینی

آذر ۹۲ در یک شب سرد پاییزی، حسن روحانی چند ماه پیشتر نبود که بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زده بود اما حرف‌هایی زد که حداقل تا چند روز، تیتراژ داغ روزنامه‌ها شد. از ر کود شدید



سختی نفس می‌کشد و میزان واردات و صادرات کشور، با میزان رشد‌های در نظر گرفته شده برای آن همخوانی ندارد. دیگر کسی حرف از جهش صادراتی نمی‌زند. حتی حرف از این هم زده نمی‌شود که باید ارزش‌های کشور را در مسیر واردات، مدیریت کرد. آنگونه که آمار واردات کالا در ۸ ماهه منتهی به آبان ماه سال جاری نشان می‌دهد، میزان واردات از چین در این مدت که هنوز ۴ ماه از سال باقی مانده است، ۳ میلیارد و ۲۲۵ میلیون کیلوگرم بوده که ارزشی ۶ میلیارد و ۷۸۲ میلیون و ۴۲۶ هزار دلاری داشته است. پس حداقل در سال جاری، دولت یازدهم تا اینجای کار - اگر تعریف دولتمردان را مبنای قرار دهیم - حدود ۷ میلیارد دلار برای چشم بادامی‌ها اشتغالزایی کرده است. حسابی سرانگشتی نشان می‌دهد ۱۹۴۱۲۱۴ ۲۹۳۰ دلار معادل ۲۹ میلیارد و ۳۰۱ میلیون و ۹۴۱ هزار و ۲۱۴ دلار در طول عمر دولت یازدهم برای چینی‌ها اشتغالزایی شده است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که حجم تجارت خارجی ایران امسال در مجموع به دلیل شرایط خاص اقتصاد ایران و در انتظار بودن فعالان اقتصادی، کاهش یافته و همین امر سبب شده است که آمار و ارقام‌ها چندان بالا نباشد. در غیر این صورت، مدیریتی بر واردات صورت نگرفته و این دولت هم علیرغم انتقادات خود به هزینه کرد دلارهای نفتی برای واردات از چین، خود نیز راه گذشته را در پیش گرفته است. نکته قابل توجه اینکه آمار واردات ایران از چین ۸ ماهه است و هنوز ۴ ماه باقیمانده سال به آن اضافه نشده است. در این میان البته تجربه هم نشان می‌دهد که تجارت خارجی کشور در نیمه دوم هر سال رونق بیشتری می‌گیرد. بنابراین شاید باید انتظار داشت که میزان واردات کشور در نیمه دوم امسال هم اضافه شود؛ پس اگر این فرض درست باشد، چین که همچنان بزرگترین فروشنده کالا به ایران و البته به دنیا به شمار می‌رود، حتماً و حتماً سهم بیشتری از کیک بازار هدف وارداتی ایران خواهد داشت.

■ جدول مقایسه‌ای حجم و ارزش دلاری واردات کالا از چین

ردیف	سال	وزن (کیلوگرم)	ارزش ریالی	ارزش دلاری
۱	۹۰	۳۱۹۹۰۶۲۷۷۳	۸۱۲۷۵۲۲۲۰۶۵۶۱۴	۷۴۴۳۲۱۷۴۰۷
۲	۹۱	۳۵۴۷۷۶۲۸۸۲	۱۲۸۱۵۳۸۳۲۱۱۵۲۸۶	۸۱۸۱۴۴۲۸۸۴
۳	۹۲	۴۵۳۳۰۲۱۵۷۴	۲۴۲۸۲۷۲۵۵۳۳۸۲۸۶	۹۷۸۶۷۶۶۰۹
۴	۹۳	۵۵۱۶۳۶۰۶۸۰	۳۳۷۱۱۳۶۶۵۵۴۸۸۰۲	۱۲۷۳۲۷۴۷۱۴۷
۵	۸ ماهه ۹۴	۳۲۲۵۴۰۶۰۶۲	۱۹۷۵۳۲۴۶۷۵۵۸۳	۶۷۸۲۴۲۶۴۵۸

کالا به کشور شد، در دو دوره قبل پیش و پس از مصرف ۷۰۰ میلیارد دلار، تعداد شاغلین در کشور ۲۰ میلیون نفر بوده است و این به آن معناست که این میزان پول رفته و موجب اشتغال جوانان چینی و کشورهای دیگر شده است.»

■ روایت آماری جدید از اقتصاد چینی ایران

این تلنگر‌ها به اقتصاد ایران و زیر سؤال بردن‌ها هم نتوانست در اقتصاد ایران رادوا کرده و وابستگی آن را به چشم‌بادامی‌ها کمتر کند. حتی آمارهای رسمی دولت هم نمی‌تواند آن را پنهان کند. اقتصاد ایران اکنون «چینی‌تر» شده است. نمایه آماری گمرک جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نهاد رسمی آرایه آمار تجارت خارجی کشور، به خوبی این را گواهی می‌دهد. کافی است که نیم‌نگاهی به عدد و رقم‌های ثبت شده در سال‌های گذشته در واردات از چین که از آن تعبیر به اشتغالزایی برای چینی‌ها می‌شود، کنیم.

در سال ۹۰، حجم واردات جمهوری اسلامی ایران از کشور چین به لحاظ وزنی حدود ۳ میلیارد و ۱۹۹ میلیون کیلوگرم بوده که بابت آن، ۷ میلیارد و ۴۴۳ میلیون و ۲۱۷ هزار دلار از کشور خارج شده است، یعنی همان رقمی که برای چینی‌ها در این سال اشتغالزایی شده است. این رقم در سال ۹۱ به نحوی به ثبت رسید که میزان واردات ایران از این کشور به ۳ میلیارد و ۵۴۷ هزار کیلوگرم معادل ۸ میلیارد و ۱۸۱ میلیون و ۴۴۲ هزار دلار رسیده است؛ یعنی همان اعداد و ارقامی که دولت یازدهم از آن گلایه مند است. البته با احتساب ۷۰۰ میلیارد دلاری که معاون اول از آن سخن به میان آورده، یعنی کل پول نفت ایران صرف واردات از چین شده است.

اما همین آمارهای واردات در دو سال و چند ماهی که دولت یازدهم، کلیددار امور اجرایی کشور شده است، هم حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. آمار واردات از چین بر طبق اعلام رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران در سال ۹۲ به لحاظ وزنی ۴ میلیارد و ۵۳۳ میلیون کیلوگرم بوده که ارزشی ۹ میلیارد و ۷۸۶ میلیون و ۷۶۷ هزار دلاری داشته است. اگر همین ارقام را برای واردات سال ۹۳ در نظر بگیریم، نشان می‌دهد که میزان واردات از چین در این سال به لحاظ وزنی معادل ۵ میلیارد و ۵۱۶ میلیون کیلوگرم بوده که همین میزان سبب شده تا ۱۲ میلیارد و ۷۳۲ میلیون و ۷۴۷ هزار دلار از کشور خارج شود.

■ اشتغالزایی ۶.۷ میلیارد دلاری برای

چینی‌ها در ۸ ماه

در این میان، شاید بیشترین آماری که تامل در آن، اقتصاد چینی‌تر شده ایران را در دو سال اخیر نمایان می‌کند، گزارش ۸ ماهه منتهی به آبان سال ۹۴ است. سالی است که تجارت خارجی ایران به





آثار کاهش قیمت نفت بر اقتصاد

فرصت‌های اقتصادی نفت ارزان

بهای قیمت نفت از ۱۰۰ دلار در سال‌های گذشته به ۳۰ دلار کاهش یافته است و حتی شاید از این مقدار نیز پایین‌تر بیاید. در لایحه بودجه سال ۹۵ که در روزهای آتی به مجلس تقدیم می‌شود، قیمت هر بشکه نفت ۳۵ دلار پیش‌بینی شده است که یک دوم درآمد دولت در سال ۹۲ است. طبیعی است بازتاب این شرایط، کسری بودجه و کاهش سهم پرداخت‌های دولت به بخش‌های مختلف کشور مانند پروژه‌های عمرانی باشد که در سال‌های شوک مثبت و منفی نفتی در کشور آن را ملاحظه کردیم.

تا پیش از این اقتصاد کشور وابسته به درآمدهای نفتی بوده است و این وابستگی با سهم ۹ درصدی ایران از مجموعه ذخایر نفت جهان، بیشتر خود را نشان می‌دهد. افزایش قیمت نفت خام در سال‌های اخیر وابستگی اقتصاد به نفت را به شدت افزایش داده است به طوری که بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ میزان استفاده از درآمدهای نفتی در بودجه و در نتیجه وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی به شدت افزایش یافته است. طی دو سال گذشته به دلیل اعمال تحریم‌ها بر صناعت نفت، وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی باعث آسیب‌پذیری بیش از پیش اقتصاد کشور در مقابل تحریم‌های بین‌المللی شد. از آنجایی که بخش بزرگی از درآمدهای دولت در بخش سرمایه‌گذاری در صناعت نفت هزینه می‌شود زمانی که پروژه‌های نفتی با مشکل مواجه شوند، بقیه صنایع رانیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. از طرفی کاهش منابع مالی بودجه در نتیجه کاهش قیمت نفت، سرمایه‌گذاری در صناعت نفت و به تبع آن سرمایه‌گذاری در سایر صنایع را کاهش می‌دهد و این امر مشکلات عدیده‌ای را برای اقتصاد کشور به وجود می‌آورد که نمونه آن عدم کنترل نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی، گسترش پدیده تورم و افت ذخایر ارزی خارجی است. همچنین افت بهای نفت در بازارهای جهانی بر طرح‌های اقتصادی دولت تأثیر خواهد گذاشت چرا که درآمدهای دولت را کاهش می‌دهد و در نتیجه تکمیل و اجرای پروژه‌های عمرانی را با مشکل مواجه می‌سازد. تجربه نشان می‌دهد هرگاه کشور از درآمدهای ارزی حاصل از نفت به میزان مناسبی برخوردار بوده و از آن درآمدها بهترین استفاده را برای زیربنای بخش‌های تولیدی کرده از رشد اقتصادی مناسبی نیز برخوردار شده است و به همین ترتیب سایر بخش‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. بحث را با کارشناسان ادامه می‌دهیم.



■ احمد پورفلاح، نماینده بخش خصوصی در شورای گفتگو:

ناوگان تولید را به حرکت در آوریم سال‌های طولانی است که بحث خروج از اقتصاد تک‌محصولی در شعارها می‌آید اما عملاً برای آن هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد. همین بی‌توجهی‌ها و عمل نکردن‌ها باعث شده صادرات ما در حد وارداتمان قرار بگیرد. این نشان می‌دهد که ما گرچه ظرفیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد را داشته‌ایم اما به دلیل غفلت از آن باید نگران کاهش قیمت نفت باشیم یا کاهش آن تن ما را بلرزاند و مجبور شویم در این شرایط، بودجه‌ای که انقباضی است را انبساطی کنیم. هر کشور برای توسعه نیاز به منابعی دارد. کشوری که عاقلانه عمل می‌کند، سعی می‌کند بر اساس نعمت‌های طبیعی امور اقتصادی خود را بچرخاند مثلاً درآمد خود را از ظرفیت‌های گردشگری تامین می‌کند یا از معادن، امور دانش‌بنیان و استفاده از هوشمندی مردم، مابرای سرمایه‌گذاری فرصت‌های زیادی را از دست داده‌ایم و حتی از کشورهای حاشیه خلیج فارس که از درآمدهای نفتی برای بهبود اوضاع داخلی اقتصاد کشور و سرمایه‌گذاری استفاده کرده‌اند، عقب مانده‌ایم و نهایتاً باز دست دادن فرصت‌های گذشته در





■ ابوالقاسم عربیون، استاد دانشگاه: انتقال مدیریت به نخبگان

باید بدانیم مشکل از آنجا شروع می‌شود که ما خود را درگیر درآمدهای زیاد ناشی از نفت کردیم و بیش از حد به آن غره شدید و آنجا که لازم بود در سایه بخش‌های تکمیلی و درآمدی در کنار نفت برای خود مامنی بسازیم، آن را شمشیر تیزی کرده و لبه تیز آن را به دست دشمنانمان سپردیم. اینک همه می‌دانند نقطه ضعف ما کجاست



و پای اقتصاد ما را چه چیزی فلج کرده است. این است که کاهش قیمت نفت وسیله‌ای می‌شود تا ضربان قلب اقتصاد را بیشتر کند و ترس ما از کمبود درآمدهای کشور را دو برابر سازد. در همه جای دنیا بازارهای پول و سرمایه مستقل از هم و توأم با هم عمل می‌کنند اما در کشور ما این دو بخش تابع منابع دولتی هستند. بنابراین هرگونه نوساناتی در قیمت نفت اوضاع این بازارها را متحول می‌سازد. کاهش قیمت حاصل از فروش نفت به معنی کاهش درآمدهای دولت است که بر نفت استوار شده. بنابراین در این شرایط، دولت در بلاتکلیفی تامین هزینه‌های بودجه که بخش مهمی از رسالت وی است، سرگردان می‌ماند و با کسری شدید بودجه مواجه می‌شود. طبیعی است که در این صورت برای جایگزینی درآمدهای نفتی نمی‌توان به یک‌باره انتظار رسیدن به یک منبع درآمدی با برخی برنامه‌های کوتاه‌مدت را داشت. اقتصاد نیاز به طی کردن مسیری منظم، بلندمدت و با یک جهش منطقی دارد. چگونه می‌توان سالیان سال کوتاهی خود در وابستگی به درآمدهای نفتی را در مدتی چون یک ماه یا حتی یک سال جبران کرد؟ حالا که ناچاریم دست خود را به سوی سایر منابع درآمدی دراز می‌کنیم، واقعا کوه‌بینانه است گمان کنیم که جایگزین‌های درآمدی با شرایط فعلی اقتصاد دست ما را در نمی‌کنند. اقتصاد یک چرخه و یک سیستم است. نمی‌شود صد جزء را رها کرد و به یک جزء دیگر پرداخت. هر متغیر اقتصادی اثراتی بر کشور دارد که این اثرات خود دارای پیامدهای متعددی هستند و مانند یک سیر صعودی هندسی هر چقدر پیش می‌روند اثرات بیشتری از خود بر جای می‌گذارند. مثلا اگر اقتصاد فقیر است روز به روز فقیرتر می‌شود. بنابراین باید برگردیم و این بار به‌طور واقعی داشته‌های خود را باور کنیم و به ذخایر انسانی که هر کدام می‌توانند سرمایه‌ای بزرگ و حتی بسیار بزرگ‌تر از سرمایه نفتی باشند، تکیه کنیم. می‌توانیم به جای صادرات ذخیره نفتی کشور فکر، اندیشه و دانش خود را به دنیا صادر کنیم و مانند کشورهای نوآور دنیا قشر خاکستری مغز آدم‌ها پیکری تنومند از اقتصاد بسازیم. در این راه لازم است مدیریت جامعه را به نخبگان منتقل کنیم که این تنها شرط لازم و اولیه برای تحقق توسعه کشور مبتنی بر دانایی محوری یا دانش‌بنیانی است.

شرایط حساس کنونی قرار گرفتیم که دولت مجبور است به فکر پرداخت بدهی‌های سنگین خود باشد. میزان بارانه‌ها از بودجه نفتی کنونی هم بیشتر شده است و بدنه سنگین دولت با میزان بسیار زیاد کارکنان و حقوق بگیران هم بر سنگینی هزینه‌های دولت در سال جاری می‌افزاید که اضافه بر آن هزینه‌های شرکت‌های سهام عمومی است که درآمد دولت کفاف آن را نمی‌دهد. به هر حال هنوز سایه شوم تحریم‌ها از اقتصاد برداشته نشده با اینکه مدام می‌گوییم به زودی برداشته می‌شود. من با تجربه‌ای که از ریاست در ادوار مختلف کمیسیون صنایع داشته‌ام، می‌گویم به فرض برداشتن تحریم‌ها بیشتر از ۳۵ درصد از مشکلات اقتصادی کشور حل نخواهد شد.

مشکلات ما ساختاری و ریشه‌ای است. مثلا ۱۰ سال پیش که تحریم نبود آیا ما در وضعیت تولید شرایط مناسبی داشتیم؟ آیا محیط کسب و کار ما رونق داشت؟ آیا آن موقع سرمایه‌گذاری خارجی داشتیم؟ در آن زمان حتی سرمایه‌گذاری داخلی در کمترین حد خود بود و به کمترین میزان از استانداردهای بین‌المللی نمی‌رسید. اکنون نیز نباید دست روی دست گذاشت تا شرایط بدتر شود. ما توانمندی‌های بسیاری داریم که مغفول مانده که باید با هوشیاری از آنها برای آینده درس بگیریم و منابعی که داریم را هدر ندهیم. رقم‌های ناچیزی در فولاد مبارکه، ذوب آهن و مس سرمایه‌گذاری کردیم اما حالا می‌بینیم بازدهی آنها به اندازه‌ای است که از نظر درآمدی و اشتغال به مردم کمک بسیاری کرده است. زمانی برای عده‌ای این سخن که «راهی نداریم مگر اینکه از مسیر تولید عبور کنیم» زیاد خواهی بود در حالی که کشوری مانند چین با تکیه بر همین تولید اکنون اقتصاد خود را به رخ دنیا می‌کشد. هنوز هم دیر نیست باید دست به دست هم دهیم تا کمبودها را جبران کنیم. مزیت‌های مغفول شده بسیاری وجود دارد که یک نمونه آن گردشگری است. در سال ۲۰۱۴ گردشگران ۱۵۰۰ میلیارد دلار برای گردشگری هزینه کردند که سهم ما از آن در حالت خوش بینانه ۵ میلیون دلار و در حالت بدبینانه ۳ میلیون دلار بود که این هم البته مربوط به گردشگری زبارتی بود. با وجودی که در سایر بخش‌های گردشگری چون تاریخی، فرهنگی، ورزشی و... ظرفیت‌های کمی نداریم اما نتوانستیم از این فرصت‌ها استفاده کنیم و سهم خود از گردشگری را هماهنگ با ظرفیت‌های خود بسازیم. امیدواریم در این سال ناوگان تولیدی کشور که بر اساس آمارها تنها ۵۰ درصد آن فعال است و از این ۵۰ درصد میانگین بازدهی هم ۵۰ درصد است را به حرکت درآوریم. در نتیجه رکود کشور، بسیاری از کارگران بیکار شده‌اند. اکنون تعداد معتادان نسبت به قبل ۱۰ برابر شده است. البته نمی‌خواهیم اعتیاد را به این کارگران بیکار شده نسبت دهیم اما برخی مواقع که فرد از کار بیکار می‌شود و نمی‌تواند نیاز خانواده خود را تامین کند برای دادن آرامش تصنعی به خود مجبور به هر کاری می‌شود. اما هنوز هم فرصت باقی است و برای رفتن در مسیر رشد اقتصادی دیر نشده است. مانپروی تحصیل کرده زیادی داریم و از نظر موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی منطقه‌ای مناسب هستیم. اگر اندکی در مدیریت منابع انسانی تغییر ایجاد کنیم، گره از مشکلات باز می‌شود. دولت حاضر تلاش زیادی برای کنترل تورم کرد و موفق هم شد و توانست تورم ۴۵ درصدی را به ۱۵ درصد برساند اما در عوض رکود بالا رفت. نباید از تورم ۲۵ درصدی ترسید چرا که اگر این تورم ناشی از هدایت منابع به سمت تولید باشد، هیچ جایی برای نگرانی از تورم نیست، مثل تورم بالا در ترکیه، روسیه و برزیل. بنابراین در سایه یک مدیریت خوب و هدایت منابع به بخش سودآور و مولد که می‌تواند شامل خدمات، فکر و اندیشه هم باشد، می‌توان کشور را از نگرانی کاهش قیمت نفت و تبعات منفی آن دور کرد.



۶ روشی که شاید به شغل برسید

جزئیات سونامی ۲/۲ میلیون تقاضای کار

۲/۲ میلیون نفر به دنبال بند «پ»

نتایج مطالعه وزارت کار نشان می‌دهد به ۶ روش می‌توان به دنبال کار بود و یا شغل خود را تغییر داد؛ با این وجود، ۲۰۲ میلیون کارجو اعتقاد دارند راه مطمئنی جز پارتی‌بازی برای یافتن شغل وجود ندارد!

کارشناسان می‌گویند بازار کار ایران از جزئی‌ترین تا بالاترین سطوح شغلی اش روش‌های عجیب و غریبی دارد و نوعی نگاه در تمامی بخش‌های آن وجود دارد. اینکه خیلی‌ها دنبال یک آشنا هستند تا کاری برای خود دست و پا کنند، موضوعی نیست که بتوان آن را پنهان کرد.

فعالان این حوزه می‌گویند به دلیل نبود مکانیزم‌های روشن، دور زدن قوانین کار و نگاه صرف به منافع شخصی؛ تمایل برخی به تضمین حقوق خود به قیمت ضایع شدن حقوق دیگران، تمایل پارتی‌بازی و آشنابازی در کارها حتی در دولت‌ها و گرایش کارفرمایان بخش خصوصی به جذب نیروهای آشنا به جای توجه به مهارت و تخصص افراد و متعاقباً واگذاری مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها به آشنایان به جای متخصصان؛ مسائلی است که نشان دهنده یک بازار کار رانتی است.

بازار کاری که در بیشتر مواقع به جای توجه به تخصص و مهارت به آشنابازی و پارتی‌بازی توجه دارد؛ درست مانند مدیرانی که در بخش‌های مختلف در حال فعالیت بوده و در تمام دوره‌های مدیریتی خود، دستکم چند نفر را به صورت ثابت با خودشان جا به جایی می‌کنند. آنها هر جا که مسئولیت بگیرند، عده‌ای را با خود همراه می‌کنند و می‌گویند نمی‌توانند به غریبه‌ها درباره واگذاری مسئولیت‌ها و امور اعتماد کنند!

■ آینده شغلی فارغ‌التحصیلان روشن نیست

رواج و توسعه این نگاه در بخش‌های مختلف بازار کار ایران در طول دهه‌های متعددی باعث شده تا امروز در شرایطی به سر برسیم که ۳۶ درصد کل تقاضاهای کار در ایران از طریق آشنایان، دوستان و پارتی‌بازی پیش برود. برخی می‌گویند اگر بتوانید خودتان را به مدیران نزدیک کنید، مطمئناً پله‌های ترقی را یک شبه طی خواهید کرد و گرنه که نه تخصص به کارتان خواهد آمد، نه تحصیلات و نه مهارت، حتی انگیزه کار و تعهد، دلسوزی و مقوله‌هایی از این دست نیز به کارتان نمی‌آید.

متأسفانه وجود چنین مناسبت‌هایی در اشتغال جوانان باعث شده تا هزاران جوان فارغ‌التحصیل دانشگاهی امروز نه تنها از بیکاری و آینده مبهم خود نگران باشند، بلکه دلخوری‌هایی نیز از وجود چنین رویه‌هایی در بازار کار ایران داشته باشند. آنها می‌گویند مشکل بیکاری یکطرفه و موضوع نداشتن دوست و آشنا برای یافتن کار هم یک مشکل جدید.

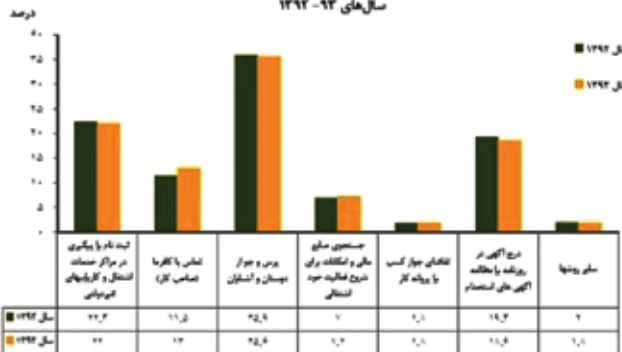
گاهی به جدیدترین گزارش وزارت کار از روش‌های جستجوی کار در ایران نشان می‌دهد که تلاش برای یافتن شغل از طریق معرفی دوستان و آشنایان فعلاً بالاترین درصد طرفدار در بین جویندگان شغل را دارد؛ پس از آن ثبت نام در مراکز خدمات اشتغال و کاربایی‌های غیر دولتی نیز ۲۲.۴ درصد طرفدار دارد و پس از آن نیز افراد به سراغ مطالعه آگهی‌های استخدام درج شده در روزنامه‌ها می‌روند و این روش کاربایی ۱۹.۴ درصد طرفدار دارد.

اطلاعات انجام شده برای جستجوی کار توسط بیکاران ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب جنس و به تفکیک نوع اقدام طی سال‌های ۱۳۹۲-۹۳

سال ۱۳۹۲		سال ۱۳۹۳		نوع اقدام
نفر	درصد	نفر	درصد	
۱۳۳۱۳۷	۱۳.۳	۱۳۳۱۳۷	۱۳.۳	ثبت نام یا بیکاری در مراکز خدمات اشتغال و کاربایی‌های غیردولتی
۱۵۳۵۱۱	۱۵.۳	۱۵۳۵۱۱	۱۵.۳	تماس با کارفرما (صاحب کار)
۲۵۵۲۳۸	۲۵.۵	۲۵۵۲۳۸	۲۵.۵	پرس و جو از دوستان و آشنایان
۳۵۳۱۳۷	۳۵.۳	۳۵۳۱۳۷	۳۵.۳	جستجوی منابع مالی و امکانات برای شروع فعالیت خود اشتغالی
۴۵۳۱۳۷	۴۵.۳	۴۵۳۱۳۷	۴۵.۳	تقاضای جواز کسب یا پروانه کار
۵۵۳۱۳۷	۵۵.۳	۵۵۳۱۳۷	۵۵.۳	درج آگهی در روزنامه یا مطالعه آگهی‌های استخدام سایر روزها

* دانشجویان می‌توانستند به بیش از یک گزینه اشاره کنند. اختلاف در مجموع ناشی از گرد کردن است. مآخذ: نتایج سرشماری نیروی کار - مرکز آمار ایران

اطلاعات انجام شده برای جستجوی کار توسط بیکاران ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک نوع اقدام سال‌های ۱۳۹۲-۹۳





■ تماس مستقیم ۸۰۹ هزار کارجو با کارفرمایان

۱۱.۵ درصد از طریق تماس مستقیم با کارفرما دنبال کار می‌گردند و ۱.۸ درصد افراد هم تقاضای جواز کسب و پروانه کار می‌کنند. ۷ درصد کارجویان هم به دنبال جستجوی منابع مالی برای شروع فعالیت خوداشتغالی هستند. ۲ درصد از ۶ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۲۶۲ نفری که در سال گذشته به دنبال یافتن شغل و یا تغییر کار خود بودند هم از روش‌های دیگری دنبال کار بوده‌اند.

طبق آمارهای موجود در سال ۹۳، یک میلیون و ۳۷۷ هزار نفر در سال گذشته از طریق کاربایی‌ها، ۸۰۹ هزار نفر از طریق تماس با کارفرما، ۲ میلیون و ۲۲۲ هزار نفر از طریق پارتی بازی، ۴۵۰ هزار نفر از روش خوداشتغالی، ۱۱۵ هزار نفر تقاضای پروانه کار، یک میلیون و ۱۵۹ هزار نفر با مطالعه آگهی‌های استخدام و ۱۱۳ هزار نفر هم از روش‌های دیگری به دنبال کار رفته‌اند.

۶۵۵ هزار زن و یک میلیون و ۵۶۶ هزار مرد در سال گذشته به دنبال پارتی و آشنا بازی برای کار بودند؛ در عین حال در سال ۹۲ نیز یک میلیون و ۴۹۱ هزار مرد و ۶۴۱ هزار زن چنین روشی را دنبال کرده‌اند. ۸۳۱ هزار مرد و ۵۴۶ هزار زن نیز در کاربایی‌ها ثبت نام کردند.

دلایلی را که باعث می‌شود تا ۲.۲ میلیون نفر در سال گذشته برای یافتن کار به دنبال پارتی بروند را می‌توان اینگونه دانست که به دلیل نامتعادل بودن عرضه و تقاضای نیروی کار و همچنین عدم وجود مکانیزم‌های بازار کار، برخی مجبور می‌شوند برای فرار از بیکاری و دستیابی به یک فرصت شغلی به دنبال پارتی بروند.

اطمینان شغلی، موضوع مهمی است که برای افراد دغدغه است و در سال‌های گذشته به دلیل بروز شرایط بحرانی اقتصادی، بخش‌های دولتی و شبه دولتی فعال شده و بخش خصوصی به حاشیه رفتند؛ بنابراین بنگاه‌داری دولتی باعث گسترش فضای رانت و پارتی بازی برای جویندگان شغل می‌شود.

به دلیل شرایط خاصی که فعالیت در بنگاه‌های دولتی و شبه دولتی دارد، مکانیسم ورود به این فضاها برای اشتغال، استفاده از پارتی بازی و روابط است. در این رابطه راه این است که دولت کوچک شده و کارها به بخش خصوصی سپرده شود.

■ جذب نیروهای آشنا در بازار کار

هم‌اکنون بالاترین نرخ بیکاری مربوط به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است و این گروه‌ها به دنبال دستمزد خوب هستند که در بخش خصوصی نیست و به ناچار به دنبال بخش دولتی می‌روند. همچنین افراد به دنبال شغل ثابت و آینده مطمئن هستند و اینها از دغدغه‌هایی است که نیروی کار را درگیر خود می‌کند. امروز نه تنها در بخش دولتی شرایط خاصی برای اشتغال افراد وجود دارد و رانت و ارتباط تاثیرگذار است، بلکه کارفرمایان خصوصی نیز دغدغه جذب نیروهای آشنا و معرفی شده را دارند، بنابراین گرایش بخش خصوصی و کارفرمایان برای استفاده از نیروهای آشنا و معرفی شده و همچنین شرایط خاص اشتغال در بخش دولتی، جویندگان شغل را مجبور می‌کند تا به دنبال پارتی برای شغل بروند.



آمارها نشان می‌دهند نابرابری فرصت‌های دستیابی جوانان به اشتغال، نه تنها باعث شکاف بیش از ۱۰ درصدی نرخ بیکاری استان‌ها شده بلکه ۱.۳ میلیون نفر را هم مجبور کرده تا برای یافتن کار مهاجرت کنند.

یکی از راهکارهای جستجوی شغل این است که افراد به مناطق دیگر کوچ کنند. به عبارتی، اگر در منطقه‌ای از کشور بنا به دلایل جغرافیایی، طبیعی و یا حتی سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته؛ اوضاع بهتری برای اشتغال وجود دارد، برخی افراد مجبور می‌شوند از خانه و کاشانه خود کوچ و بعضاً چند هزار کیلومتر راه را در جستجوی یک کار مناسب پیمایند.

در ایران به دلیل فاصله بیش از ۱۰ درصدی نرخ بیکاری بین استان‌ها، این مسئله نمود دارد و معمولاً بسیاری از جوانان جویای کار مناطق کمتر برخوردار مجبور می‌شوند برای آینده‌ای بهتر و جستجوی شغل به سایر مناطق کشور بروند. اینگونه می‌شود که می‌بینیم جوانانی از شمال کشور به مناطق نفت خیز جنوب می‌روند، افرادی از غرب و شرق کشور به امید کار بهتر راهی پایتخت و یا سایر کلانشهرها می‌شوند و این جریان ورود و خروج نیروی کار در شهرهای مختلف کشور ادامه دارد. البته به عقیده کارشناسان بازار کار، جا به جایی نیروی کار در بین مناطق مختلف کشور فی‌نفسه چیز بدی نیست و اصلاً شاید مورد نیاز هم باشد. اینکه تلاش شود نیروی کار در منطقه خود بماند در نهایت باعث کمبود برخی تخصص‌ها در یک منطقه و انباشت برخی تخصص‌ها و مهارت‌ها در سایر مناطق می‌شود.

■ تهران؛ آب شهری فقط برای کار

بنابراین اصل مهاجرت و کوچ نیروی کار برای جستجوی شغل پذیرفتنی است اما مسئله این است که سال‌ها سیاست‌گذاری و تلاش دولت‌ها نتوانسته منجر به توزیع عادلانه ثروت، موقعیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق مختلف کشور شود. این می‌شود که در برخی مناطق کشور، جوانان زمینه‌ای برای کار ندارند و در برخی مناطق دیر، فرصت‌های بهتری در اختیار جوانان قرار می‌گیرد.

کارشناسان می‌گویند وقتی بیش از ۱۰ درصد فاصله نرخ بیکاری بین استان‌ها وجود دارد، یعنی اینکه سیاست‌گذاری‌ها مناسب نبوده و باعث شده تا سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه‌ای از کشور رقابت کنند و برای حضور در بخش‌های دیگر، تمایلی نشان ندهند، بنابراین در چنین فضایی، هیچ راهی غیر از مهاجرت و کوچ به ویژه برای جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها باقی نمی‌ماند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین میزان مهاجرت نیروی کار در ایران از مناطق کمتر برخوردار و یا خالی از موقعیت‌های شغلی به سمت کلانشهرها و مراکز اقتصادی و سیاسی کشور است، بنابراین باید گفت تهران یک زمینه بسیار مستعد برای ورود دائم و بدون توقف مهاجران به ویژه در بخش جستجو برای کار باشد.

نتایج یک مطالعه در وزارت کار نشان می‌دهد کلانشهرها دارای جذابیت‌کشی برای ورود مهاجران بوده که برخی از دلایل آن به نقش و جایگاه کلانشهرها در جمعیت، تولید، اقتصاد، تأمین نیروی کار، ارائه‌الگوهای سبک زندگی و مواردی از این دست برمی‌گردد.

از سویی مهاجران با هدف به حداکثر رساندن منافع و بازده

اقتصادی دست به مهاجرت شغلی می‌زنند و با وجود اینکه هزینه‌های زندگی در کلانشهرها بالا است اما مهاجران ترجیح می‌دهند به منظور دستیابی به درآمد و رفاه بیشتر اقدام به مهاجرت کنند.

■ مهاجرپذیرترین شهرهای کشور

موضوع اشتغال و بیکاری نیروی کار در ایران یکی از مسائلی است که در چند دهه گذشته، بازار کار کشور را با خود درگیر کرده و هزاران نفر با هدف و رویای یافتن شغل و یا شغل بهتر و متعاقب آن دستیابی به سطح بالاتری از زندگی به ناچار اقامتگاه خود را ترک کرده و به شهرهای اطراف و یا کلانشهرها مهاجرت کنند.

آمارها نشان می‌دهد یک سوم کل مهاجرت‌های صورت گرفته به کلانشهرهای ایران تنها به دلیل جستجوی شغل بوده و تهران به دلیل ویژگی‌های خاص سیاسی و اقتصادی و تمرکز بسیاری از نیازهای روز زندگی، جذاب‌ترین و بهترین شهری است که مهاجران ترجیح می‌دهند برای کار به آنجا بروند.

بر اساس آمارهای موجود و تحلیل‌های ارائه شده از سوی مرکز آمار وزارت کار، ۷۸.۱ درصد کل مهاجرت‌های صورت گرفته به کلانشهر ۸.۵ میلیون نفری تهران برای شغل بوده و در این بین ۱۴۳ درصد مهاجرت‌ها به اصفهان، ۱۸.۳ درصد به اهواز، ۱۴.۲ درصد به تبریز، ۱۴.۵ درصد به شیراز، ۱۳.۲ درصد به قم، ۱۴.۴ درصد به کرج و ۱۹.۲ درصد هم به مشهد صرفاً به دلیل شغل بوده است.

مهاجرت برای کار حتی باعث افزایش نرخ بیکاری در کلانشهرهای کشور نیز شده و وزارت کار معتقد است اگر مهاجران جستجوی شغل در کلانشهرها را متوقف کنند، دستکم ۲ درصد از نرخ بیکاری در این شهرها کاسته می‌شود.

به عنوان نمونه در صورت حل مسئله مهاجرت‌های شغلی در اصفهان نرخ بیکاری از ۱۴.۴ درصد به ۱۲.۸ درصد، در اهواز از ۲۵.۲ درصد به ۲۳.۷ درصد، تهران از ۱۳.۵ به ۱۱.۲ درصد و در تبریز نیز از ۱۳.۴ درصد به ۱۲.۵ درصد کاهش خواهد یافت، همچنین این کاهش در مورد شیراز از ۱۸.۳ درصد به ۱۶.۲ درصد، در قم از ۱۱.۶ به ۱۰ درصد، در کرج از ۱۷.۲ به ۱۳.۸ درصد و در مشهد نیز از ۱۱.۰۹ درصد تک‌رقمی شده و به ۸.۹ درصد کاهش می‌یابد.

جذاب‌ترین شهر برای بیکاران کجاست؟

۸ شهر مورد علاقه مهاجران؛

کوچ ۱.۳ میلیون نفر برای کار



مشغل پر طرفدار آینده چیست؟

مشاغل مرتبط با مقوله امنیت در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد مزیت‌های رقابتی در کسب و کارهای نوین، در صدر فهرست شغل‌های پرطرفدار سال‌های آینده قرار دارند. اطلاع از مشاغلی که در آینده بازار کار بهتر و بیشتری دارند به همه ما خصوصاً آن دسته افرادی که در آستانه انتخاب رشته تحصیلی هستند، کمک می‌کند تا با اولویت‌بندی علایق، توانایی‌ها و البته ظرفیت‌های بازار کار دست به گزینش رشته تحصیلی بزنیم یا برای افزایش دانش و توانمندی‌های خود در حوزه‌های مورد نیاز بازار کار سرمایه‌گذاری کنیم. دوره‌های آموزشی ببینیم یا مطالعاتمان را افزایش دهیم. با گسترش زندگی دیجیتال، خطر احتمال سرقت اطلاعات و شکسته شدن حریم شخصی افراد نیز افزایش پیدا کرده است. به همین خاطر افرادی که دارای توانایی و دانش لازم در زمینه ارتقای امنیت در حوزه آی‌تی و حفظ حریم امن شرکت‌ها، کسب و کارها و حتی افراد باشند، از شانس بیشتری برای یافتن شغل مناسب و پردرآمد برخوردار خواهند بود.

■ **متخصصان گردآوری اطلاعات شخصی، به شکل دیجیتالی**
این افرادی توانند مجموعه‌ای از اپلیکیشن‌ها، نرم‌افزارها، سخت‌افزارها و منابع اطلاعاتی مرتبط با مسائل شخصی یا کاری را به کار گیرند و در مدیریت و استفاده از آن‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی سرویس دهند.

■ **مشاوران حفظ حریم خصوصی**
این مشاوران نقاط آسیب‌پذیر یا در واقع حفره‌های امنیت شخصی حوزه‌های دیجیتالی و اینترنتی را شناسایی می‌کنند و راه‌های پرکردن آن‌ها را آموزش می‌دهند.

■ **روانشناسان متخصص حوزه زندگی در عصر ارتباطات**
تا به حال خیلی شنیده‌ایم که زندگی در دوران دیجیتال و استفاده از ابزارهای ارتباطی مانند گوشی‌های تلفن همراه هوشمند و تبلت‌ها و... در کنار فواید و لذتی که دارند، عوارض روحی و روانی زیادی هم به دنبال می‌آورند. همین عوارض و بیماری‌های ناشی از آنها، گروهی از مشاوران و روانشناسان را گرد

هم آورده است که مشخصاً روی مدیریت این آسیب‌ها و رفع آن‌ها کار می‌کنند. در واقع قرار است این مشاوران به ما کمک کنند بدون این عوارض روحی زندگی در عصر ارتباطات و اطلاعات را دنبال کنیم.

■ مشاوران نوآوری و خلاقیت

فشرده‌تر شدن رقابت در بازارهای مختلف و دشواری کسب سود، بسیاری از کمپانی‌ها و سرمایه‌گذاران بزرگ دنیا را بر آن داشته است تا هزینه‌های فراوانی صرف نوآوری در تولید محصولات و خدمات کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها در واقع به معنی رونق کسب و کارهای جدیدی است که در آن‌ها افراد نمان نوآوری‌ها و فکر کردن‌هایشان را می‌خورند. به همین خاطر در آینده نه چندان دور، حضور یک مشاور نوآوری در هر مجموعه‌ای الزامی خواهد بود.

■ معماران استارت‌آپ‌ها

نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها تنها به تولید محصولات جدید و خدمات جذاب خلاصه نمی‌شوند، ساماندهی خلاقانه ساختار سازمانی و بازتعریف روند کار در کمپانی‌ها نیز از جمله مواردی است که صاحبان کسب و کار در آینده بیشتر به آن توجه خواهند کرد. به همین خاطر در آینده به نسل جدیدی از متخصصان نیاز خواهد بود که سازمان‌ها را برای نوآوری آماده کنند. این کارشناسان در واقع سلسله‌مراتب و روندهای کاری را در شرکت‌ها و سازمان‌ها به گونه‌ای تعریف می‌کنند که زمینه برای نوآوری و ابداعات فراهم شود.



وال استریت ژورنال گزارش داد

شرکتهایی که هرگز ایران را ترک نکردند

اقساط کوچک از طریق صرافی‌های ایرانی یا با استفاده از بانکهای کشورهایمانند ترکیه ارسال می‌کردند.

مدیران آلمانی می‌گویند دسترسی به ۸۰ میلیون مصرف‌کننده ایرانی ارزش این زحمت را دارند زیرا ایرانی‌ها علاقه زیادی به محصولاتشان دارند.

به گفته محمد نیکجو، یکی از مدیران بانک سرمایه‌گذاری امین، با وجود چالش‌های موجود، ایران مزایای تجاری قابل توجهی از جمله نیروی کار تحصیلکرده، نرخ‌های مالیات ثابت و شرایط خوب برای سرمایه‌گذاری خارجی دارد.

آقای نعمت‌زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت در دیداری که با مدیران آلمانی در سپتامبر داشت، اظهار کرده بود ما می‌خواهیم با کشورهای اتحادیه اروپا بویژه کشور شما همکاری کنیم. وی در ادامه خاطر نشان کرده بود ۴۰ درصد از فناوری و ماشین‌آلات ایران با آلمان در ارتباط است.

سفر این هیات به شرکت‌های آلمانی فرصت داد با توزیع‌کنندگان ایرانی که برای فعالیتشان در ایران در سال‌های اخیر حیاتی بوده‌اند، گفت و گو کنند.

شرکتهای بزرگی که در معرض تحریم‌های آمریکا قرار دارند، به دلیل برداشته نشدن همه تحریمها، برای بازگشت به ایران رویکرد محتاطانه‌ای داشته‌اند اما شرکت‌های آلمانی انتظار دارند این تحریمها سرانجام روزی به پایان برسند.

با وجود تحریم‌های بین‌المللی که تجارت خارجی ایران را محدود کردند، بسیاری از شرکت‌های آلمانی کوچک در سال‌های اخیر همچنان به فعالیت در کشور ادامه دادند.

وال استریت ژورنال در گزارشی نوشت: اکنون این شرکتها در میان نخستین شرکت‌هایی خواهند بود که پس از امضای توافق هسته‌ای تاریخی و گشوده شدن ایران به روی تجارت بین‌المللی، منفعت می‌برند.

بر پایه اعلام اتاق بازرگانی و صنایع آلمان و ایران، بیش از ۷۵ شرکت آلمانی در ایران فعالیت داشته‌اند. بیشتر این شرکت‌های کسب و کارهای کوچک و خانوادگی بوده‌اند که محصولات خاصی را تولید می‌کنند که تحت تحریم‌های مستقیم قرار نمی‌گیرند و اغلب برای بازارهای مراقبت‌های پزشکی، ساخت و ساز یا خودرو هستند.

طبق گزارش وال استریت ژورنال، این شرکتها که بسیاری از آنها خصوصی هستند، می‌توانند به حضور در ایران ادامه دهند زیرا بسیاری از آنها روابط محدودی با آمریکا دارند که تحریم‌های شدیدی را علیه ایران اعمال کرده است. به گفته کارشناسان، آمریکا اغلب نفوذ نسبتاً کمی روی این شرکتها دارد. در مقابل بسیاری از شرکت‌های چندملیتی آلمان از جمله گروه مهندسی زیمنس که در آمریکا به ثبت رسیده، چاره‌چندانی بجز رعایت محدودیت‌های تجاری وضع شده از سوی آمریکا ندارد.

مارک پیس، مدیرعامل و یکی از مالکان شرکت دنتاروم در این باره به وال استریت ژورنال اظهار کرد: ما هرگز ایران را ترک نکردیم. وی در ادامه خاطر نشان کرد: با وجود اینکه تحریم‌ها فروش تجهیزات دندانپزشکی به ایران را ممنوع نکرده‌اند، باید مبادلات مالی مورد تایید اداره فدرال امور اقتصادی و کنترل صادرات آلمان قرار بگیرد تا خلاف قوانین اروپایی و آمریکایی نباشد. به گفته کارشناسان بین‌المللی، این نوع کاغذبازی اداری تنها دلیلی نیست که فعالیت در ایران را دشوار کرده بلکه ابهام در نرخ مبادله ارزی و رقابت شدید کشورهای آسیایی که به تحریم‌های بین‌المللی اعتنا نمی‌کنند، از دیگر عوامل تاثیرگذار بوده‌اند.

برای شرکت‌های آلمانی بزرگترین دردسر دریافت پول است زیرا تحریم‌ها دسترسی ایران به سیستم بانکی مالی جهانی را مسدود کرده‌اند. مدیرعامل دنتاروم که ماه سپتامبر در راستای سفر هیات مدیران بازرگانی آلمانی به ایران سفر کرد، با اشاره به مشکل مذکور اظهار کرد: در نتیجه فروش دنتاروم به ایران تقریباً ۹۰ درصد در یک دهه گذشته کاهش یافت.

بر اساس این گزارش، این دشواری‌ها دنتاروم و هم‌تایان آلمانی‌اش را برای ادامه فعالیت در ایران به چاره‌اندیشی واداشت. به این ترتیب مشتری‌های ایرانی آنها را اینکه تامین‌کنندگان غربی‌شان تحریم‌ها را نقض نکنند، پول را به شکل



بررسی شرایط جذب سرمایه خارجی

مدیریت ریسک سرمایه گذار خارجی

■ رضا حمزه‌لو، رئیس کمیسیون نفت، گاز و انرژی خانه اقتصاد ایران: فضای رقابتی باشد نه انحصاری

نخستین نکته در ارتباط با این موضوع امنیت سرمایه است. یعنی اینکه زمانی سرمایه‌گذار خارجی حاضر خواهد شد که سرمایه خود را به کشور وارد کند که مطمئن باشد در امنیت آن هیچ خللی رخ نخواهد داد. کشورهای دنیا معمولاً برای اینکه به سرمایه‌گذار خارجی این اطمینان را بدهند که سرمایه آنها از امنیت کافی برخوردار است، سعی می‌کنند قوانینی تصویب کنند که در آن سرمایه خارجی امنیت داشته باشد. یعنی اینکه اصل سرمایه‌ای که یک سرمایه‌گذار خارجی به کشور وارد می‌کند، از دست نخواهد رفت. هر چه قوانین کشورها شفاف‌تر و روشن‌تر باشد اطمینان خاطر سرمایه‌گذار خارجی هم بیشتر است. مورد دیگر قانون تشویق جذب سرمایه‌گذار خارجی است که در این راستا دولت‌ها تلاش می‌کنند در قوانین خود برای جذب سرمایه‌گذار خارجی سهولت ایجاد کنند بدین طریق که قانون کار، قوانین اداری، بیمه، فضای کسب و کار، نظام بانکداری آنها به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذار خارجی سهولت و سرعت بیشتری برای سرمایه‌گذاری داشته باشد. لازم است فضای اقتصادی فضایی رقابتی و خالی از انحصار باشد. در این شرایط سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به صورت یک کانال ادامه‌دار جریان پیدا می‌کند.



■ مجید رضا حریری، رئیس سابق کمیسیون واردات اتاق ایران: اقتصادی آزاد، شفاف و رقابتی

اصولاً سرمایه‌گذار خارجی زمانی که سرمایه خود را وارد کشوری می‌کند به دنبال چیزی جز ثبات سرمایه خود و سودی که از آن انتظار دارد، نیست. سرمایه‌گذاران برای اینکه بدانند آیا در کشوری به سود مدنظر خود دست پیدا می‌کنند یا نه به بررسی شاخص‌های اقتصادی کشورها می‌پردازند مثلاً رتبه آن کشورها در فضای کسب و کار، فساد اداری، رتبه رقابت‌پذیری و رتبه آزادسازی اقتصادی را بررسی می‌کنند. زمانی که این رتبه‌ها مطابق با سطح انتظارات آنها بود به کشورها برای سرمایه‌گذاری وارد می‌شوند. این رتبه‌ها در کشور مادر سطح ضعیفی قرار دارد و این مانعی برای سرمایه‌گذاری خارجی است و با وجودی که کشور ما موقعیت خوبی برای سرمایه‌گذاری خارجی چون نیروی ارزان و تحصیل کرده و سایر مزایای دیگر دارد، اما همین رتبه‌های ضعیف باعث شده هیچ گونه جذابیتی برای سرمایه‌گذاری خارجی نداشته باشد. علاج درد اقتصاد در این است که به سمت اقتصاد رقابتی، آزاد و شفاف حرکت کنیم تا هم سرمایه‌گذار خارجی برای حضور در کشور رغبت پیدا کند و هم اینکه بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور حل شود.



■ ابوالحسن خلیلی، عضو هیات مدیره و دبیر خانه صنعت و معدن: اصلاح قوانین کسب و کار

یکی از بخش‌های مهم در سرمایه‌گذاری خارجی توجه به زیرساخت‌هایی چون حمل و نقل، توسعه راه‌ها و شبکه ریلی است که دولت باید در این زمینه هم اجازه فعالیت و هم اجازه بسترسازی به سرمایه‌گذار خارجی را بدهد. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند بسترسازی و اقدام اساسی و سودآور برای کشور باشد؛ اول سرمایه‌گذاری خارجی که به ایجاد اشتغال منجر شود و دوم سرمایه‌گذاری برای انتقال تکنولوژی بالا. اگر سرمایه‌گذاری خارجی منجر به انتقال دانش فنی و تکنولوژی برای کشور باشد، نتایج ماندگار و قابل توجهی برای اقتصاد کشور به همراه دارد. باید دانست که سرمایه‌گذاری خارجی با موانعی در کشور مواجه است که عمده‌ترین آن عدم شفافیت در قوانین و قوانین فضای کسب و کار است.



سرمایه از نظر اقتصاددانان موتور رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند ابزاری برای رشد و توسعه باشد و اغلب کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه که امکانات اقتصادی کمتر و نقدینگی پایین‌تری دارند، برای اجرای طرح‌های اقتصادی و رشد اقتصادی - صنعتی خود، به دنبال جذب سرمایه‌های خارجی هستند. در حال حاضر رشد اقتصادی ۸ درصدی نیازمند سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی است. نخستین گام برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور این است که فضای اقتصادی کشور متناسب با آن باشد. ریسک سرمایه‌گذاری به عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مانع سرمایه‌گذاری خارجی در کشور نام برده شده است.

بر اساس گزارش بیزینس مانیستور، ایران از نظر ریسک تجارت و سرمایه‌گذاری نمره ۱۲۸/۱ از ۱۰۰ می‌گیرد که این کشور را در رتبه چهارم از آخر در بین ۱۸ کشور منطقه قرار می‌دهد بر اساس این گزارش ایران همچنین از نظر آزادی اقتصادی نمره ۲۱/۹ از ۱۰۰ را می‌گیرد. بنابراین بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری خارجی که به گفته کارشناسان از بی‌ثباتی در قوانین و مقررات و عدم شفافیت و مبهم بودن آنها ناشی می‌شود، از مهم‌ترین موانعی است که باید از سر راه سرمایه‌گذار خارجی برداشته شود. همچنین نوسانات ارزی، سیاست تجاری ناکارآمد، نبود ثبات اقتصادی، عدم وجود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب، عدم مهارت کافی نیروی انسانی، موانع نظام بانکی، موانع اطلاع‌رسانی و همچنین موانع سیاسی و حقوقی هم از جمله موانع حضور سرمایه‌گذار خارجی هستند.



تأثیرات سبک زندگی ایرانیان در تصمیمات بازاریابی

تمایل به غرب و آخرین تغییرات بازار آن، فاکتورهای اصلی اثر گذار بر انتخاب بازار مصرف، به خصوص در مورد محصولات در دسته بندی مد، لوازم آرایشی، لوازم الکتریکی، غذا، نوشیدنی و بهداشت و سلامت هستند.

از طرفی نیز با پیش بینی رشد مشغله اقشار مختلف جامعه، خریده‌های اینترنتی، خرید از هایپرمارکت‌ها و تقاضا برای محصولات بسته بندی شده و غذای آماده رو به رشد خواهد بود.

حذف یارانه‌های سوخت و انرژی، هزینه‌های حمل و نقل را افزایش خواهد داد. افزایش قیمت در این گروه باعث تمایل مردم به صرفه جویی در مصرف انواع انرژی و روی آوردن به سمت محصولات کم مصرف خواهد بود.



اخیراً مقاله و گزارش میدانی از سبک زندگی ایرانیان و مصرف کنندگان آتی منتشر شده است که مختصری از آن در زیر شرح داده شده است. مطمئناً داشتن اطلاعاتی درباره سبک زندگی در ایران، متشکل از مصرف کنندگان، بخش بندی مصرف کننده، درآمد، مخارج مصرف کننده، شغل، تغذیه، مد، بهداشت و سلامتی، سرگرمی، حمل و نقل و غیره می‌تواند دید وسیع تری را به فعالان در حوزه بازاریابی و برندینگ می‌دهد.

از حیث مواردی که مستقیماً در تصمیمات بازاریابی و برندینگ نیز تاثیر گذار هستند، می‌توان در زیر به آن پرداخت:

اگرچه ایران سابقه طولانی در استفاده از ابزارهای تبلیغاتی دارد، این صنعت همچنان جوان و نابالغ است.

در دو سال اخیر، در کنار رشد اقتصادی و ظهور و تقویت برندهای ایرانی، همانند برندهای خارجی که وارد بازار می‌شوند، رسانه و تبلیغات اهمیت و رشد سریعی پیدا کرده است.

بیشتر شرکت‌ها و تولیدکننده‌ها به تبلیغات به عنوان ابزاری جهت جذب و نگهداشتن مشتریان و برآورده کردن نیازهای آنها روی آورده اند.

رسانه‌های چاپی در ایران بسیار رایج هستند. تعداد روزنامه‌ها، ژورنال‌ها و مجلات روز به روز در حال افزایش است. علاوه بر آن شمار بروشورهای تبلیغاتی که پُر از تبلیغات رنگی از کافه‌ها، رستوران‌ها و خرده‌فروشی‌ها در زمینه‌های مختلف هستند، بسیار زیاد است. هزینه یک صفحه تبلیغ به راحتی به ۶۰۰۰ دلار آمریکا برای صفحات گلاسه در مجلات می‌رسد.

مجلات مثل «زندگی ایده‌آل» و «زندگی ایرانی» در میان برخی از ایرانیان رایج شده است. این مجلات پُر از انواع مختلف تبلیغات هستند و هر شماره حدود ۵۰۰۰ نسخه چاپ می‌شود.

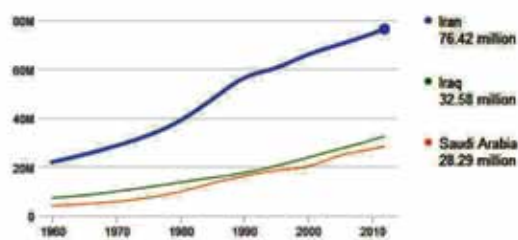
مجلات آشپزی نیز بسیار رایج هستند؛ به خصوص «هنر آشپزی» که تقریباً ۱۱۰۰۰ نسخه در هر ماه به چاپ می‌رساند.

بازاریابان تمایل به جذب مشتری از طریق نمایش جذاب محصولات در فروشگاه‌ها و محل فروش دارند. ثابت شده که روش سمپلینگ محصولات در سوپرمارکت‌ها و مراکز خرید در جذب مشتریان موفق بوده است.

برنامه‌های وفادارسازی مشتری Brandloyalty هنوز در ایران جدید هستند اما تعداد روزافزونی از فروشگاه‌ها و خرده‌فروشی‌ها

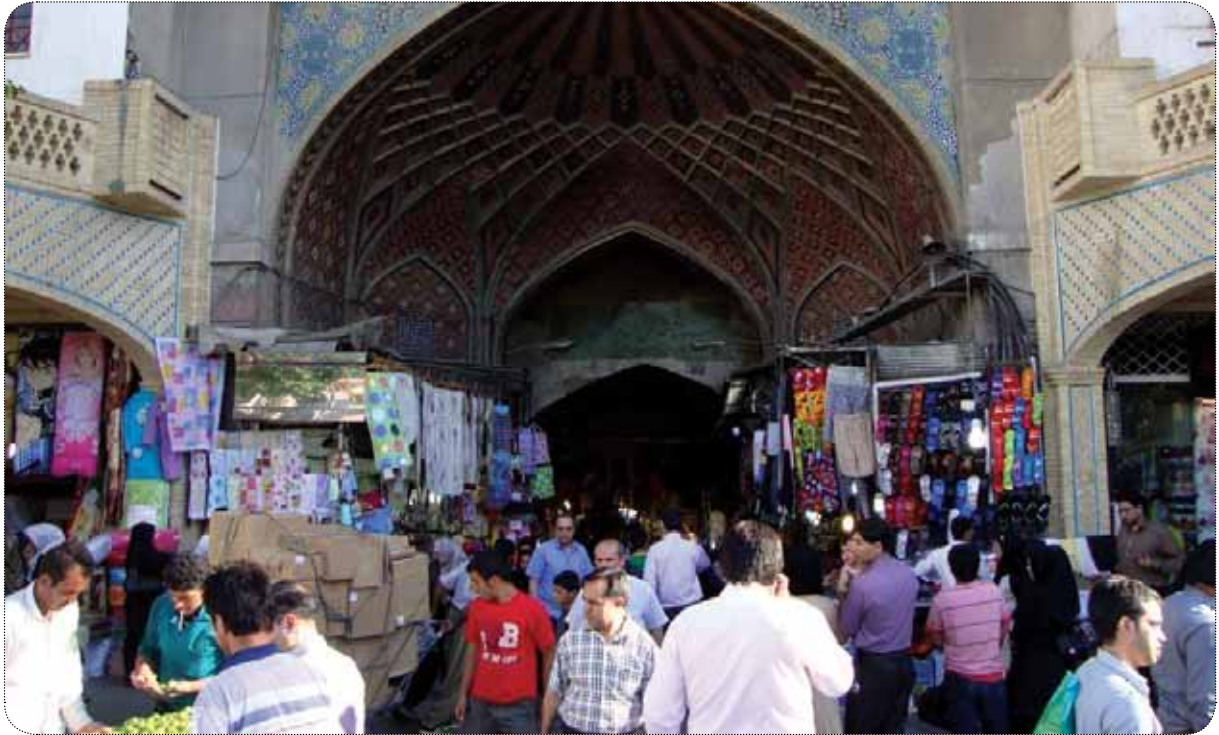
76.42 million (2012)

Iran, Population



در این گزارش آمده است که دو برابر شدن جمعیت ایران در سال ۲۰۱۶ نسبت به اوایل انقلاب و با توجه به رشد منفی جمعیت و تاثیرات آن در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰، شاهد رشد جامعه‌ای با سن بالای ۳۴ سال خواهیم بود؛ از سوی دیگر با بالا رفتن سن ازدواج و بالا رفتن سطح تحصیلات این قشر از جامعه، جمعیت جوان ایران موجب فشار زیاد به بازار مصرف و کار می‌شود. مصرف در شاخه ارتباطات و حمل و نقل بیشترین رشد را خواهد داشت. این گروه‌های سنی عامل اصلی مصرف گروه‌های مختلف محصولات هستند.

مصرف کنندگان جوان و تقاضای رو به رشدشان برای محصولات و خدمات متنوع‌تر، روی تقاضای طیف وسیعی از محصولات در طی دوره پیش بینی شده تأثیر گذاشته است.



از طرفی محصولاتی مانند اسباب بازی‌های ارزان و چینی مانند (Lucky box) و بازی‌های کامپیوتری، خوراکی‌های سالم‌تر و کم کالری و لبنی میوه‌ای مانند محصولات (DANONE) و خوراکی‌های بسته‌بندی برای مدرسه از پر رواج‌ترین موارد استفاده کودکان و نوجوانان خواهد بود.

لذا با توجه به پیش‌بینی‌ها تمامی رده‌های سنی کودک، نوجوان و جوان در آینده کاهش یافته و در ازای آن رده‌های بالای ۳۰ سال دارای رشد خواهد بود که عمده در آمد جامعه توسط این قشر کسب و توسط خانواده جهت اجاره، تحصیل و مسافرت و غیره هزینه می‌گردد.

نتیجه این گزارش برای فعالان در حوزه‌های بازاریابی و برندینگ این است که با توجه به موج تغییراتی که ایران در آن افتاده است، فرصت‌های فراوانی برای توسعه فروش کالا و خدمات و بالابردن سطح وفاداری مشتریان ایجاد خواهد شد.



از کارت‌های عضویت و برنامه‌های وفاداری برای نگه‌داشتن مشتریان‌شان استفاده می‌کنند.

جمعیت جوان ایرانی هر روز از برندها آگاهی بیشتری کسب می‌کنند. رسانه‌های جهانی مثل اینترنت و ماهواره منجر به افزایش آگاهی از برند شده‌اند. صنعت تبلیغات با افزایش تمایل شرکت‌ها به جذب مشتریان جدید از طریق ابزار مختلف تبلیغاتی، رشد خواهد کرد.

همچنان که نفوذ اینترنت و قابلیت اتصال به آن در ایران افزایش می‌یابد، تجارت الکترونیکی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. تعداد فروشگاه‌های اینترنتی در حال افزایش است. بازار یابان با استفاده از اینترنت و به خصوص شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک سعی در ایجاد ارتباط با مشتریان جوان خود دارند و به بازاریابی و برندینگ می‌پردازند.

از سوی دیگر، مشتریان محصولاتی که به صورت آنلاین، یا دهان به دهان قبل از خرید تبلیغ شده‌اند را می‌خرند و قبل از خرید محصولات را با هم مقایسه می‌کنند.

اگر مسافرت خارجی در میان قشر متوسط و جوان ایران افزایش یابد، آنها با برندهای بین‌المللی آشنا تر شده و توسط رسانه‌های بین‌المللی تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. بنابراین آنها به دنبال محصولات و خدمات مشابه در ایران خواهند گشت.

قشر مرفه تهرانی که اصولاً در شمال شهر سکونت دارند، تعیین‌کننده بخش وسیعی از روند در بازار مدرن ایران هستند. با داشتن بالاترین سطوح درآمد و مخارج، ساکنین تهرانی هدف اصلی برای بازار یابان خواهند بود. تبلیغات و فعالیت‌های بازاریابی در شمال تهران، که بیلبوردها و پوسترها در خیابان نمایش داده می‌شوند و کوراسیون مغازه‌ها پر از محصولات با برندهای بین‌المللی است، مشهودتر هستند.

با توجه به اینکه ایران یکی از سریع‌ترین کشورهای در رشد منفی جمعیتی و تمایل به تک‌فرزندی، هم‌زمان با افزایش سطح تحصیل مادران است، تمایل آنها به هزینه کردن برای محصولات مراقبت از کودکان افزایش یافته است. داروخانه‌ها اصلی‌ترین کانال پخش محصولات مراقبت از کودکان هستند.



شرکت‌های نوپای پرسروصدای این روزها

موفق‌ترین استارت‌آپ‌های ۲۰۱۵

سال ۲۰۱۵ سال مهمی برای صنعت تکنولوژی است و در این سال شاهد شکوفایی بسیاری از استارت‌آپ خواهیم بود که طی ماه‌های اخیر شکل گرفته‌اند و سروصدایی هم ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل تصمیم گرفته‌ایم نگاهی به برخی از مهم‌ترین استارت‌آپ‌های این روزها بیندازیم. روزنامه دنیای اقتصاد: سال ۲۰۱۵ سال مهمی برای صنعت تکنولوژی است و در این سال شاهد شکوفایی بسیاری از استارت‌آپ خواهیم بود که طی ماه‌های اخیر شکل گرفته‌اند و سروصدایی هم ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل تصمیم گرفته‌ایم نگاهی به برخی از مهم‌ترین استارت‌آپ‌های این روزها بیندازیم.

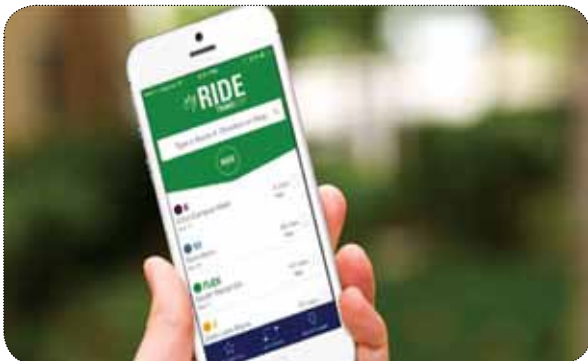
اینکه ویدئوهای آنلاین پخش شده می‌توانند آرشو شده و بعداً هم قابل دیدن باشند.

سرمايه‌گذاري: اعلام نشده است
وب سایت: periscopeapp.tv
Gogoro: اسکوتر تسلا



معرفی: هر چند Gogoro امسال معرفی شد، اما این پروژه از سال ۲۰۱۱ به طور مخفیانه مشغول به کار بود. این محصول امسال در نمایشگاه لاس وگاس عرضه شد که یک اسکوتر هوشمند برقی بدون نیاز به شارژ کردن است. این دستگاه در واقع با باتری‌های قابل تعویض کار می‌کند که در نقاط مختلف شهرهای بزرگ به رانندگان ارائه می‌شود. این اسکوتر در واقع بسیار مناسب مسیرهای کوتاه است و سرعت آن به ۶۰ مایل در ساعت می‌رسد و با آن می‌توان مسافتی معادل ۱۰۰ مایل را با یک شارژ پیمود. این دستگاه همچنین به سیستم‌های رایانش ابری و تلفن همراه نیز متصل می‌شود.

سرمايه‌گذاري: ۳۰۰ میلیون دلار سرمايه‌گذاري توسط دکتر Tin و Cher Wang از اچ‌تی‌سی



Hungryroot؛ تبدیل سبزیجات به یک بشقاب پاستا



معرفی: Ben McKean که پیش از این یکی از مدیران شرکت Group on بوده Hungryroot را با هدف ارائه یک بشقاب پاستای سبزیجات راه‌اندازی کرده است. غذاهای ارائه شده توسط این استارت‌آپ ۸۰ درصد سبزیجات و ۲۰ درصد پروتئین است. (نودل‌ها هم از سبزیجات تهیه می‌شوند) این استارت‌آپ در ماه نخست راه‌اندازی خود ۱۰ هزار غذا فروخته است.

سرمايه‌گذاري: ۲ میلیون دلار توسط

Lerer Hippeau Ventures, Crosslink Capital,
Brooklyn Bridge Ventures, Karp Reilly
سایت: www.hungryroot.com

پریسکوپ؛ پخش آنلاین تصویر



معرفی: در ماه مارس تویتر سرویس پریسکوپ را راه‌اندازی کرد که در واقع یک اپلیکیشن برای پخش مستقیم ویدئو توسط کاربران است. کاربران به طول آنلاین می‌توانند برای ویدئوهای پخش شده کامنت بگذارند، ضمن



محل کار یا پارتمانمان با آن روبه‌رو هستیم این چیزی است که Eero در حل کردن آن دارد. با استفاده از Eero می‌توان یک شبکه وای‌فای را توسعه داد. دستگاه‌های Eero با استفاده از بلوتوث و یک ارتباط رادیویی داخلی به هم متصل می‌شوند و قادر به قدرتمند کردن سیگنال وای‌فای هستند. یک دستگاه Eero ۱۲۵ دلار قیمت دارد و ۳ دستگاه آن ۲۹۹ دلار است.

سرمايه گذاري: ۵ ميليون دلار توسط

AME Cloud Ventures, Initialized Capital, Great Oaks Venture Capital, Homebrew, Menlo Ventures

وبسایت: www.eero.com

Jet: استارت آپی که می‌خواهد جای آمازون را بگیرد

تعریف: Marc Lore مدیرعامل Quidsi روی این استارت‌آپ عجیب و غریب کار کرده و هدف آن تبدیل شدن به یک آمازون است. Amasal Jet شاهد سرمايه‌گذاري‌های جدیدی از سوی غول تجارت الکترونیکی چینی یعنی علی‌بابا بوده است. ایده این استارت‌آپ این است که تمام قیمت‌ها حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد پایین‌تر از هر جای دیگر از جمله خود آمازون است



با این کاهش قیمت Jet مدل عضویتی شبیه فروشگاه Costco در پیش گرفته که کاربران سالانه ۵۰ دلار برای خرید از این فروشگاه می‌پردازند.

سرمايه گذاري: ۲۲۵ ميليون دلار توسط

avid Spector, Primary Venture Partners, MentorTech Ventures, Bain Capital Ventures, Accel Partners, New Enterprise Associates, Silicon Valley Bank,

وبسایت: jet.com

M.Gemi: تجارت کفش

معرفی: این استارت‌آپ توسط Ben Fischman بنیان‌گذاری شده که صاحب سایت Ruelala هم هست. M.Gemi می‌خواهد



وبسایت: www.gogoro.com

Ride می‌توان ارزان‌تر، ساده‌تر و بهتر سفر کرد

تعریف: Oscar Salazar به همراه بنیان‌گذاران Uber Garrett Camp and Travis Kalanick استارت‌آپ Ride را اوایل امسال راه‌اندازی کردند. هدف این استارت‌آپ یک سفر مقرون به صرفه از نقطه‌ای به نقطه دیگر و به خصوص در جایی است که سیستم حمل و نقل عمومی ندارد. با استفاده از این اپلیکیشن افراد می‌توانند از خودروهای یکدیگر برای طی کردن یک مسیر استفاده کنند. سرمايه‌گذاري: اعلام نشده است.

وبسایت: www.ride.com



Honor: مراقبت از والدین

معرفی: این استارت‌آپ با هدف مراقبت از والدین یا کسانی که در خانه هستند و نیاز به مراقبت دارند ایجاد شده است. افراد حرفه‌ای سرویس‌های مختلفی از قبیل نظافت منزل، یادآوری مراقبت‌های پزشکی، حمل و نقل افراد مسن و... توسط متخصصانی که این استارت‌آپ آنها را استخدام کرده انجام می‌شود و فرد سفارش دهنده می‌تواند گزارش حضور مراقبت یا پرستار را روی اپلیکیشن موبایل خود مشاهده کند. هزینه حضور در منزل از حداقل ۱۵ دلار در ساعت شروع می‌شود.

سرمايه گذاري: ۲۰ ميليون دلار توسط

Kevin Colleran, Slow Ventures, Homebrew, Jessica Alba, Jeremy Stoppelman, Max Levchin, Kapoor Capital, Andreessen Horowitz

وبسایت: www.joinhonor.com



Eero: یک راهکار برای اختلال وای‌فای

معرفی: اختلال در وای‌فای یا نداشتن آنتن کافی چیزی است که همه مادر



۵۰۰ هزار استخدام در دولت قبل محل شک و شبهه است

دولت یازدهم میراث‌دار استخدام بی ضابطه

مساله بیکاری طی سال‌های اخیر به یک بحران گسترده اجتماعی - اقتصادی نزدیک شده است. دولت یازدهم که میراث‌دار بحران عمیق اقتصادی بر جای مانده از دولت قبل است، از همان روزهای نخست عمده‌ترین محور برنامه‌های اقتصادی ...

مساله بیکاری طی سال‌های اخیر به یک بحران گسترده اجتماعی - اقتصادی نزدیک شده است. دولت یازدهم که میراث‌دار بحران عمیق اقتصادی بر جای مانده از دولت قبل است، از همان روزهای نخست عمده‌ترین محور برنامه‌های اقتصادی خود را حول مهار تورم، رفع رکود و بهبود فضای کسب و کار تبیین کرد؛ سیاست‌هایی که به نظر می‌رسد تنها در بخش مهار تورم به مقصود مورد نظر نائل آمده باشد. آنچه از آمار پیداست، آن دو حوزه دیگر، کمتر با موفقیت همراه بوده‌اند. در این مدت نیز تلاش‌ها برای رفع معضل بیکاری در راستای بهبود فضای کسب و کار نتایج چندانی در پی نداشته است. در این میان، تناقض در سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت نیز، گره بر گره این معضل افکنده است. نظام اقتصادی ایران به گونه‌ای است که به دشواری می‌توان آن را ذیل تعاریف رایج ساختارهای اقتصادی عنوان گذاری کرد.

با اینکه در قانون اساسی، محدوده و شیوه فعالیت دولت در اقتصاد کشور به گونه‌ای تعریف شده تا فضا برای کسب و کار بخش‌های تعاونی و خصوصی نیز فراهم باشد، اما در عمل دامنه گسترده اقدامات دولت تا بدانجا پیش رانده که حتی دامان بخش‌های تعاونی و خصوصی را هم گرفته است. این در حالی است که به باور اغلب اقتصاددانان، گول آسایش پیکره دولت خود از عمده‌ترین موانع در مسیر توسعه و رشد اقتصادی ایران است و از این روست که اقدامات هر از چند گاهی این نهاد برای افزایش اشتغال، خود به معضلی مضاعف در این حوزه تبدیل می‌شود.



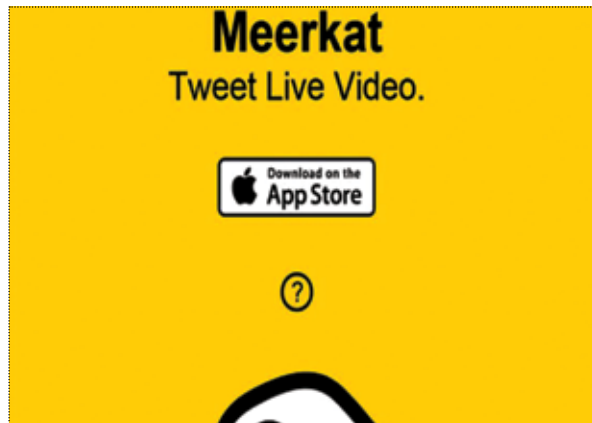
کفش‌های زیبای دوخت دست ایتالیایی را به قیمت مناسب به افراد بیشتری در سراسر جهان بفروشد. قیمت این کفش‌ها بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار هستند اما M.Gemi آنها را به طور مستقیم از یک کارخانه کوچک ایتالیایی به قیمت ۹۸ تا ۳۰۰ دلار برای علاقه‌مندان می‌فرستند. این استارت‌آپ رکورد سرعت ایجاد یک بیزینس را هم شکسته است. از زمانی که این ایده به آغاز فروش منتهی شد بین ۶۰ تا ۹۰ روز طول کشید.

سرمایه‌گذاری: ۱۴ میلیون دلار توسط
Breakaway Innovation Group, Forerunner Ventures,
General Catalyst Partners

وب سایت: www.mgemi.com

Meerkat: پخش مستقیم ویدئو

معرفی: شاید چیزی که باعث شد توئیتر پریسکوپ را بخرد همین استارت‌آپ Meerkat بود که اوایل سال جاری میلادی سروصدای زیادی به پا کرد. اتصال به توئیتر و پخش آنلاین و زنده ویدئو توسط



کاربران ویژگی این اپلیکیشن است. به گفته تک کرانچ Meerkat هم اکنون ۳۰۰ هزار کاربر دارد. این اپلیکیشن به دلیل نوع عملکرد نیاز مستقیمی به کار با توئیتر دارد، اما توئیتر دقیقاً از روزی که پریسکوپ را خرید دسترسی Meerkat را به منابع خود کاهش داد، هر چند هر دو اپلیکیشن هم اکنون در جایگاه یکسانی - از نظر کاربران - قرار دارند.

سرمایه‌گذاری: ۱۸/۲ میلیون دلار توسط
Raine Ventures, CAA Ventures, Vayner/ RSE, WME,
Chad Hurley, David Tisch, Ooga Labs, Aleph, Entree
Capital, Dream It Ventures, Gigi Levy, Ron Gura, Eyal
Gura, PLUS Ventures, Jared Leto, Universal Music
Group,

وب سایت: meerkatapp.co

Vive و آرایشگاه

معرفی: با پرداخت ۹۹ دلار در ماه این استارت‌آپ اجازه می‌دهد به هر سالن آرایش در شهر سری بزنید و از خدمات آنها استفاده کنید.
Alannah Gregory که بنیان‌گذار این استارت‌آپ است آن را برای این ایجاد کرد که همواره زمان زیادی را صرف پیدا کردن آرایشگاه می‌کرد. دلیل اصلی این بود که بسیاری از سالن‌های آرایش از هفته‌ها قبل رزرو بودند. Vive کار خود را از شهر نیویورک آغاز کرده است.

سرمایه‌گذاری: نامشخص

وب سایت: vive.co



■ نقطه جوش

بنابر پیش بینی‌های اکونومیست تعداد شاغلان کشور در سال ۱۳۹۴ می‌بایست به عددی معادل ۲۹ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر رسیده باشد، اما طبق اعلام مرکز آمار تعداد شاغلان در پایان پاییز ۹۴ حدود ۲۱ میلیون و ۸۶۰ هزار نفر بوده است. پیش از این و در دی سال گذشته رئیس مرکز آمار ایران وضعیت اشتغال کشور را بحرانی اعلام کرده بود. عادل آذر در گفت‌وگوی با اینلنا، تاکید کرده است: «هرگاه نرخ بیکاری جوانان، حداقل ۲ برابر نرخ بیکاری کلی بود، به نقطه بحران رسیده‌ایم، که در حال حاضر ما در چنین وضعیتی قرار داریم»

■ میراث دولت گذشته

مشکل بیکاری تعمیق شده است؛ این واقعیتی عینی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. از این رو هر تلاشی در راستای کاستن از حجم گسترده آن اقدامی مطلوب است. اما ایجاد فرصت‌های شغلی جدید زمانی می‌تواند به نفع فضای کسب و کار تمام شود که این اتفاق نه در مجموعه دولت بلکه در بخش‌های خصوصی و تعاونی‌ها رخ دهد. عدم توجه تاریخی به توسعه زیرساخت‌های اشتغال‌زا در بازار کسب و کار، مرتبط با بخش خصوصی و نهادهای تعاونی، در حال حاضر دولت را با چالشی مواجه کرده است که نه می‌تواند مشکل بیکاری را بر عهده بخش خصوصی واگذار د و نه خود می‌تواند بیش از این به جذب جویندگان کار اقدام کند.

در پایان دولت دهم، اضافه شدن حدود ۵۰۰ هزار نفر به مجموعه دولت انتقادات بسیاری را به دنبال داشت. وجود این تعداد کارمند جدید که برخی از آنها به طور مستقیم در وزارتخانه‌ها و بخشی دیگر در شرکت‌های زیر مجموعه دولت مشغول به کار شده‌اند، هنگامی که بحث واگذاری‌ها دوباره قوت گرفت به محل مناقشه بر سر آینده شغلی آنها بدل شد، غیر از آنکه استخدام‌های بی‌ضابطه در دولت‌های نهم و دهم، جای سوال بسیاری هم دارد.

علاوه بر این، دولت‌های نهم و دهم، آنچنان به توسعه دامنه نفوذ و دخالت دولت در همه عرصه‌های اقتصادی پرداختند که هر روز فضا برای تنفس بخش خصوصی تنگ‌تر هم شد. حاصل این اقدام دولت‌های نهم و دهم، زمینگیر شدن بخش خصوصی و نا کار آمدی بخش تعاونی در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی بود؛ اتفاقی که به زودی ورشکستگی بنگاه‌های تولیدی و صنعتی را به همراه داشت و نتیجه آن بیکاری عده کثیری از شاغلان بود. طغیان تورم به عددی معادل ۴۰ درصد و تعمیق رکود دامنه دار در کنار عدم فعالیت بنگاه‌ها و کارخانجات، اقتصادی فروپاشیده را به دولت یازدهم پیشکش کرد؛ اقتصادی که بحران بیکاری را هم با خود آورده بود.

■ از دانشگاه به کارگاه

در ابتدای سال جاری وزیر کار گفته بود: «دولت علاوه بر اجرای سیاست‌های حمایتی برای سرمایه‌گذاری‌های کلان، موضوع اشتغال را نیز در واحدهای خرد و کوچک با جدیت دنبال می‌کند». در راستای این راهبرد، طرحی در آذر سال جاری طرحی ارائه شد که این امکان را برای بنگاه‌های تولیدی فراهم می‌آورد تا بتوانند نیروهای فارغ‌التحصیل را استخدام کرده و ۷۰ درصد از حقوق مصوب را به عنوان دستمزد به آنها بپردازند. این طرح هر چند می‌توانست بخشی از معضل بیکاری را مرتفع کند، اما به دلیل نامشخص بودن وضعیت بیمه‌ای شاغلان فارغ‌التحصیل، موضوع حوادث حین کار آنها و ایجاد بیم بیکاری برای شاغلان ماسبق، همچنان در سکوت مانده است.

■ جذب نیرو

در حالی که بزرگ بودن دولت خود از عوامل عمده ائتلاف منابع درآمدی کشور است، افزایش استخدام‌ها در این مجموعه چالشی دو سویه را پیش روی بازار کسب و کار ایران قرار داده است. از یک سو چنانچه همین میزان از استخدام‌ها نیز صورت نگیرد، کاهش در میزان نرخ بیکاری (عمدتاً جوانان) رخ نمی‌دهد و از سوی دیگر، پیوند خوردن شاغلان جدید به بدنه غول‌آسای دولت، هزینه‌های آن را افزایش می‌دهد که تبعات آن در عقیم ماندن زیرساخت‌های اقتصادی کشور بروز می‌کند. با این وجود، دولت در تابستان سال جاری با برگزاری آزمون سراسری استخدام، حدود ۳۰ هزار نفر را به بدنه اجرایی خود اضافه کرد؛ اقدامی که گویا در تابستان سال آتی نیز، قرار است تکرار شود. گذشته از این، چندی پیش سخنگوی دولت از استخدام ۳۴ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز خبر داده است.

به گزارش ایرنا، محمدباقر نوبخت در ۲۷ دی سال جاری اعلام کرد: «در حال حاضر نرخ بیکاری ۱۰/۷ درصد است و انشاء... مشکل بیکاری رفع خواهد شد و پیش‌بینی ما نیز این است که در سال ۹۵ برای حدود ۸۵۰ تا ۹۰۰ هزار نفر فرصت شغلی ایجاد کنیم. همچنین برای سال آینده ۳۴ هزار و ۵۰۰ نفر را از میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی استخدام خواهیم کرد.» این در حالی است که طبق پیش‌بینی‌ها، قرار است در سال آینده، به میزان دوازده درصد هم به حقوق کارکنان دولت افزوده شود.

■ ششمین چشم‌انداز

در حالی که دولت در تدوین برنامه ششم توسعه سعی کرده است تا راهبردهای تبیین شده را به گونه‌ای صورت‌بندی کند تا مسیر توسعه اقتصادی کشور با اتکا به تولید داخلی هموارتر شود، اما وجود دو تبصره در این لایحه مورد اعتراض فعالان کارگری و نیروی کار کشور قرار گرفته است. بر اساس تبصره ۲۴ این لایحه، افزایش تدریجی سن و سابقه به میزان ۶ ماه به حداقل سن و سابقه جهت احراز شرایط بازنشستگی و محاسبه ۵ سال آخر خدمت به جای دو سال آخر خدمت جهت برقراری مستمری بازنشستگی منظور گردیده است و تبصره ۳۳ هم از سوی نیروی کار به نوعی حکایت از تضاد و تناقض بین تئوری و عمل دولت در وعده‌هایش دارد. به گفته فعالان کارگری، وعده تعیین حداقل دستمزد کارگران متناسب با نرخ تورم بر مبنای این تبصره اجرایی نمی‌شود. در همین ارتباط نیز، حسین اکبری از فعالان کارگری در یادداشتی که خبرگزاری اینلنا در ۲۵ آذر سال جاری منتشر کرده است، تاکید می‌کند: «لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه در صورت تصویب در مجلس، بدون تردید به تضییع حقوق صنفی و قانونی کارگران می‌انجامد.» آنچه از قرائن پیداست، آشفته‌گی بازار اشتغال و محیط کسب و کار آنچنان گسترده و دامنه دار است که رفع مشکلات و معضلات آن، از عهده دولت خارج است، کما اینکه اقدامات آن هم متناقض به نظر می‌رسد.

از سویی در تلاش است تا فضا را برای اشتغال نیروهای جدید مهیا کند و از سوی دیگر شرایط را به گونه‌ای رقم می‌زند که فضا برای تنفس نیروهای شاغل هم تنگ‌تر می‌شود. به گزارش آرمان، توفیق در پروژه اشتغال‌زایی و بهبود فضای کسب و کار آنگاه می‌تواند محقق شود که حجم متورم دولت کاهش جدی، واقعی و محسوس‌تری تجربه کند. تا وقتی که فضا برای فعالیت آزاد فعالان اقتصادی، خارج از دخالت و تصدیگری دولت مهیا نشود، اتفاق مثبت و موثری در فضای کسب و کار کشور رخ نداده، غول بیکاری مهار نشده و گره کور اشتغال نیز گشوده نخواهد شد.



فروش نفت!

بدردی است این طلای سیاه! یعنی از اول بدردی بوده. از همان یک قرن پیش که چاه شماره ۱ مسجد سلیمان حفر شد و یک مایع سیاه بدبو از آن بیرون زد که هیچ فایده‌ای نداشت جز اینکه سردرد به جان کارگرها بیندازد، تا امروز که با هر اتفاقی که در چهار گوشه این جهان خاکی بیفتد، مدام قیمتش بالا و پایین می‌شود و همه حساب و کتاب‌ها را به هم می‌ریزد.

البته نمی‌خواهیم در این مقاله چیزی از ارزش‌های این سیاه پول آفرین کم کنیم اما باید قبول کرد که سال‌هاست نمی‌توان به نفت به عنوان منبع تامین ارزی، منبع اصلی بودجه، منبع تنظیم بازار، منبع تعیین مالیات گمرکی، منبع تامین توازن ژئوپلیتیک و هزاران منبع دیگر که اقتصاد ما را تا آخر خره به خودش وابسته کرده نگاه کرد اما جدای از این مسائل چه اتفاقی افتاده که قیمت نفت اینطور افسار گسیخته در حال کاهش است؟ از کی این اتفاق شروع شده؟ کی قرار است ختم شود؟

تقریباً از سه ماه قبل از روزی که شما این متن را می‌خوانید، نفت حال و روز خوبی ندارد. نفتی که در ماه ژوئن حول و حوش ۱۲۰ دلار معامله می‌شد، حالا به ۶۰ دلار کاهش پیدا کرده. اما چه عواملی باعث این اتفاق شده؟ برای پاسخ به این سوال باید ده‌ها عامل مختلف را در نظر گرفت و دید که هر کدام روی هر دیگری چه تاثیری می‌گذارند و بعد هر کدام چه تاثیری روی قیمت نفت می‌گذارند. قیمت گذاری، پیش‌بینی قیمت نفت و شناخت عوامل تغییر دهنده آن از شاخه‌های پیشرفته علم اقتصاد است و یاد گرفتن آن به سال‌ها زمان احتیاج دارد اما علی‌رغم این مشکلات، ما در این دو صفحه سختی‌ها را بر شما هموار کرده و خیلی مختصر و مفید شما را با این دلایل آشنا می‌کنیم. برای شروع باید هزاران کیلومتر از چاه‌های نفت خلیج فارس دور تر شویم. مقصد ما گورستان ادینبورگ انگلستان است؛ جایی که آدام اسمیت خاک شده است.

■ اقتصاد آدام اسمیتی

آدام اسمیت یک اقتصاددان انگلیسی بود که حدود ۲۵۰ سال قبل نظریه ای ارائه داد که دنیای اقتصاد را متحول کرد. براساس نظریه آدام اسمیت در یک بازار براساس میزان عرضه، تقاضا به طور خودکار و بدون دخالت نهادهای قدرت نوعی تعادل طبیعی شکل می‌گیرد و این تعادل ضامن بقای یک اقتصاد سالم است.

یعنی چی؟ یعنی مثلاً شما با ۱۰ هزار تومان در جیب و بسیار گرسنه در یک شب سرد زمستانی از خانه تان می‌زنید بیرون. سر خیابان که می‌رسید یک دکه روزنامه فروشی و یک آبمیوه فروشی کنار هم قرار دارد. تک تک روزنامه‌ها و مجلاتی که در دکه هستند و تمام آبمیوه‌ها، بازار عرضه هستند و گرسنگی روح و جسم شما بازار تقاضا را تشکیل می‌دهد. شما که بسیار فریخته هستید، ابتدا تصمیم می‌گیرید تمام پول تان را



صرف خرید مجله وزین همشهری جوان بکنید تا برای مرورهای بعدی حسابی آرشو تان پر باشد. همین که می‌آید پول مجلات را پرداخت کنید، گرسنگی بر شما غالب می‌شود و عنقریب می‌رود که قالب تهی کنید. پس مجله وزین همشهری جوان را ناز می‌گذارید و به سمت آبمیوه فروشی می‌روید و تصمیم می‌گیرید با خوردن یک ویتامینه به قیمت ۱۰ هزار تومان از اساس گرسنگی را ریشه کن کنید. درگیر و دار سفارش آبمیوه هستید که مجدداً ذات آگاه شما بیدار می‌شود و شما را وادار می‌کند به سمت دکه حرکت کند.

این بار به کیوسک که می‌رسید در کنار مجله وزین همشهری جوان، چشم تان به یک مجله زرد می‌افتد که خبر از ممنوع‌التصویر شدن بازیگر محبوب تان به علت شرکت در ... داده است. طبیعی است که جنبه خاله زنک شما را به خریدن آن مجله زرد تشوق می‌کند. بالاخره بعد چند دقیقه که حسابی گیج شده اید، پلوتان را به نحوی بین مجله وزین همشهری جوان، مجله زرد و آبمیوه‌ها تقسیم می‌کنید. حالا فرض کنید کنار شما صد نفر دیگر هم باشند که بخواهند همین محصولات را بخرند. بدیهی است که چه بلبشویی به پامی شود اما از دل همین بلبشو نظم جدید پدید می‌آید؛ یعنی هم مدیران مجله وزین همشهری جوان، هم مسئولان آن مجله زرد و هم آبمیوه فروشان دست شان می‌آید که باید محصول شان را با چه قیمتی، به چه تعدادی، چه زمانی و ... عرضه کنند تا بیشترین سود را به دست آورند. اینجاست که می‌گویند بازار به تعادل رسیده است اما وای به روزی که بازیگر چهارمی وارد بازی شود.

■ یک دنیا بازیگر، یک دنیا علت

در مثال بالا سر خیابان را تبدیل کنید به کره زمین و ۱۰۰ نفر را هم تبدیل کنید به ۷ میلیارد. آن وقت است که پیچیدگی بازار نفت دست تان می‌آید. ده‌ها تولیدکننده، ۲۰۰ کشور و صدها هزار عامل ریز و درشت که هر کدام تاثیر خود را روی قیمت نفت می‌گذارند. هر فراز و نشیبی در قیمت نفت بر اثر عوامل متعددی به وجود می‌آید که بعضی قابل پیش‌بینی هستند و بعضی خیر. در مورد کاهش قیمتی هم که در چند ماه اخیر



عربستان چقدر در کاهش قیمت‌ها نقش دارد؟ شیرها را نمی‌بندیم

احتمالاً این روزها عربستان جزو منفورترین کشورهای جهان نزد ایرانی‌هاست. عربستان و چند کشور دیگر جهان مانع کنترل قیمت نفت شده‌اند و هی دارند به این آتش بنزین اضافه می‌کنند. اما مگر عربستان چه کار کرده که اینطور اعتراضات مقامات کشورمان را برانگیخته؟ عربستان در واقع کاری نمی‌کند و همین است که مشکل آفرین شده. عربستان در چند سال گذشته به علت مشکلاتی که برای بعضی کشورهای صادرکننده نفت به وجود آمد، صادرات نفت خود را افزایش داد تا تعادل در بازار جهانی حفظ شود اما براساس عقل سلیم اکنون که آن کشورها به بازار برگشته‌اند و کشورهای مثل آمریکا هم به طور جدی وارد بازی صادرات نفت شده‌اند، کشورهای اوپک از جمله ایران و عربستان باید صادرات نفت خود را پایین بیاورند تا توازن بازار حفظ شود اما سازمان اوپک یک قانون عجیبی دارد و آن هم این است که برای کاهش یا افزایش میزان عرضه نفت، همه کشورها باید موافق باشند؛ یعنی چه؟ یعنی تمام کشورهای عضو حق و تو دارند؛ کاری که عربستان در اجلاس اخیر اوپک انجام داد و داد همه را در آورد این بود که با مانع کاهش عرضه نفت شد؛ در نتیجه بقیه کشورها هم مجبور شدند سقف صادرات خود را حفظ کنند. نتیجه؟ معلوم است دیگر!

این اقدام عربستان در بلندمدت که هیچ، در میان مدت هم به ضرر خودش تمام می‌شود اما ضربه‌هایی که اخیراً عربستان در صحنه سیاست از ایران خورده باعث شده تا با استفاده از این حربه، در صدد موازنه کردن قدرت در منطقه بر بیاید. این وسط آمریکایی‌ها هم که از خدا خواسته حسابی پشت سعودی‌ها را گرفته‌اند. یکی دیگر از دلایل تشویق آمریکایی‌ها هم تنش‌شان با روسیه است؛ کشوری که ۴۵ درصد بودجه‌اش از نفت تامین می‌شود و کاهش قیمت آن حسابی برایش ضرر و زیان به همراه دارد.

کارشناسان می‌گویند نفت تا ۲۰ دلار هم جا برای کاهش دارد و این همان عاملی بود که باعث شد تا معاون راهبردی رییس‌جمهور، تلویحاً از مردم تقاضا کند برای رویارویی با عواقب احتمالی، آمادگی لازم را داشته باشند اما این سکه، روی دیگری هم دارد.

ملک عبدالله با وجود شرایط نامساعدی که در داخل کشورش وجود دارد، دست به قمار خطرناکی زده و تمام تخم مرغ‌هایش را در یک سبد چیده است.

در بازار نفت اتفاق افتاده، نظرات متفاوتی بین تحلیلگران بین‌المللی وجود دارد اما با جمع بندی آنها می‌توان به چند علت اصلی رسید. دلایلی که البته بخشی از واقعیت‌ها را پوشش می‌دهند؛ و گرنه واضح است در هیچ کجا مثل سیاست، دست‌های پشت پرده تکلیف تعیین نمی‌کنند.

■ اندک، اندک جمع یاران می‌رسد

الان چند وقت است که جهان درگیر تحولات ناشی از جنبش بیداری اسلامی است؟ یک ماه، یک سال؟ یا بیشتر؟ اصلاً یادتان می‌آید این ماجراها از کی شروع شد؟ جنبش‌های اجتماعی چند سال پیش در کشورهای راه‌افتاد که بیشترشان کشورهای نفت‌خیز بودند. یکی از اولین نتایج این وضعیت، متلاطم شدن وضعیت کشورهای از بین رفتن ثبات در آنها بود. بدیهی است که وقتی ثبات در کشوری از بین می‌رود، چه تاثیری روی صادرات بخصوص صادرات نفتی می‌گذارد اما اکنون با گذشت چند سال اوضاع کمی آرام‌تر شده است. این آرامش نسبی باعث شده تا چند کشور مثل لیبی که سهم خود را در بازارهای جهانی از دست داده بودند، آرام آرام به بازار برگردند. در نتیجه هر روز دارد به تعداد کشورهای صادرکننده نفت اضافه می‌شود. این یعنی افزایش عرضه و افزایش عرضه هم مساوی است با افت قیمت.

■ شیل، میل قضیه اش چیه؟

علم! چیزی که خیلی از سیاستمداران به آن فکر نمی‌کنند. تکنولوژی استخراج در جهان پیشرفت عجیبی کرده و یکی از آخرین دستاوردهای این پیشرفت، ابداع روشی به نام حفاری افقی است. ظهور این روش باعث شد که بهره‌برداری از سنگ-نفت‌ها (نوعی سنگ رسی که با ایجاد فرآیندهایی از آن می‌توان میزان قابل ملاحظه‌ای نفت به دست آورد) یا به اصطلاح همان شیل‌ها که تا پیش از این هم به سرعت در حال افزایش بود، رشد سرسام‌آوری پیدا بکند.

حالا دیگر خیلی از کشورها که در رأس شان آمریکاست، قصد دارند حجم اعظم ذخایر خودشان را با استفاده از شیل‌ها تامین کنند. آن وقت اگر قیمت ۷۰ دلاری نفت به دست آمده از شیل‌ها در کنار قیمت ۱۲۰ دلاری نفت رایج بازارهای جهان در چند ماه گذشته بگذارید، فهمیدن علت کاهش قیمت نفت چندان هم سخت نخواهد بود.

■ نه شرقی، نه غربی!

دنیا وارد دوره رکود شده. این نتیجه‌ای است که از بررسی آمارهای مختلف و گزارش بانک جهانی به دست می‌آید. نکته جالبش این است که شرقی و غربی هم ندارد و چه کشوری مثل چین و چه کشورهای اروپایی، همه را در بر گرفته. اوضاع در جهان آنقدرها خوشبینانه که کارشناسان بانک جهانی پیش‌بینی می‌کردند پیش‌رفته و نرخ رشد اقتصادی که برای چین و آمریکا پیش‌بینی شده بود محقق نشده است. نتیجه رکود هم یعنی تعطیل شدن کارگاه‌ها و کم‌کار شدن کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها و نتیجه آن هم می‌شود کاهش تقاضا. کاهش تقاضا کنار افزایش عرضه؟ باید گفت نفت روزهای سختی پیش رو دارد.

■ پیرشدهی داداش!

کشورهای پیشرفته بخصوص آنهایی که نفت ندارند، به شدت قصد دارند کشورشان را از وابستگی به این سوخت فسیلی نجات دهند. کشورهایی که در رأس شان چین، کره جنوبی، ژاپن و... قرار دارند. گسترش انرژی هسته‌ای، استفاده از سوخت‌های تجدیدپذیر مثل سوخت‌های خورشیدی و سوخت‌های زمین‌گرمایی، استفاده از سوخت‌های زیستی و... سیاست‌هایی است که سال‌هاست در این کشورها اجرا می‌شود.

نتیجه‌اش چه شده؟ نیاز به نفت در سطح جهان در حال کاهش یافتن است. این عامل شاید به تنهایی نتواند چندان موثر باشد اما فراموش نکنید نفت این روزها مثل افتاده‌ای است که هر کسی می‌رسد، نامردی نمی‌کند و لگدی به آن می‌زند.



شریت اسطوخودوس
آرامبخش - فواب آور



معدون كندر
تقویت مافظه - پیشگیری از فراموشی



عصاره گزنه
درمان ورم پروستات

Biophyta

شریت گل محمدی
ملین

عصاره شنبلیله
کاهنده قند خون



شریت رازیانه
پیشگیری از عوارض یائسگی



محمولی از شرکت

اکسیر گل سرخ
دروسیاری EXIRA

آدرس کارخانه : مشهد - شهرک صنعتی توس فاز ۲
اندیشه ۱۰ - قطعه ۳۱۷ تلفن : ۳۵۴۱۱۳۸۰ - ۰۵۱

www.herbalexir.com
Email: herbalexir.com



شرکت رام پلاست شرق

Ram Plast Co.

www.ramplastco.com
info@ramplastco.com



- مجهز به تکنولوژی کوئیک سوییچ (QUICK SWITCH) که برای اولین بار در خاورمیانه در این واحد مورد استفاده قرار گرفت.
- در این تکنولوژی نیاز به تعویض قالب به صورت دستی نیست و این تعویض در مدت چند دقیقه وبصورت کاملا اتوماتیک صورت میگیرد
- خطوط ، مجهز به پیشرفته ترین PLC های جهان می باشد
- مجهز به پیشرفته ترین تجهیزات در خطوط اکسترودر مانند :

- گرایی متریک (Gravimetric)

- اولتراسونیک (Ultera Sounic)

- اسکرین چنجر (Screen Changer)

• آزمایشگاه کاملا مجهز

• دارای آزمایشگاه همکار (آکرودیته)

• دارای استانداردهای :

- ملی ۱۷۰۲۵ - ۱۷۶۰۷ - ۱۴۴۲۷ (جهت لوله های آبیاری و آبرسانی)

- ملی تشویقی ۲ - ۱۱۲۳۳ (جهت لوله های گازرسانی)

- ISO 10002 : 2004

- ISO 140001 : 2004

- OHSAS 18001 : 2007

- ISO 9001 : 2008

تولید کننده لوله های پلی اتیلن با بالاترین کیفیت مطابق با استانداردهای بین المللی

دفتر مرکزی : مشهد . چهارراه خیام . مقابل بانک کشاورزی
مجتمع خلیج فارس . طبقه دوم . شرکت رام پلاست
تلفن دفتر مرکزی : ۷۶۴۰۰۲۴ - ۰۵۱۳ فکس : ۷۶۴۸۶۷۳

کارخانه : کیلومتر ۲۷ جاده قوچان . روبروی روستای کورده
شهرک صنعتی فناوری های برتر . بلوار صنعت . صنعت ۱
تلفن : ۲۴۰۰۵۶۷ - ۰۵۱۳ فکس : ۲۴۰۰۵۶۷ (داخلی ۱۰۷)

فروشگاه : بلوار قمرنی . چهارراه ابوطالب
تلفن : ۷۲۶۸۳۲۷ - ۰۵۱۳ فکس : ۷۲۳۴۲۹۹





همیشه کارتر است



النومبرك



اولین و بزرگترین تولیدکننده
کاغذ، مقوا، کارتن در شرق کشور

تلفن: (۴۰ خط) ۳۵۰۰۲ - ۰۵۱